

انجیل

طبق گفته پولس به رومیان

معرفی

پولس رسول واقعاً می خواست برود و انجیل را در روم نیز موعظه کند. اما او چندین بار مسدود شد. سپس خداوند او را برانگیخت تا آن را از طریق یک سند مکتوب با مؤمنان در آن شهر در میان بگذارد: نامه به رومیان. در آن، او انجیلی را ارائه کرد که از طریق مکاشفه از خود عیسی مسیح خداوند دریافت کرد (غلاطیان 1:12).

محتوای آن وضعیت همه طبقات مردم را در بر می گیرد: از غیریهودیان که هرگز نام کتاب مقدس یا مسیح را نشنیده اند تا کاتبان یهودی آگاه به کتاب مقدس.

و قانون خدا

رساله به رومیان نه تنها برای نسل معاصر پولس نوشته شده است. محتوای آن قرن‌ها را در بر می‌گیرد و حتی برای ما نیز سود می‌برد: «زیرا هر آنچه قبلاً نوشته شده بود برای تعلیم ما نوشته شده است» روم. 4:15 این راه را به همه نشان می دهد که آمرزش گناهان گذشته را در اختیار بگیرند و قدرت زندگی در اطاعت از اراده خدا را در حال و آینده داشته باشند. کسانی که از دستورات او پیروی کنند، روح خود را نجات خواهند داد و زندگی جاودانی را به ارث خواهند برد.

پولس هنگام پرداختن به موضوع رستگاری، نوشت: «بر اساس حکمتی که به او داده شده... در تمام رسالاتش، که در میان آنها نکاتی دشوار است درک شود» دوم پطرس 3:15، 16 به همین دلیل، ما می فهمیم. لازم است نکته به نکته محتوای این رساله مهم با مقایسه کتاب مقدس با کتاب مقدس توضیح داده شود تا بتوان پیام آن را به درستی درک کرد و در نتیجه این تلاش این کتاب تولید شد.

تمرکز این کتاب روشن کردن پیام انجیل ارائه شده در رومیان است. به همین دلیل، او بر توضیح آیه به آیه فصل های 1 تا 12 تمرکز می کند. او به فصول پایانی که به ارائه وظایف عملی زندگی مسیحی و سلام به مؤمنان اختصاص داشت، نمی پردازد.

هدف این نشریه کمک به همه مردم روی زمین، صرف نظر از منشاء، ملیت، گرایش مذهبی یا درجه دانش خدا، برای درک این موضوع است.

انجیل کنید و راه نجات را بیابید. اگر به دنبال نجات روح خود هستید، آنچه را که به دنبال آن هستید را اینجا خواهید یافت. خدا تو را حفظ کند.

رومیان 1

پولس، خادم عیسی مسیح، که به عنوان رسول خوانده شد، برای انجیل خدا که قبلاً به وسیله انبیای خود در کتاب مقدس وعده داده بود، در مورد پسرش که از نسل داوود متولد شد، جدا شد. جسم، بر حسب روح تقدیس، از طریق رستاخیز از مردگان، پسر خدا را در قدرت اعلام کرد. - خداوند ما عیسی مسیح، که به واسطه او فیض و رسالت را دریافت کردیم، تا به اطاعت ایمان در میان همه ملل به نام او، که در میان آنها شما نیز خوانده شده اید تا به عیسی مسیح تعلق داشته باشید. به همه کسانی که در روم هستند، محبوب خدا، که مقدسین خوانده می شوند: فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی

کریستو". رام. 7:1-1

رسول کسی است که خدا برای موعظه انجیل فرا خوانده است. مسیح پولس را صدا زد و او را برای این کار جدا کرد. او در مورد غلام خود گفت: «این طرفی است که برای من برگزیده شده است تا نام مرا در حضور امتها و پادشاهان و در حضور بنی اسرائیل ببرم.» اعمال رسولان. 9:15 پولس نامه را با نشان دادن اطاعت از دعوت استاد آغاز می کند. این کار را با بیان مختصر انجام می دهد

آنچه از او آموخته است و مأموریتی که دریافت کرده است.

او متقاعد شد که عیسی مسیح، مردی که در میان فرزندان یهودا به دنیا آمد و توسط یهودیان مصلوب شد، پسر خدای زنده است که با قدرت پدرش، روح القدس، زنده شد. زیرا خود او هنگامی که در راه دمشق بود با او ملاقات کرد. در آن زمان، او یک آزار و اذیت مسیحیان بود. او معتقد بود که عیسی یک شیاد است و فکر می کرد که با تلاش فعالانه برای ریشه کن کردن ایمانداران به او از روی زمین، خدمتی واقعی به خدا ارائه می کند. در جستجوی این هدف، «در حالی که هنوز علیه شاگردان خداوند نفس تهدید و مرگ می کشید، نزد کاهن اعظم رفت و از او نامه هایی به دمشق و کنیسه ها خواست تا اگر بتواند برخی از آن فرقه را بیابد. یا زنان، اسیران را به اورشلیم هدایت کنید. و چون به راه خود می رفت، چون به دمشق نزدیک می شد، ناگهان شعله ای از آسمان او را فرا گرفت. و در حالی که روی زمین افتاد، صدایی شنید که به او گفت:

شائول، شائول، آیا تو جفا می کنی؟ من چی توسط

و گفت: پروردگارا تو کیستی؟ و خداوند گفت: من عیسی هستم که تو به او جفا می کنی. برای شما سخت است که در برابر ضربه ها مقاومت کنید. و او لرزان و متحیر گفت: پروردگارا چه می خواهی بکنم؟ و خداوند به او گفت: برخیز و وارد شهر شو و در آنجا به تو گفته می شود که چه باید بکنی. «اعمال رسولان 6-1: 9: سه روز بعد، مسیح خدمتکار خود حنانيا را نزد او فرستاد که «به خانه وارد شد و دست بر او نهاد و گفت: برادر شائول، خداوند عیسی که در راه آمدن به تو ظاهر شد، مرا فرستاد تا ممکن است دوباره ببینید و از روح القدس پر شوید. و بلافاصله مانند فلس از چشمانش افتاد و بینایی خود را باز یافت. و برخاست، تعمیر یافت. و چون غذا خورد، دلداری یافت. و شائول چند روز را با شاگردانی که در دمشق بودند گذراند. و بلافاصله در کنیسه ها عیسی را موعظه کرد که او پسر خداست.» اعمال رسولان 20-17: 9:

پل مأموریت خود را در دوره بعد بهتر درک کرد. مدت کوتاهی پس از اتفاقی که در دمشق افتاد، عازم عربستان شد. سپس دوباره به دمشق بازگشت و «پس از سه سال به اورشلیم رفت» غل. 18، 17:1 در این مدت، او مکاشفه های ویژه ای را از طریق مطالعه کتاب مقدس و رؤیاهایی که به او داده شده بود، از خداوند دریافت کرد. او بعداً درباره آنها شهادت داد: "من به رویاها و مکاشفات خداوند خواهم رفت.

من مردی را در مسیح می شناسم که چهارده سال پیش (خواه در بدن، نمی دانم، یا خارج از بدن، نمی دانم، خدا می داند)، تا آسمان سوم گرفتار شد. و می دانم که این مرد (اعم از بدن یا خارج از بدن، نمی دانم، خدا می داند) به بهشت گرفتار شد و سخنان ناگفته ای شنید که گفتن آن برای انسان حلال نیست». دوم قرنیتیان 4-12:1 زمانی بود که او انجیلی را که تدریس می کرد آموخت و می خواست برای رومیان توضیح دهد. درباره او شهادت داد: «ای برادران، به شما اطلاع می دهم که انجیلی که به وسیله من موعظه شد، مطابق مردم نیست، زیرا من آن را نگرفتم و از کسی آموختم، بلکه به وسیله مکاشفه عیسی مسیح "گال. 12، 11:1 بنا براین، پیام منتقل شده توسط او از خود آسمان، از خود مسیح، به ما می آید.

هنوز در مقدمه نامه، پولس تمایل مسیح را برای همه ما که پیام انجیل را دریافت می کنیم، آشکار می کند تا به او ایمان بیاوریم و اشاعه دهندگان آن باشیم. او بیان می کند که وظیفه انتقال انجیل را به «اطاعت ایمان در میان تمام امتها به خاطر نام او، که شما نیز در میان آنها عیسی مسیح خوانده شده اید» دریافت کرده است.

بنابراین، آنچه ما با مطالعه انجیل در رومیان خواهیم آموخت، برای آموزش دیگران خواهد بود. از این رو نیاز به درک صحیح توضیح است. هدف این تفسیر بر رومیان، تسهیل درک پیام آن و توانمند ساختن هر خواننده برای تحقق این هدف الهی است.

از آنجایی که همه ما در رسالت ارائه شده در رومیان هستیم، سلام نامه نیز به ما تعلق دارد: "برای همه... عزیزان خدا که مقدسین نامیده می شوند: فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما و خداوند عیسی مسیح".

انجیل! اول قرن تیان 9:16 هر امتیاز خدادادی با مسئولیتی همراه است.

او می دانست که رومی ها با ابلاغ هدایای روحانی که دریافت کرده بود، تسلی خواهند یافت. به ویژه به دلیل دانش عمیق انجیلی که او دریافت کرده بود. با این حال، او متواضعانه تشخیص می دهد که با دانستن تجربه ایمانی برادران کوچکترش - رومی ها - نیز برکت و آرامش خواهد یافت. می گوید: «ایمان متقابل من و شما به من آرامش دهد». تواضع از ویژگی های موجود در زندگی رسول بزرگ بود. و در هر مسیحی واقعی یافت می شود، زیرا شرط اساسی و اساسی برای امکان ورود به ملکوت مسیح است. در اولین سعادت، استاد گفت: «خوشا به حال فقیران در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن آنهاست» متی 5:3. مهم نیست چقدر با مسیح راه رفته ایم، همیشه باید حتی از تجربه جدیدترین نوکیشان درس بگیریم. او گفت: "در انبیا نوشته شده است: و همه آنها از خدا تعلیم خواهند یافت" یوحنا 6:45. از آنجایی که همه مؤمنان، از کوچکترین تا بزرگترین، از خدا آموخته اند، ما همیشه می توانیم با همه آنها، آنچه را که از پدر دریافت کرده اند، بیاموزیم. نظم یا رهبری، که در آن حتی رهبران مجبور به اطاعت از «مکاشفه های» می شوند که خداوند به جوانترین افراد در کار رهبری کلیسای جهانی داده است. ما می توانیم آگاهی از شهادتی را که خدا در زندگی حتی کوچکترین برادرانمان داد، در زندگی روحانی خود بگنجانیم و آنها را از تاریکی به نور شگفت انگیز خود بیاوریم. با این حال، خدا مردم را به کشیش کلیسا منصوب کرد و سلسله مراتبی را در بدن ایجاد کرد، که همان روح مسیح همه مؤمنان صادق را به احترام آن هدایت می کند، هر زمان که رهبران مطابق اراده ای که در کلام او آشکار شده است عمل کنند. نوشته شده است: «از شبانان خود اطاعت کنید و خود را تسلیم آنها کنید. زیرا آنها مراقب جانهای شما هستند، به عنوان کسانی که برای آنها حساب خواهند کرد. تا این کار را با شادی و بدون ناله انجام دهید، زیرا برای شما فایده ای ندارد.» عب. 13:17. بنابراین، همه افراد در کلیسا - رهبران و رهبران - می توانند تشخیص دهند که خدا در زندگی و تجربیات یکدیگر در هنگام گوش دادن به شهادت ها در کلیسا چه کرده است. و از آن درس بگیریم. اما این رویه را نباید توجیهی برای براندازی نظم مستقر دانست.

«اما برادران، نمی خواهم که غافل باشید که من بارها قصد داشته ام با شما بیایم (اما تا به حال مانع شده ام) تا در میان شما و همچنین در میان سایر غیریهودیان میوه ای داشته باشم. من هم مدیون یونانیان و هم بربرها، هم خردمند و هم نادان هستم. و بنابراین، به اندازه ای که در من است، آماده هستم تا انجیل را به شما اعلام کنم»

اگرچه پولس دوست داشت زودتر از رم بازدید کند، اما می‌داند که تا آن زمان «موانع» بود. او اشاره ای نمی‌کند که چه ابزارهای انسانی مانع سفر او شده است؛ از سخنان او می‌فهمیم که شیطان، حریف، به نوعی تلاش می‌کرد تا از دریافت پرتوهای نور توسط مؤمنان رومی در مکاشفات انجیل که به او سپرده شده بود، جلوگیری کند. اما مشکلات تحمیلی او را در هدفش تضعیف نکرد. او مصمم شد که یک سند مکتوب حاوی جوهر مکاشفه انجیل که می‌خواست با آنها در میان بگذارد، بفرستد. او گفت: «من مدیون یونانیان و بربرهای خردمند و نادان هستم. و بنابراین، تا آنجا که در من است، حاضرم انجیل را به شما که در روم هستید اعلام کنم.» از این سخنان نتیجه می‌گیریم که دنباله نامه به شرح انجیل اختصاص خواهد یافت.

«زیرا من از انجیل مسیح خجالت نمی‌کشم، زیرا این قدرت خداست برای نجات هر که ایمان بیاورد، نخست یهودی و همچنین یونانی. زیرا در او عدالت خدا از ایمان به ایمان آشکار می‌شود، چنانکه مکتوب است: اما عادل به ایمان زندگی خواهد کرد.» رام 17، 1:16

کلمه «انجیل» به معنای بشارت است. انجیل اصلی ترجمه شده در رومیان 1:16 نیز در اعلامیه تولد نجات دهنده عیسی مسیح ظاهر می‌شود، جایی که به عنوان "خبر شادی بزرگ" ترجمه شده است: "و فرشته به آنها گفت: نترسید، زیرا اینک من شما را به شادی عظیم مژده می‌دهم، شادی که برای همه مردم خواهد بود، زیرا شما امروز در شهر داوود که مسیح خداوند است به دنیا آمدید." لوک. 11. 10:2 پولس ادعا می‌کند که انجیل «قدرت خدا» است. چگونه می‌توان خبرهای خوب را در عین حال قدرت خدا دانست؟ این به این دلیل است که انجیل شامل اعلام آمدن پسر خدا برای نجات ما از گناهانمان است، که به ما قدرت می‌دهد بر آنها غلبه کنیم و عدالت را عمل کنیم. پولس می‌گوید انجیل از «مسیح» است. کلمه مسیح از یونانی اصلی گرفته شده است که اصطلاح عبری را که در پرتغالی به عنوان "مسیح" شناخته می‌شود، ترجمه می‌کند و به معنای فرستاده شده است. هنگامی که شاگرد اندریا، پس از ملاقات با عیسی، رفت تا او را به برادرش پطرس اعلام کند، گفت: "مسیح را یافتیم (که ترجمه آن مسیح است)" یوحنا 1:41. او عیسی را فرستاده خدا معرفی کرد.

از زمانی که گناه وجود داشته است، مردم منتظر هستند تا خداوند منجی را بفرستد. اشعیا با الهام از او صحبت کرد و آشکار ساخت که فرستاده یگانه پسر خدا خواهد بود، که از طریق او صلح بین مردم و پدر آسمانی برقرار خواهد شد: «زیرا برای ما فرزندی متولد شد، به ما پسری داده شد. و فرمانروایی بر دوش اوست. و نام او مشاور شگفت‌انگیز، ... شاهزاده صلح خواهد بود.» عیسی. 9:6 او با اجرای دو کار برای ما صلح کرد. اولین آنها تحمل گناهان ما و پرداخت هزینه آنها از طریق مرگ او بر روی صلیب جلگه بود. «مزد گناه مرگ است؛» و «او به خاطر گناهان ما مجروح شد... مجازات آن

درد بر او بود؛ او گناهان ما را در بدن خود بر درخت حمل می کند. بدین ترتیب، «مسیح ما را از لعنت شریعت نجات داد و برای ما لعنت شد، زیرا نوشته شده است: ملعون است هر که به درخت آویزان شود.» او «بر اساس کتاب مقدس برای گناهان ما مرد» اول قرنیتان 15:3 (نقل شده: رومیان 6:23؛ اشع 53:5؛ دوم پطرس 2:24؛ 1:18).

13:3 اول قرنیتان (3:15 کار دوم این است که روح القدس را که از خدا دریافت کرده است در قلب خود بریزیم و ما را تبدیل و تقدیس کنیم. او در اشعیا روح عدالت نامیده می شود: «و چنین خواهد شد که هر که در صهیون باقی بماند و در اورشلیم بماند، مقدس خوانده شود، هر که در میان زندگان در اورشلیم نوشته شود: هنگامی که خداوند پلیدی دختران صهیون را خواهد شست و خون اورشلیم را از میان آن با روح عدالت و با روح آتش پاک خواهد کرد.» عیسی 4: 3، 4 اما احکام خدا عدالت است: "همه احکام او عدالت است" مزمو 119:172 بنابراین، ما نتیجه می گیریم که روح عدالت باعث می شود که از ده فرمان اطاعت کنیم.

از طریق روح، مسیح در ذهن ما عمل می کند و با تمایل طبیعی ما به گناه مبارزه می کند و ما را بر وسوسه ها پیروز می کند: «زیرا جسم با روح می جنگد و روح با جسم. و اینها با هم مخالفند، مبدا آنچه را انجام دهید. 5:17 و به این ترتیب است که خدا "در شما عمل می کند تا بخواهید و انجام دهید، مطابق رضای خود." فیل. 2:13 این اراده، احساسات و انگیزه های ما را تغییر می دهد، به ایمانی خواهد بود، بکلمه اهل طینت را خود را قرار می دهند. چگونه گذاشته و آنها ببلند. دهر اولی شمن گوییم این عهدی است که پین و اولن تیرها زمانی محقق می شود که ما به مسیح ایمان داشته باشیم، "زیرا تمام وعده های خدا در اوست و از طریق او آمین" (آمین به معنای "چنین باشد") دوم قرنیتان 20، 19:1

از طریق این کار خدا، اطاعت در زندگی ما آشکار می شود. این همان چیزی است که پولس در مورد انجیل می گوید: "زیرا عدالت خدا در آن از ایمان به ایمان آشکار می شود، همانطور که مکتوب است: اما عادل به ایمان زندگی خواهد کرد." انجیل پیامی است که ارائه می کند. مسیح و ما را دعوت می کند که به او ایمان داشته باشیم. وقتی ایمان می آوریم، روحی را که از خدا دریافت کرده است در قلب ما می ریزد و به عنوان قدرتی عمل می کند تا قلب و ذهن ما را تغییر دهد. به این ترتیب او ما را به عمل صالح هدایت می کند. اطاعت از ده فرمان. بنابراین نتیجه می گیریم که تنها ثمره واقعی پذیرش پیام انجیل، اطاعت کامل از تمام احکامی است که خداوند به ما اعلام کرده است. به عبارت دیگر، ثمره پذیرش انجیل، وفاداری کامل به تمام نور است. ما از خدا در مورد آنچه درست است، دریافت می کنیم، و بنابراین وظیفه ما به عمل است.

"زیرا غضب خدا از آسمان بر تمامی بی‌خدایی و بی‌عدالتی مردمی که حقیقت را در بی‌عدالتی نگه می‌دارند آشکار می‌شود. زیرا چیزهایی که از خدا شناخته می‌شود در آنها آشکار است، زیرا خدا آنها را بر آنها آشکار کرده است. چیزهای نامرئی، از زمان آفرینش جهان، هم قدرت ابدی و هم الوهیت او قابل درک است و با چیزهای آفریده شده به وضوح دیده می‌شود، به طوری که غیر قابل بخشش هستند» رومیان. 1:18-20

"خدا را هرگز کسی ندیده است" یوحنا. 1:18 با این حال، او مکاشفه‌هایی از خود را در کارهایی که خلق کرد: آسمان، زمین و کل جهان (پیدایش 1:1) به جای گذاشت. آسمان‌های آبی در زیبایی و وسعت، "جلال خدا و وسعت کار دستهای او را اعلام می‌کند" مزمور. 19:1 و اشعیا نبی اعلام می‌کند که ما «همه‌ی ما کار دستان تو هستیم» اشعیا 8: 64 مزمور نویس اعلام کرد: «تمام اعمال تو را در نظر می‌گیرم. من در کار دستان تو فکر می‌کنم.» مزمور. 143:5 بنابراین، دو ویژگی نامرئی خدا به وضوح در بدن آنها و در آثار آفریده شده‌ی آنها که آنها را احاطه کرده است، به گونه‌ای قابل درک برای همه آشکار می‌شود: (1) قدرت ابدی او. و (2) الوهیت او. فقط یک موجود بی‌نهایت باهوش و با نیت خوب می‌توانست موجودات زیبایی را تصور کند و بسازد که توسط سیستم‌های بسیار وابسته و کاملاً یکپارچه به هم وابسته‌اند. بیایید زیبایی و ظرافت یک نوزاد را در نظر بگیریم که از طریق عملکرد هماهنگ و مشترک مغز و قلب حرکت می‌کند. مغز قلب را کنترل می‌کند که به نوبه خود آن را با خون تغذیه می‌کند. هیچ‌کدام نمی‌توانست قبلاً ظاهر شده باشد یا مستقل از دیگری باشد. هر دو لزوماً با هم، در یک بدن ایجاد شده‌اند. «و پیهوه خدا انسان را از خاک زمین آفرید و در سوراخ‌های بینی او نفس حیات دمید و انسان جان زنده شد» پیدایش 2:7 که سلولهای بدن انسان را زنده نگه میدارد. الکترون‌های کوچک دور هسته اتم می‌چرخند؛ چه کسی پرندگان را فراهم می‌کند تا بتوانند هر روز غذا پیدا کنند؟ چه کسی باعث می‌شود بدن ما انرژی مورد نیاز برای کار را از غذا استخراج کند؟ چه کسی به ما خواب می‌دهد و مزارع را با گل‌های زیبایی می‌پوشاند؟ تنها پاسخ صحیح این است: خداوند به قدرت و محبت بی‌پایان خود به همگان، انسان در مشیت برای همه نشانی از الوهیت و مقام خالق خود و همچنین قدرت حامی خود دارد.

انسان همچنین مشاهده می‌کند که همه چیز در طبیعت برای خدمت به دیگران وجود دارد - چه گیاهان، چه حیوانات یا اعضای بدن ما - و هیچ چیز فقط با خدمت کردن به خودش پیشرفت نمی‌کند. بنابراین هیچکس عذری برای عمل خلاف این اصل ندارد. همه به طور شهودی تشخیص می‌دهند که خودخواهانه زندگی کردن، تنها به دنبال لذت‌های خود، ظلم عمدی به دیگران، اشتباه است. خداوند اعلام می‌دارد که ادامه دادن به این طریق، با علم به این که اشتباه است، اشتباه است. به زبان کتاب مقدس، «حقیقت را در بی‌عدالتی نگه می‌دارد». حقیقت آگاهی از آنچه از نظر خدا درست است، در حالی که بی‌عدالتی عملی نادرست و خودخواهانه است که بر خلاف اصول قانون عدالت است - عشق به خدا و همسایه (متی 22: 38-40) خدا ترک کرد.

علم به اصول عدالت -زندگی برای خدمت و برکت دادن به دیگران -که در آثار طبیعت نوشته شده است، به این منظور که هیچ کس بهانه ای برای ظلم و بی تقوایی نداشته باشد -«تا نابخشودنی باشند».

«زیرا چون خدا را شناختند، او را به عنوان خدا تجلیل نکردند، و شکر او را نکردند، بلکه در سخنان خود ضعیف شدند و دلهای نادانشان تاریک شد.

عاقل، احمق شدند» روم. 22، 1:21

خطای بزرگ علم بشری، امتناع از شناختن ردپای نویسنده در طبیعت است. "در آغاز خدا آسمانها و زمین را آفرید" ژنرال. 1:1 و در کار خود صحابی داشت. کتاب مقدس در مورد مسیح می گوید: "همه چیز توسط او ساخته شد و بدون او هیچ چیز ساخته نشد." یوحنا 3: 1 علم می کند طبیعت را به صورت خود موجود و پدیده های آن را خود به خود توضیح دهد، بدون اینکه صاحب او را بشناسد. به عنوان نویسنده قوانین طبیعی و قدرت او به عنوان حافظ همه چیز، به نتایج نادرستی می رسد، از نظر الهی، چنین نتایجی با تاریکی قابل مقایسه است، دانشمندان با پیروی از این خط، می توانند نتیجه گیری های خود را با شکوه و تظاهر به بزرگی ارائه کنند. خرد، زمانی که در واقع توضیحات آنها از واقعیت جدا شده است - و با پیشرفت تحقیقات در آینده دیوانگی خواهد بود.

برای مثال به یک مورد اشاره می کنیم. علم بشر قبلاً زمین را مرکز جهان اعلام کرده است. و همچنین اینکه توسط دو فیل حمایت می شد. این اظهارات قبلاً ثابت شده است که دیوانگی هستند. کتاب مقدس مدتها قبل گفته بود که خدا «زمین را بر هیچ چیز آویزان می کند» ایوب

26:7 قرن ها بعد، علم بشر به همان نتیجه ای رسید که قبلاً توسط کلام خدا ارائه شده بود و اعلام کرد که زمین "در فضای بیرونی معلق است". از این رو این درست است که بسیاری از مردانی که از علم هستند، «خدا را از طریق مکاشفه طبیعت شناختند»، «او را به عنوان خدا تسبیح نکردند و او را شکر نکردند». نظریه ها از حقیقت جدا شدند. بنابراین، «قلبهای احمقانه شان تیره شد و با ادعای عاقل بودن، احمق شدند».

«و جلال خدای فسادناپذیر را به صورت انسان فاسد و پرنندگان و چهارپایان و خزنده ها تغییر دادند. بنابراین خدا نیز آنها را به شهوات دلشان سپرد تا ناپاکی، تا بدن های خود را در میان خود بی آبرو کنند؛ زیرا آنها حقیقت خدا را به دروغ تبدیل کردند و مخلوق را بیشتر از خالق که تا ابد مبارک است، گرامی داشتند و خدمت کردند. همسرانشان

آنها برخلاف طبیعت، کاربری طبیعی را تغییر دادند. و به همین ترتیب، مردان نیز با ترک استفاده طبیعی از زنان، در نفسانیات خود نسبت به یکدیگر ملتهب شدند، مردان با مردان، مرتکب فخر فروشی شدند و ثواب لازم را در خود دریافت کردند.

به خطای او" رام. 1:23-27.

انسان هنگام تأمل در آثار طبیعت، شهودی طبیعی از وجود خدا دارد. این را با مطالعه تاریخ به راحتی می توان فهمید. از زمان های قدیم، همه مردم خدایان خود را خلق کرده اند که به آنها عبادت و قربانی می کردند. با این حال، ناتوانی در شناخت خدای واقعی به عنوان خالق خود، آنها را بر آن داشت تا چهره های الهی را مطابق تصورات خود تصور کنند. ویژگی هایی را به آنها نسبت می دادند که در اصحاب انسانی خود و حتی در برخی از حیوانات مشاهده می کردند. «حقیقت خدا را به دروغ تبدیل کردند»، یعنی مخلوقاتی محدود - و بدتر - آلوده به گناه را به عنوان نمادی از شخصیت الهی پذیرفتند.

فاسد و پرندگان و چهارپا و خزندگان.»

انسان با مشاهده می آموزد. با قرار دادن این موجودات ناقص و آلوده به گناه، به تدریج به آنها شباهت پیدا کردند. تمرینات خود را تکرار کردند. «آنها مخلوق را بیشتر از خالق گرامی داشتند و خدمت کردند». حتی تماس صمیمی شبیه به آنچه در حیوانات دیده می شود بود. کتاب مقدس گزارش می دهد که فلسطینیان خدایی را می پرستیدند که منشأ آن در بابل به نام داگون بود (داوران. 16:23) داگون بتی بود که نیمی از بدنش ماهی و نیمی انسان بود. کشیش داگوم کلاهی به شکل دهان ماهی بر سر داشت، شبیه به کلاهی که پاپ در آیین کاتولیک رومی بر سر می گذاشت. ماهی هایی وجود دارند که هرما فرودیت هستند، یعنی می توانند در رابطه تولید مثل هم به عنوان نر و هم ماده عمل کنند. بنابراین جای تعجب نیست که مردان با تفکر خدایی مانند این، به دنبال تقلید از او بودند و شروع به حفظ روابط مانند ماهی کردند. خداوند مردم را از رفتن به راهی که انتخاب کرده اند باز نمی دارد. اول از همه به تصمیمات خود احترام بگذارید. «به همین دلیل است که خداوند آنها را به شهوات بدنام رها کرد. زیرا حتی زنان آنها برخلاف طبیعت، استفاده طبیعی خود را تغییر دادند. و به همین ترتیب، مردان نیز با ترک استفاده طبیعی از زنان، نسبت به یکدیگر ملتهب شدند، مردان با مردان، مرتکب فحاشی شدند.»

چند دهه پیش، انتقال بالای ایدز (یا ایدز) در بین همجنس گرایان گزارش شد. اخیراً، در سال 2022 همچنین با انتقال بیشتر آبله میمون در بین آنها همراه بود. کلام خدا مدت هاست که هشدار داده است که همجنس گرایی عواقب زیانباری برای بدن تمرین کنندگانش به همراه خواهد داشت و آنها «در خود پاداشی که شایسته خطایشان است» دریافت می کنند.

«و همانطور که آنها نگران نبودند که خدا را بشناسند، خداوند آنها را به ذهن منحرف سپرد تا کارهایی را انجام دهند که مناسب نیست. پر شدن از هر گونه گناه، زنا، بدخواهی، طمع، شرارت. پر از حسادت، قتل، نزاع، فریب، بدخواهی. زمزمه کنندگان، بدخواهان، دشمنان خدا، دشنام دهندگان، مغرور، خودپسند، مخترع شر، نافرمان پدران و مادران بودن. احمق، بی وفا در قراردادهای، بدون محبت طبیعی، آشتی ناپذیر، بی رحم. که با دانستن داوری خدا (که کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند شایسته مرگ هستند) نه تنها آنها را انجام می دهند، بلکه با کسانی که آنها را انجام می دهند نیز رضایت می دهند.» رومیان. 32-1:28

خواننده سطحی ممکن است فکر کند که خدا داوطلبانه انسانها را به ارتکاب انواع شرارت، که در متن بالا توضیح داده شد، هدایت کرده است. اما این مورد نیست. تعبیر "خدا آنها را تحویل داد" نشان می دهد که او به آزادی انتخاب انسان احترام می گذارد. زمانی که مردم بسیاری از پنجاهای پیامبران را رد کردند، خداوند دید بنی اسرائیل مصمم هستند در راه شیطانی قدم بردارند و خدایان دروغین را بپرستند و گفت: «اسرائیل مانند تلیسه ای سرسخت قیام کرد... افرایم تسلیم شد. به بتها، او را رها کن.» هوس. 17، 4:16 اگرچه او بر وجدان گناهکاران اصرار دارد که توبه کنند، رسولانی می فرستد تا آنها را نصیحت کنند، هشدار دهند و حتی اجازه دهد که مشکلات آنها را مهار کند، اما آنها را از راه رفتن در معبد باز نمی دارد. اگر مصمم به انجام آن هستید، مسیری بر خلاف اراده شماست.

با این حال، شایان ذکر است که همانطور که به مردان اجازه می دهد آنچه را که بد است انتخاب کنند، حق انتخاب راه خوب، انجام کارهای نیک را نیز تضمین می کند. نمونه ای از آن را در مورد مریم، زنی که پاهای عیسی را مسح کرد، داریم. بیابید داستان او را در نظر بگیریم: «و هنگامی که او (عیسی) در بیت عنیا بود و در خانه شمعون جذامی بر سر سفره نشسته بود، زنی آمد که کوزه ای از مرهم مرمعی از درخت سنبله خالص داشت که بسیار گران قیمت بود و ظرف را می شکست. آن را روی سرش ریخت و عده ای در درون خود خشمگین شدند و گفتند: چرا این ضایعات مرهم درست شد، زیرا می شد آن را به بیش از سیصد پول فروخت و به آن داد. فقیران برضد او فریاد زدند، اما عیسی گفت: «او را رها کن، چرا او را اذیت می کنی؟» او برای من کار خوبی کرده است. تو می خواهی، اما تو همیشه مرا به من نداشته ای، او هر چه می توانست انجام داد، زودتر از موعد رفت تا بدن مرا برای دفن مسح کند. او نیز برای خاطر او شمرده خواهد شد." مرقس. 9-3:14

مریم قلبش پر از عشق به نجات دهنده اش بود و می خواست بزرگ ترین خزاجی را که در دسترس او بود به او بپردازد. برای این کار او عطری به ارزش تقریباً سیصد دینار خرید که در آن زمان معادل سیصد روز یا تقریباً یک سال کار بود. اما وقتی مرهم گرانبها را بر پای استاد ریخت، مورد رضایت مهمانان قرار گرفت. با این حال، در حالی که او در آن موقعیت ناخوشایند خجالت زده بود،

او صدای ناجی را شنید که از او دفاع می کرد: "او را رها کن". سخنان عیسی بیان سخنان خود خدا، پدرش بود. او یک بار گفت: "هر چه می گویم، همانطور که پدر به من گفته است." یوحنا 12:50 از این رو می فهمیم که خدا از طریق مسیح بود. آزادی او را برای پیروی از راهی که انتخاب کرده بود، برای انجام آن کار خوب تضمین می کرد. خدا با استفاده از بیان رومیان، «مریم را به احساسات پاک او سپرد.» و او می توانست به طور یکسان همه مردان روی زمین را که بر روی زمین هستند، رهایی بخشد - یا حفظ کند. انتخاب کرد که به عیسی ایمان بیاورد و راه خوب را دنبال کند.

متأسفانه، بیشتر مردان «به شناخت خدا اهمیت نمی دادند». سپس پس از رد قطعی درخواستهایش، آنها را به راه خود سپرد.

دانش - بد.

متن فصل اول رومیان با ارائه نتیجه آشکار بر اساس آنچه در آیات قبل بیان شد به پایان می رسد. از آنجایی که انسانها از عشق الهی، از حکمت در زندگی برای خدمت و کمک به دیگران آگاهند، و همچنان تصمیم به شرارت دارند، به نحوی می دانند که اراده خدا چیست و این شهود را دارند که او راه بد شما را مجازات خواهد کرد. به قول رومیان، «با علم به داوری خدا (که کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند، سزاوار مرگ هستند)، نه تنها آنها را انجام می دهند، بلکه با انجام دهندگان نیز رضایت می دهند.

رومیان 2

"بنابراین، ای انسان، هر که هستی، وقتی قضاوت می کنی، تو را نابخشودنی می دانی، زیرا خود را در آنچه دیگری را قضاوت می کنی، محکوم می کنی، زیرا تو که داوری می کنی، همین کار را می کنی. و ما می دانیم که داوری خدا در مورد کسانی است که بر اساس حقیقت است. این کارها را انجام بده، و ای انسان که در مورد کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند قضاوت می کنی، آیا فکر می کنی که با انجام آنها از قضاوت خدا در امان خواهی بود؟» روم 2: 1-3

شنیدن اینکه مردم هنگام صحبت در مورد شهود خود در مورد اینکه خدا چگونه آنها را می بیند، می گویند: "من به کسی صدمه نمی زنم و به دیگران کمک می کنم - بنابراین معتقدم که در پیشگاه خداوند مورد تایید قرار خواهم گرفت." یا حتی: «مهم این است که همیشه خدا را برای همه چیز شکر کنیم» - گویی شکرگزاری برای نعمت هایی که روزانه دریافت می شود، نوعی توبه برای اعمال بد است، به طوری که با دریافت اولی، او را نادیده می گیرد. آخر. افرادی که به صورت تصویری بر روی این "پایه افتخار" ارزیابی خود نشسته اند، در محکوم کردن اعمال بد دیگران احساس راحتی می کنند. عباراتی مانند: "من عیب هایم را دارم، این کار را انجام می دهم، اما کاری که این شخص انجام می دهد - خیلی زیاد است!"

بر اساس متن رومیان، قرائت صحیح این عبارات چیزی شبیه به این است: "گناهان من چندان جدی نیست - اما گناهان همسایه من بسیار بزرگ است، من نمی توانم آن را تحمل کنم!". کلمه معصوم

خداوند نفاق این گفتار را در این جمله نکوهش می کند: «بنابراین، ای انسان، هر که هستی، وقتی قضاوت می کنی، معذور نیستی، زیرا در آنچه دیگری را قضاوت می کنی، خود را محکوم می کنی و تو که داوری می کنی، همین کار را بکن. ما خوب می دانیم که داوری خداوند بر کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند به حق است، و ای انسان که بر کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند داوری می کنی، آیا گمان می کنی که با انجام آنها از قضاوت خدا در امان خواهی بود؟ یعقوب رسول الهام شد تا بنویسد: "کسی که نیکی کردن را می داند و آن را انجام نمی دهد، مرتکب گناه می شود." یعقوب 4:17 هر کس به وضوح تفاوت بین حق و باطل را تا حدی که دیگران را ببیند و محکوم کند، تشخیص دهد، می تواند و باید با عدالت قضاوت شود «از حاکمی که برای سنجش همسایه اش استفاده می کند». خودت تو را می سنجند.» مارس 4:24 خداوند هر یک را بر اساس درکی که در مورد راه نیک بدست آورده قضاوت خواهد کرد. این حقیقت در تفسیر آیات 12 تا 15 رومیان 2 بعداً با جزئیات بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

«با غنای رحمت و صبر و بردباری او را تحقیر می کنی و نمی دانی که مهربانی خدا تو را به سوی توبه می کشاند، اما بر حسب سختی و قلب ناپاک خود، در روز غضب و غضب خشم را برای خود ذخیره می کنی. مظهر داوری خداوند که هر یک را بر حسب اعمال خود پاداش می دهد، یعنی حیات جاودانی را به کسانی که با استقامت در انجام نیکی جلال و افتخار و جاودانگی می جویند، اما خشم و غضب برای کسانی که مجادله کننده و نافرمان حق هستند. مطیع گناه» رومیان 2:4-8

خداوند مهربانی خود را هر روز به طرق مختلف بروز می دهد. مزمورنویس هنگامی که تشخیص داد، چندین مورد از آنها را فهرست کرد: «خداوند ارباب را ستایش کنید، زیرا محبت او جاودانه است. کسی که فقط معجزه می کند؛ زیرا محبت او تا ابد پایدار است. او که با عقل آسمانها را آفرید؛ زیرا محبت او تا ابد پایدار است. کسی که زمین را بر آنها گسترد؛ زیرا محبت او تا ابد پایدار است. او که مشاهیر بزرگ را ساخت. زیرا محبت او تا ابد باقی است. خورشید برای حکومت در روز؛ زیرا محبت او تا ابد باقی است. ماه و ستارگان برای ریاست شب؛ زیرا که محبت او تا ابد پایدار است... کسی که پستی ما را به یاد آورده است. زیرا محبت او تا ابد باقی است. و ما را از دست دشمنانمان نجات داد. زیرا محبت او تا ابد باقی است. که به همه گوشت ها غذا می دهد. زیرا محبت او تا ابد پایدار است. خدای بهشت را ستایش کن. زیرا محبت او تا ابد باقی است.» مزمور 136:3-26 هر نمایش مهربانی خداوند تأثیری کم و بیش در ذهن ما می گذارد. این بستگی به نگرش ما نسبت به آن دارد.

ما می توانیم از عمیقاً تحت تأثیر خوبی های او تا کاملاً بی تفاوت باشیم. نگرش پذیرش یا مقاومت ما، عمق کاری را که به او اجازه می دهیم در قلبمان انجام دهد، تعیین می کند.

در میان تمام تظاهراتی که پدر نیکویی خود ارائه کرد، بزرگترین آن اهدای زندگی پسرش، عیسی مسیح، برای نجات ما بود. «خدا آنچه‌ان جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد.» یوحنا 3: 16 اما خدا محبت خود را نسبت به ما نشان می‌دهد، زیرا در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح برای ما مرد. " روم 8: 5 هنگامی که ما نیکی خدا را درک می‌کنیم و در برابر لمس روح او مقاومت نمی‌کنیم، پولس رسول این تجربه را که همه فرزندان خدا کم و بیش دارند، در نامه ای که به تیطوس نوشته شده گزارش می‌کند: "اما هنگامی که مهربانی و محبت خدا نجات دهنده ما نسبت به مردم ظاهر شد... رحمت او ما را با شستشوی بازسازی و تجدید روح‌القدس که به واسطه نجات‌دهنده ما عیسی مسیح بر ما فراوان ریخت نجات داد» تیطس 3: 4-6 و همچنین، بعداً در رومیان اعلام می‌کند: «محبت خدا از طریق روح‌القدس که به ما داده شده، در دل‌های ما ریخته می‌شود. زیرا مسیح، در حالی که ما هنوز ضعیف بودیم، در زمان معین برای افراد غیر خدا مرد. زیرا تنها یک نفر برای شخص صالح خواهد مرد. زیرا ممکن است کسی جرات مرگ را داشته باشد. اما خدا محبت خود را نسبت به ما نشان می‌دهد، زیرا در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد.» رومیان 5: 5-8 مهربانی خداوند تو را به سوی توبه سوق می‌دهد. خدا از طریق روح‌القدس پیوسته در پی آن است که ما را با مکاشفه مهربانی خود نسبت به ما تحت تأثیر قرار دهد.

بنابراین، به دنبال آن است که به خاطر اعمال و عادات فکری ما که با انگیزه خودخواهی است، توبه کنیم و قلب ما را تغییر دهد. عمق توبه ما متناسب با قدرانی ما از خوبی او نسبت به خود خواهد بود. یا به عبارت دیگر، با تمایل ما به تسلیم شدن در برابر تأثیر روح او متناسب خواهد بود. کار هدایت ما به سوی توبه تماماً از آن اوست و تنها با مقاومت یا «سختی» ما مانع آن می‌شود.

اما باید توجه داشت که انسان تا ابد قادر به مقاومت در برابر نفوذ الهی نخواهد بود و بدون مجازات می‌ماند. «مزد گناه مرگ است» روم 6: 23. لمس خداوند در قلب ما با این پیام همسو است: "خداوند، با بی‌اعتنایی به دوران جاهلیت، اکنون به همه مردم در همه جا اعلام می‌کند که توبه کنند، زیرا او روزی را تعیین کرده است که جهان را به عدالت به وسیله مردی که او دارد، داوری خواهد کرد. تعیین کرده است و با زنده کردن او از مردگان به همه یقین بخشیده است." اعمال رسولان 31، 17:30 بنابراین، برای همه کسانی که به خود اجازه نمی‌دهند با لمس دائمی روح خدا حساس شوند، هشدار این است. با توجه به سختی و قلب ناپاک خود، در روز غضب و تجلی داوری خداوند، خشم را برای خود ذخیره می‌کنید. که هر کس را برحسب کارهایش پاداش خواهد داد. یعنی: حیات جاودان برای کسانی که با استقامت در انجام کار خیر، جلال و عزت و فساد را می‌جویند. اما خشم و غضب برای کسانی که نزاع می‌کنند، نافرمان حق، و مطیع گناه هستند.» متن اشاره می‌کند که خداوند در روزهای آخر چه خواهد کرد. سپس خشم خود را بر شریکان خواهد ریخت و آنها را بی‌رحمانه سنگسار خواهد کرد: "من یک نشانه بزرگ و شگفت‌انگیز دیگر را در بهشت دیدم: هفت فرشته که هفت بلای آخر را داشتند، زیرا در آنها خشم خدا به پایان رسیده است... فرشته هفتم جام خود را در هوا ریخت و صدای بلندی از معبد آسمان از عرش آمد که گفت: تمام شد... و بابل بزرگ به یاد آورد.

خدایا جام شراب خشم خشمش را به او بده... و تگرگ عظیمی از آسمان بر مردم فرود آمد، سنگهایی به وزن یک تالانت (یا 34 کیلو). و مردم به خاطر طاعون تگرگ به خدا کفر گفتند. زیرا طاعون او بسیار بزرگ بود. (مکاشفه 15:1، 16:17، 19، 21). اگرچه امروز ممکن است این مجازات از نظر برخی مبالغه آمیز به نظر برسد، اما در زمان تحقق آن، با توجه به شرارت هایی که در زمین انجام خواهد شد، آن را مناسب و سزاوار می دانند.

«مصیبت و اندوه بر هر انسانی که بدی می کند، نخست بر یهودی و نیز بر یونانی، می آید؛ اما جلال و عزت و سلامتی برای هر که نیکو می کند، اول یهودی و نیز یونانی، زیرا برای خدا هیچ احترامی برای اشخاص وجود ندارد.» روم 10، 2:9

فرض کنید دو نفر با یک ماشین از سائوپائولو به ریو سفر می کنند
ژانویه فقط یکی از آنها راه را بلد است. اگر خودرو در طول سفر از مسیر صحیح منحرف شود، کسی که راه را می شناسد اولین کسی است که متوجه آن می شود. او شروع به نگرانی می کند در حالی که شریک زندگی اش هنوز از آنچه اتفاق می افتد بی خبر است. این چیزی است که در زندگی واقعی در مورد قانون خدا اتفاق می افتد. کسی که احکام را می داند و از آنها دور می شود، به جای آنکه از روی نادانی راه می رود، نگران و غمگین است، زیرا به خطا می داند. روح خدا شما را به گناه محکوم می کند. جاهلان نیز به نوبه خود بدون آزار وجدان در مسیر ادامه می دهند تا زمانی که از خطای خود مطلع شوند. کتاب مقدس می گوید که خدا «به زمان های نادانی توجه نمی کند»، در حالی که با روح خود جهان را «به گناه» محکوم می کند (اعمال رسولان 17:30؛ یوحنا 8:16). اول به یهودی و سپس «به یونانی.» اولی قانون مکتوب خدا - ده فرمان را می دانست؛ در حالی که دومی نه. کسانی که نیکی می کنند «اول به یهودی» و سپس به یونانی داده می شوند. زیرا هر کس قانون را بداند، در برابر کسانی که آن را نادیده می گیرند، آگاه است - و بنابراین احساس می کند - که راه او را تأیید می کند. او کاملاً متقاعد شده است که راه او درست است، در حالی که هر کس قانون را نادیده بگیرد، تسلیم روح خدا می شود که او را با شهود و بنابراین بدون یقین به انجام کار درست راهنمایی می کند. بنابراین، دانستن قانون خدا سودمند است. مزبور سرا می گوید: «سلامتی عظیم دارند کسانی که شریعت تو را دوست دارند و برای آنها مانعی نیست» مزبور 119:165

«مصیبت» ناشی از گام برداشتن در مسیر نافرمانی نیز متوجه کسانی می شود که قانون خدا را می دانند تا کسانی که آن را نادیده می گیرند؛ به زبان رومیان: «اول بر یهودی و همچنین بر یونانی.» خداوند موقعیت ها را به گونه ای مدیریت می کند که مصیبت ها ابتدا متوجه کسانی می شود که آگاهانه گناه می کنند. نمونه ای از آن را در تاریخ سیر قوم بنی اسرائیل به سوی کنعان می یابیم. کتاب مقدس به دو مورد اشاره می کند

مواردی که در آن بنی اسرائیل در حالی که خدا آنها را از صحرا به سوی کنعان هدایت می‌کرد، گوشت می‌خواستند. نحوه رسیدگی او به درخواست های آنها در هر یک از آنها کاملاً متفاوت بود.

اولی در الیم بود، قبل از اینکه نانی را که برای غذایشان در نظر گرفته بود - مانا - به آنها بشناساند. سپس گفتند: «ای کاش به دست خداوند در زمین مصر مرده بودیم، وقتی کنار دیگ‌های گوشت می‌نشستیم، وقتی از نان سیر می‌خوردیم!» خروج 3: 16 در پاسخ، او گوشتی را که می‌خواستند به آنها داد و به موسی گفت: "من زمزمه های بنی اسرائیل را شنیده ام. با آنها صحبت کن و بگو: بین دو شب گوشت می‌خورید... و چنین شد که در شام بلدرچین ها بالا آمدند و اردوگاه را پوشاندند. 13، 12:16 در همان مناسبت، او تمایل خود را برای تغییر رژیم غذایی آنها آشکار کرد و به آنها رژیم غذایی بدون گوشت داد: «خداوند به موسی گفت، اینک، من نان از آسمان برای شما می‌بارم و مردم بیرون خواهند رفت. و آن را جمع کن، سهم روزانه برای هر روز، تا به او ثابت کنم که آیا در شریعت من قدم می‌زند یا نه... و هنگامی که شب‌نم

او برخاست و دید که روی صحرا یک چیز کوچک و گرد بود که به کوچکی یخبندان روی زمین بود. و چون بنی اسرائیل آن را دیدند، به یکدیگر گفتند: این چیست؟ چون نمی‌دانستند چیست، و موسی به آنها گفت: این نانی است که خداوند به شما داده تا بخورید. 15، 14، 3:16 «او آنها را از نان آسمان پر کرد» مزمور 105:40

بنی اسرائیل پس از آگاهی از اراده خداوند، دوباره گوشت خواستند. سپس رفتار او نشان از طغیان بر او داشت و مجازات شد: «مردم عادی که در میان آنها بودند، بسیار میل کردند و بنی اسرائیل دوباره گریستند و گفتند: «چه کسی گوشتی به ما می‌دهد تا بخوریم؟» ماهی را که در مصر مجانی خوردیم و خیار و خربزه و تره و پیاز و سیر اما اکنون روح ما خشک شده است و چیزی جز این مانا در برابر چشمان ما نیست. 6-4:11 خداوند گفت

موسی: «به قوم خواهی گفت: چون در گوش خداوند فریاد زده‌اید، می‌گویید: «چه کسی به ما گوشت می‌دهد تا بخوریم؟» زیرا ما در مصر خوب بودیم، پس خداوند به شما گوشت خواهد داد. و خواهی خورد... یک ماه کامل، تا زمانی که از بینی تو بیرون بیاید تا از آن سیر شوی، زیرا خداوند را که در میان شماست رد کرده‌اید و در حضور او گریه کرده‌اید و می‌گویید: چرا از آن بیرون می‌آییم. مصر؟ ... سپس مردم برخاستند... و بلدرچین ها را جمع کردند... و در اطراف اردوگاه پهن کردند و چون گوشت بین دندان هایشان قرار گرفت، قبل از جویدن، خشم خداوند بر مردم افروخته شد و خداوند را زد. مردم مبتلا به طاعون بسیار بزرگ» شماره 33-31، 20، 18:11 مزمور نویس با اشاره به این مناسبت گفت: «ما اشتهای آنها را مهار نکردیم. هنوز غذا در دهانشان بود که غضب خدا بر آنان نازل شد و نیرومندترین آنان را کشت و برگزیدگان اسرائیل را کشت.»

باید. 31، 30:78

عیسی گفت: «بنده‌ای که اراده ارباب خود را دانست و خود را آماده نکرد و مطابق میل او عمل نکرد، به ضربات زیادی مجازات خواهد شد، اما هر که آن را نداند و کارهایی را انجام داد که در خور تازیدن است، مجازات خواهد شد. با ضربات اندک مجازات می‌شود و به هر کس زیاد داده شود، بسیار داده خواهد شد.

از او می‌خواهد و از کسی که بسیار به او سپرده شده، بسیار بیشتر از او خواسته می‌شود.» لوک 48، 12:47 جامعه از کودکی که بهترین آموزش را دریافت کرده، انتظارات بیشتری نسبت به کودکی دارد که هرگز فرصت نداشته است. منصفانه است که از کسانی که تحصیلات بیشتری دریافت کرده اند انتظار بیشتری داشته باشیم. خدا هم همینطور می بیند. عیسی اعلام کرد که بزرگترین متخصصان شریعت در آن زمان -کاتبانی که از کتاب مقدس نسخه برداری کردند -به دلیل نافرمانی خود مجازات بیشتری نسبت به دیگران خواهند داشت: "از کاتبان برحذر باشید که می خواهند با لباس های بلند راه بروند و درود را دوست دارند. بازارها و کرسی‌های ارشد در کنیسه‌ها و سران ضیافت‌ها که خانه‌های بیوه‌زنان را می‌خورند و به بهانه‌ای دعا‌های طولانی می‌کنند.

20:46، 47. این سوابق تاریخ مقدس باید به عنوان درس‌های عملی عینی در خدمت ما باشند. "حالا همه این چیزها به صورت شکل برای آنها آمده است و برای هشدار ما نوشته شده است. ما که آخرالزمان بر آنها آمده است. پس هر که گمان می کند ایستاده است، مراقب باشد که "از مردم" سقوط نکند" (اول قرن‌تین). 12، 10:11 روم. (2:10)

"زیرا همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده اند بدون شریعت نیز هلاک خواهند شد و همه کسانی که تحت شریعت گناه کرده اند به وسیله شریعت داوری خواهند شد. زیرا کسانی که شریعت را می شنوند در حضور خدا عادل نیستند، اما کسانی که شریعت را انجام می دهند، خواهند بود. چون غیریهودیان که شریعت ندارند، به طور طبیعی اعمال شریعت را انجام می دهند، در حالی که شریعت ندارند، برای خود شریعت هستند. وجدان نیز شهادت می‌دهد، و افکارشان، خواه متهم کردنشان یا دفاع از آنها، در روزی که خدا اسرار انسان‌ها را بر اساس انجیل من توسط عیسی مسیح داوری خواهد کرد." روم 2:9-16

قانون ده فرمان معیار عدالت است که خداوند بر اساس آن همه را قضاوت خواهد کرد. "از تمام آنچه شنیده شد، پایان این است: از خدا بترسید و احکام او را نگاه دارید، زیرا این وظیفه هر انسانی است. زیرا خدا هر کاری را که در نهان باشد، چه خوب و چه بد، به داوری خواهد آورد. 14، 12:13 "

طبیعی است که بفهمیم کسانی که قانون را می شناسند بر اساس آن قضاوت می شوند. همانطور که رومیان می‌گویند: «همه کسانی که تحت شریعت گناه کرده‌اند، توسط شریعت داوری خواهند شد.» اما مفهومی را مطرح می‌کند که در نگاه اول چندان منطقی به نظر نمی‌رسد: «کسانی که بدون شریعت گناه کرده‌اند بدون شریعت نیز هلاک خواهند شد. شریعت "چگونه کسی که شریعت را نمی داند می تواند به خاطر تخلف خود بمیرد؟ برای درک این موضوع، فقط باید به یاد داشته باشیم که "گناه" چیست. "گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 3:4 بنابراین، حتی کسانی که قانون را نمی دانند، اگر از آن تخطی کنند مرتکب گناه می شوند، جهل به قانون، خطای شما را به درستی تبدیل نمی کند. بخشی از دامنه آن در کلام ملاکی به تفصیل آمده است: «آیا انسان خدا را غارت خواهد کرد؟ اما شما مرا غارت می کنید و می گویند: در چه چیزی از تو غارت کردیم؟ در عشر و هدایا» مَل. 8. 3: توجه داشته باشید که در خود آیه، اظهار جهل از

گیرندگان پیام می گویند: چه چیزی از تو دزدیده ایم؟ با این حال، خدا هنوز آنها را دزدان «در عشر و هدایا» اعلام می کند.

اما آیا خداوند در مورد قضاوت انسانها به خاطر وظایفی که از آنها چیزی نمی دانستند ظلم خواهد کرد؟ این مورد نیست. این اتفاق می افتد که خدا از طریق روح خود انسان ها را تحت تأثیر قرار می دهد و وجدان آنها را در مورد درست و نادرست لمس می کند و اراده خود را آشکار می کند. به همین دلیل است که حتی کسانی که هرگز فرمان خدا را نخوانده اند، به عنوان مثال تشخیص می دهند که زنا گناه است. کتاب مقدس می گوید که "شریعت حقیقت است" مزمو 119:142 و روح خدا ما را "به تمام حقیقت" هدایت می کند

یوحنا 16:13 بنابراین روح علم احکام را برای همگان به ارمغان می آورد. به این معناست که خداوند در مورد ابراهیم صحبت کرد که "صدای من را اطاعت کرد و فرمان من، احکام من، فرایض و شریعت من را نگاه داشت." پیدایش 26:5 موسی ندید که روی دو لوح سنگی نوشته شده باشد پس چگونه آنها را حفظ کرد و در برابر دستوراتی که خداوند به او داده بود تسلیم شد و به او دست زد.

آگاهی از طریق روح

بنابراین، همه از گناه به نسبتی که روح مسیح آن را بر وجدان خود آشکار کرد، آگاهند، حتی کسانی که هرگز درباره ده فرمان نشنیده اند. در نتیجه، از طرف خدا عادلانه است که هر انسانی را بر اساس میزان دانش قانونی که به او داده است، قضاوت کنیم. این حقیقتی است که با این بیان بیان می شود: «همه کسانی که بدون شریعت گناه کرده اند بدون شریعت نیز هلاک خواهند شد.»

بنابراین نتیجه می گیریم که همه انسانها، خواه حرف ده فرمان را بدانند یا ندانند، به همین ترتیب مورد قضاوت قرار می گیرند - به نسبت درک آنها که روح خدا به آنها داده است. به عبارت دیگر، هر یک در مورد اراده الهی که به آن دسترسی داشته اند، با نور داوری خواهند شد.

برخی از مردم تصور می کنند که لمس روح الهی بر آگاهی «شهود» آنها خواهد بود. شهود تنها زمانی راهنمای امن است که با روح و حروف شریعت خدا موافق باشد. در غیر این صورت این فقط میل خودخواهانه انسان خواهد بود، بدن او که به گناه تمایل دارد. "زیرا ذهن جسمانی دشمنی با خدا است، زیرا تابع شریعت خدا نیست، و در واقع نمی تواند باشد." رومیان 7: 8

برگردیم به اصل موضوع. ما این مفهوم را داریم که هر کس، خواه دانا باشد یا نه، تحت فرمان شریعت است، توسط خود پولس رسول در آیات بعدی بسط داده شده است: «زیرا کسانی که شریعت را می شنوند در حضور خدا عادل نیستند، بلکه کسانی که شریعت را اجرا می کنند، عادل خواهند شد. زیرا وقتی غیریهودیان که شریعت ندارند، طبیعتاً کارهایی را که از شریعت است انجام می دهند، در حالی که شریعت ندارند، برای خود قانون هستند. دل‌هایشان را با هم شهادت می دهند و افکارشان را، خواه متهم کردنشان یا دفاع از آنها، در روزی که خدا اسرار انسانها را بر اساس انجیل من توسط عیسی مسیح داوری خواهد کرد.

در روز قیامت، هر فردی خواهد دانست که کی، کجا و چرا انجام اراده خدا را پذیرفته یا رد کرده است.

با دانستن این موضوع، امروز باید در رابطه با لمس هایی که خداوند به وجدانمان می دهد، بسیار جدی عمل کنیم و تسلیم شدن به اراده او را انتخاب کنیم تا بتواند ما را نجات دهد: «امروز، اگر به صدای او گوش می دهید، دل های خود را سخت نکنید. عبرانیان. 3:15»

«اینک ای که یهودی نامیده می شوید و در شریعت آرام می گیرید و به خدا افتخار می کنید و اراده او را می شناسید و چیزهای عالی را تأیید می کنید و از شریعت تعلیم می گیرید و اطمینان دارید که راهنمای نابینایان هستید. نوری برای آنان که در تاریکی هستند، معلم احماق، معلم کودکان، که در شریعت صورت علم و حقیقت دارد، ای که به دیگران تعلیم می دهی، آیا خود را تعلیم نمی دهی، ای که موعظه می کنی دزدی نکنی آیا شما که می گوئید زنا نباید مرتکب می شوید، زنا می کنید؟»

زیرا چنانکه مکتوب است، نام خدا به سبب شما در میان غیریهودیان کفر گفته می شود. «رام

2:17-24.

یهودیان «اهل شریعت» بودند. خداوند ده فرمان را در کوه سینا به موسی داد. او نازل شد و آنها را به بنی اسرائیل تعلیم داد. از آن زمان آنها حافظ این سند بودند که اراده نازل شده خداوند را ثبت می کرد.

در طول قرن ها، ده قبایل اسرائیل مرتد شدند و به اسارت آشوریان درآمدند و در کشورهای مختلف مهاجر و پراکنده شدند (دوم پادشاهان. (17 قبایل یهودا و بنیامین در سرزمین کنعان ماندند. یهودا قوی ترین و پرتعدادترین قبیله بود که خدا وعده داده بود که برجستگی باقی خواهند ماند. او گفت: «عصا از یهودا و قانون گذار از میان پاهای او دور نخواهد شد تا شیلوه بیاید (شلو به مسیح اشاره می کند)» ژنرال. 49:10. بنابراین، در زمان عهد جدید، با وجود اینکه مردمی از قبایل مختلف در سرزمین کنعان زندگی می کردند، فرزندان اسرائیل به عنوان «یهود» شناخته می شدند. خود پولس رسول، نویسنده نامه به رومیان، «از قبیله بنیامین» بود (فیلیسیان. (3:5 با این حال، او در کتاب رومیان گاهی از اسرائیلیان زمان خود به عنوان «یهود» یاد می کند (مثلاً: روم. (1:3 بنابراین، می فهمیم که اصطلاح «یهودی» در رومیان تنها به فرزندان یهودا اشاره نمی کند. بر اساس خون، اما برای همه کسانی که شریعت خدا را می دانند. و همانطور که پولس این سطور را در زمان عهد جدید نوشت، آشکار است که آنها همه کسانی را که در شریعت در دوره مسیحیت - که تا روزگار ما می رسد - که در شریعت آموزش دیده اند، پوشش می دهند. ، و حتی تا آمدن دوم مسیح پیش می رود.

همه کسانی که قانون را می دانند، حتی امروز، خود را با اصطلاح "یهود" می شناسند.

هر کسی که قانون را می داند می داند که اراده نازل شده خدا برای زندگی آنها چیست.

بنابراین وظیفه روشنی دارند که به تناسب روشنگری که دارند، اطاعت کنند. در رومیان، خداوند هر کسی را که به دلیل دستوری که دریافت کرده، خطای همسایه خود را تشخیص دهد، اما اطاعت کامل را فراهم نکند، به عنوان ناقص معرفی می کند. «تو به خودت نمی آموزی

واقعاً؟... شما که در شریعت ستایش می کنید، با تجاوز به قانون، خدا را بی حرمتی می کنید؟ زیرا چنانکه مکتوب است، نام خدا به سبب شما در میان غیریهودیان کفر گفته می شود.»

در ابدیت خواهیم دانست که چه تعداد از مردم راه خود را به سوی بهشت با شهادت دروغ کسانی که به حقیقت اعتراف می کنند، اما از آن اطاعت نمی کنند، مبهم شده است. رفتار شما دیگران را رسوا می کند.

عیسی می گوید: «ممکن است رسواییها پیش نیایند، اما وای بر کسی که از طریق او بیاید! اگر سنگ آسیابی به گردنش آویخته شود و به دریا بیندازند برای او بهتر است تا اینکه یکی از این کوچولوها زمین بخورد.» لوک 2، 17:1 و او به ما توصیه می کند که مراقب خود باشیم تا رفتارمان با مؤکدترین واژهها باعث آزار دیگران نشود: «پس اگر چشم راستت تو را آزار می دهد، آن را بیرون بیاور و از خود دور کن. زیرا برای تو بهتر است که یکی از اعضایت از بین برود تا اینکه تمام بدنت به جهنم افکنده شود. و اگر دست راستت تو را آزار می دهد، آن را قطع کن و از خود بیفکن، زیرا برای تو بهتر است که یکی از اعضایت هلاک شود تا تمام بدنت به جهنم افکنده شود.» متی 30، 29:5 در غیر این صورت، « به خاطر شما نام خدا در میان غیریهودیان کفر گفته می شود.»

"زیرا ختنه واقعاً سودمند است اگر شریعت را رعایت کنید، اما اگر از شریعت تخطی کنید، ختنه شما تبدیل به ختنه نشدن می شود. بنابراین اگر ختنه نشدن احکام شریعت را رعایت می کند، شاید ختنه نشدن ختنه محسوب نشود؟ و ختنه نشدن، که ذاتاً است، اگر شریعت را انجام دهد، آیا شما را که برحسب حرف و ختنه متخلف شریعت هستید، داوری نخواهد کرد؟ ظاهراً در جسم، اما او یهودی است که در باطن یکی است، و ختنه آن چیزی است که در دل است، در روح، نه در نامه، و ستایش او از جانب مردم نیست، بلکه از خداست." روم 2:25-29

هنگامی که خدا با ابراهیم عهد بست، نشانه ای به او داد تا در جسم انجام شود، که یک خاطره خواهد بود، نمادی از واقعیت روحانی که او نماینده آن بود. "این است عهد من که بین من و خود و فرزندان بعد از خود نگر داری، که هر ذکور از شما ختنه شود." پیدایش 17:10. تکه ای از گوشت ختنه گاه باید قطع شود.

برای انجام این آیین معمولاً از چاقوی سنگی استفاده می شد. در یک مورد "خداوند به یوشع گفت: چاقوهایی از سنگ بساز و بنی اسرائیل را برای بار دوم ختنه کن." 5:2 این سنگ نمایانگر مسیح بود: "و سنگ مسیح بود" اول قرنیتیان 10:4 (افسیان 2:20 نیز ببینید). بنابراین، مراسم بریدن گوشت نشان دهنده وعده خدا برای حذف یا (بریدن) گناه از درون ما، از طریق مسیح بود. او روح القدس را می فرستد تا در قلبهای ما کار کند و خودخواهی را از بین ببرد و عشق و وفاداری را نسبت به او کاشته کند. روح، در برابر جسم، زیرا آنها متضاد یکدیگر هستند. تا کاری را که می خواهید انجام ندهید. اما اگر توسط روح هدایت می شوید، تحت شریعت نیستید. در حال حاضر

کارهای بدن معلوم است و عبارتند از: زنا، ناپاکی، حرص، بت پرستی، جادوگری، دشمنی، نزاع، حسادت، غضب، اختلاف، اختلاف، جناح بندی، حسد، مستی، پرخوری و امثال اینها که به شما اعلام می کنم. همانطور که قبلاً به شما هشدار دادم، کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند، وارث ملکوت خدا نخواهند بود. اما ثمره روح عبارت است از: عشق، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکی، وفاداری، نرمی، خویشتن داری. در برابر چنین چیزی قانونی وجود ندارد. و کسانی که به مسیح عیسی تعلق دارند، جسم را با احساسات و امیالش مصلوب کرده اند.» گال. 2:17-24; 5:6; 4:6 به عبارت دیگر، نتیجه عمل روح در قلب ما این است که ما را مطیع قانون ده فرمان کند. بنابراین "هیچ قانونی" در برابر میوه روح وجود ندارد - کارهایی که در ما انجام می دهد با آن هماهنگ است.

بنابراین، باید توجه داشت که آیین ختنه در بدن توسط خدا داده شد تا نماد ختنه واقعی مسیح در زندگی ما باشد - که توسط روح او انجام می شود. و این حق است، تنها کسی که گناه را از دل ما می برد و ما را در اطاعت خدا زندگی می کند. از این رو می فهمیم که اطاعت نتیجه عمل روح او در ماست. این کاری است که مسیح انجام می دهد. سهم ما در این کار این است که به مسیح ایمان داشته باشیم و به او اجازه دهیم کار را انجام دهد.

در ایالات متحده

ختنه واقعی کار مسیح است تا ما را از طریق روح خود مطیع قانون او کند. پولس گفت: "زیرا ما ختنه هستیم که در روح خدا را خدمت می کنیم." فیل.

3:3 روح او همان «چاقویی» است که تمایلات شیطانی ما را قطع می کند. اگر کسی در بدن ختنه می شد اما قلب خود را سخت می کرد و اجازه نمی داد روحش او را دگرگون کند، ختنه او در بدن بی ارزش خواهد بود. زیرا او با خدا دشمنی می کند و از احکام او تخطی می کند. از سوی دیگر، هر کس، اگرچه در جسم ختنه نشده است، اما حساس است و به مسیح اجازه می دهد تا قلب خود را از طریق روح تغییر دهد، واقعاً ختنه خواهد شد.

ختنه واقعی روحانی است، نامرئی، همانطور که در قلب ما رخ می دهد. نه در گوشت. تشریفات جسمانی فقط یک مناسک بیرونی بود تا به مردم بفهماند کاری که مسیح در زندگی خود در پاسخ به ایمانشان انجام می دهد. در نتیجه، داشتن ختنه در بدن هیچ تضمینی برای داشتن ختنه روحانی واقعی نداشت. و این همان چیزی است که پولس اعلام می کند: "زیرا ختنه واقعاً سودمند است، اگر شریعت را رعایت کنید" (رومیان 2:25) زیرا با نگاه کردن به بدن خود، عملی را که در قلبش می گذرد، درک خواهد کرد.

(2:25) هر کس از شریعت پیروی نکند در خود دلیلی دارد که به مسیح اجازه نداده است که کار را در قلب خود انجام دهد. او دارای ختنه واقعی نیست، این مسیح است که به وسیله روح خود ما را به اطاعت او می دارد. کارهای ما به اندازه‌های دور است که کارد سنگی که برای ختنه کردن گوشت استفاده می‌شود، از حذف شری که در درون انسان وجود دارد دور است. تمام تلاش‌های ما - چه جسمی و چه روحی - هیچ کمکی به این کار نمی کند. همه اینها توسط عامل آسمانی انجام می شود. سهم ما این است که این را باور کنیم

مسیح این کار را انجام خواهد داد که ما را مطیع کند. هنگامی که بنی اسرائیل پرسیدند: «برای انجام کارهای خدا چه کنیم؟» عیسی در پاسخ به آنها گفت: «این کار خداست که به او که او (مسیح) فرستاده است ایمان بیاورید.» یوحنا 29، 28:6 سؤال «چگونه احکام خدا را اطاعت کنیم؟» پاسخ زیر را می‌یابد: مسیح شما را اطاعت خواهد کرد. زیرا تو هستی که در تمام اعمال ما در ما انجام دادی.» اشعاش 26:12 بنابر این، «به خداوند عیسی ایمان بیاور و نجات خواهی یافت»

گناهان (اعمال رسولان). (16:31) او شما را به راه عدالت و خواهد داشت!

با بازگشت به موضوع رومیان فصل 2، بقیه سخنان پولس به ما نشان می‌دهد که شواهد نشان می‌دهد که کسی ختنه واقعی شده است، اطاعت او از خدا است.

صرف نظر از سطح دانش شما از قانون نوشته شده در ده فرمان. هر کسی که به مسیح ایمان دارد مطیع خواهد شد، زیرا «مسیح عیسی... وفادار می‌ماند. او نمی‌تواند خود را انکار کند.» 2 تیم. 13:2 هر کس به لمس روح مسیح بر وجدان خود حساس باشد، اگرچه هنوز قانون مکتوب ده فرمان را نشناخته است، به تدریج توسط او به اطاعت از اصول آن هدایت خواهد شد. از اینجا فهمیده می‌شود که «پس اگر ختنه نشده‌ها (کسانی که در بدن ختنه نشده‌اند) احکام شریعت را رعایت کنند، آیا نامختنه ختنه محسوب نمی‌شود (آیا آنها را اطاعت می‌کنند)؟ و ختنه‌انده‌ای که ذاتاً است (انسان تبدیل‌شده اما در جسم ختنه نشده)، اگر شریعت را برآورده کند، شما را که به حرف و ختنه‌انده‌ی شریعت متخلف هستید، داوری نخواهد کرد؟» رام. 27، 26:2

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که در پایان تضاد بین گناه و عدالت، مقدسین شیرین را داوری خواهند کرد: "و تخت‌ها را دیدم و بر آنها نشستند و قدرت قضاوت به آنها داده شد و جان آنها را دیدم که آنها برای شهادت عیسی و برای کلام خدا سر بریده شدند و وحش و تصویر او را نپرستیدند و نشان او را بر پیشانی و دستهای خود نگرفتند و زندگی کردند و با مسیح سلطنت کردند. هزار سال.» و «هر زبانی را که بر ضد تو قیام کند، محکوم خواهی کرد. خداوند می‌گوید: این میراث بندگان خداوند است و عدالت آنها از من است.» (مکاشفه 4:20 اشعایی. 17:54)

در پایان بحث فصل، پولس این حقیقت را بررسی می‌کند که یهودیان به عنوان ختنه شناخته می‌شدند تا درس مهمی در مورد اینکه چگونه خدا به انسان‌ها نگاه می‌کند، بیاموزند. از آنجایی که ختنه واقعی روح است، درست است که درک کنیم که او واقعاً یهودی است، به معنای روحانی، که به مسیح اجازه داد او را با روح خود هدایت کند. و این صرف نظر از این است که آیا او در بدن ختنه شده است یا خیر. پولس این را اینگونه بیان می‌کند: "زیرا او یهودی نیست که ظاهراً یکی است، و نه ختنه کسی است که ظاهراً در بدن یکی است. بلکه یهودی است که در باطن یکی است و ختنه کسی است که از ظاهر یکی است. دل، در روح، نه در نامه، که ستایش آن از جانب انسان نیست، بلکه از خداست." رومیان 29، 28:2 آمین!

رومیان 3

"پس مزیت یهود چیست؟ یا ختنه کردن چه فایده ای دارد؟ از هر جهت، زیرا اولاً کلمات خدا به او سپرده شده بود" رومیان 2، 1: 3

بنی اسرائیل این امتیاز را داشتند که توسط خدا به عنوان مخزن مکاشفه اراده او برای مردم انتخاب شوند. انجیل به زبان آنها موجود بود و خداوند وسایلی را فراهم کرد تا معنای کلمات خود را بفهمند و به مردم آموزش دهند. او یک قبیله کامل را برای خدمت به این منظور منصوب کرد - لاوی. خداوند این ندای را «عهد لاوی» می نامد، مَل. 8: 2 از این قبیله، در میان فرزندان هارون، برادر موسی، کاهنان آمدند، خداوند در مورد آنها گفت: «زیرا لب‌های کاهن باید معرفت را حفظ کند. و مردم باید شریعت را از دهان او بخواهند، زیرا او فرستاده خداوند صباپوت است.» مَل. 2: 7 بنابراین، بنی اسرائیل گزارش و مکاشفه اراده الهی را در اختیار داشتند. از این نظر، آنها از همه مردم ممتازتر بودند.

اگر آنها علاقه مند به یادگیری بودند و سخنان خدا را با ایمان می پذیرفتند، بنی اسرائیل برکتی برای جهانیان بود. آنها مردمی شاد، نمونه‌ای زنده از برکات دریافتی از طریق اطاعت از خدا، و نیز تبیین‌کنندگان انجیل و شریعت الهی برای هر قوم، قبیله، زبان و قوم خواهند بود. این سخنان در مورد او برآورده می شود: "و این واقع خواهد شد، اگر به صدای بیهوه خدایت توجه کنی و مراقب تمام اوامر او که امروز به تو امر می کنم نگاه داری، بیهوه خدایت تو را بلند خواهد کرد. بالاتر از همه اقوام زمین و همه این برکات بر تو نازل خواهد شد و تو را فرا خواهد گرفت، چون صدای بیهوه خدای خود را بشنوی: در شهر مبارک و در صحرا پر برکت خواهی بود. خداوند، دشمنان شما را که بر ضد شما قیام می‌کنند، تسلیم خواهد کرد، آنها را از یک طرف بر ضد شما بیرون خواهد آورد، اما از هفت راه از حضور شما خواهند گریخت. خداوند فرمان خواهد داد که برکت در شما با شما باشد. انبارها و در هر آنچه که دست خود را بر آن می گذارید، و او شما را در زمینی که خداوند، خدایتان به شما می دهد، برکت خواهد داد. اوامر بیهوه خدایت و در راههای او گام بردار و تمامی قومهای زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده می شود و از تو خواهند ترسید... و خداوند تو را سر قرار خواهد داد. و نه دم، و اگر فرامین بیهوه خدای خود را که امروز به شما امر می کنم اطاعت کنید، بالا خواهید بود و نه پایین تر. « تثئیه. 13-1: 28 آنگاه «ساکنان یک شهر به شهر دیگر خواهند رفت و خواهند گفت: بیایید به سرعت از خداوند التماس کنیم و خداوند صباپوت را بجوییم، من نیز خواهیم رفت.

بسیاری از قوم ها و قوم های قدرتمند به اورشلیم خواهند آمد تا خداوند صباپوت را بجویند و لطف خداوند را طلب کنند. خداوند صباپوت چنین می گوید: در آن روز ده مرد از تمام زبانهای قومها چنگ می زنند و لبه جامه‌ی یهود را می گیرند و می گویند: «ما با تو خواهیم رفت. زیرا شنیده ایم که خدا با شماست.» زک. 8: 21-23 در آن زمان

اورشلیم را تاج و تخت خداوند خواهند خواند و جمیع امتها به نام خداوند در اورشلیم نزد آن جمع خواهند شد. و دیگر بر اساس هدف دل پلید خود گام نخواهند برد. 3:17 همه این وعده ها می توانست محقق شود، اما به دلیل بی ایمانی و سخت گیری بنی اسرائیل باستان محقق نشد.

"برای چه؟ اگر برخی کافر بودند، آیا بی ایمانی آنها وفاداری خدا را از بین می برد؟ به هیچ وجه، بگذارید خدا همیشه راست باشد و هر کس دروغگو باشد، همانطور که مکتوب است تا در کلام خود عادل شوید و پیروز شوید. هنگامی که شما قضاوت می شوید " روم. 4، 3: 3

متأسفانه، یهودیان مسیحی را که در کتب مقدس به آنها سپرده شده بود رد کردند - کسی که همه برکات الهی از طریق او به آنها اعطا می شد: "پسر خدا، عیسی مسیح... زیرا همه وعده های خدا در او است. بله، و از طریق او آمین" 2قرنتی. 20، 19: آنها «خداوند جلال» را مصلوب کردند (اول قرنیتیان، 8: 2اعمال رسولان. (36: 2اسرائیلیان فقط از طریق مسیح می توانستند از احکامی که به آنها سپرده شده بود اطاعت کنند. عیسی گفت: "بدون من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید" یوحنا. 5:15 آنها با طرد او از قدرت الهی محروم شدند و راه معصیت را در پیش گرفتند. سخنانی که قبلاً در زمان عهد عتیق به کاهنان گفته شده بود، پس از رستاخیز مسیح نیز صادق بود: "شما از راه منحرف شدید، بسیاری را از شریعت لغزان کردید، عهد لاوی را تباه کردید. خداوند صباوت می گوید." مَل. 2:8 و در مورد قوم نیز خدا گفت: «از روزگار پدرانان از فرایض من روی گردانیده اید و آنها را نگاه نداشته اید.» مَل. 3:7 به همین دلیل، وعده های او به ملت اسرائیل عملی نشد.

اما خدا همچنان مردمی وفادار بر روی زمین خواهد داشت، و وعده های برکات او به مطیعان در تجربه کلیسای واقعی او محقق خواهد شد. «مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای او تسلیم کرد، تا او را تقدیس کند، او را با شستشوی آب، با کلام پاک کرد، تا کلیسای باشکوه، بدون لک و چین و چروک یا چیزهایی از این قبیل، اما مقدس و مقدس به او تقدیم کند. بی عیب» افس. (10:19، 17: او معتقد است که مؤمن از ابتدای تجربه خود در اطاعت کامل از احکام گام برمی دارد، زیرا «این خداست که در شما کار می کند تا هم بخواهید و هم مطابق رضای او عمل کنید». 13:2بنابراین، هر یک از اعضای واقعی آن «انسان جدیدی» است که «بر اساس خدا» تبدیل شده است. در عدالت و قدوسیت واقعی آفریده شده است» افس. 4:24.

مسیح از طریق این مکاشفه انجیل اعضای کلیسای خود را رهبری خواهد کرد
اخطار نهایی فرشته چهارم، اگر وفادار بمانید، به اطاعت و قدوسیت وفادار بمانید و برکاتی را که برای قرن ها وعده داده شده به شما عطا کنید: "در آن زمان اورشلیم را تخت پادشاهی خواهند خواند.

خداوند، و تمامی امتها به نام خداوند در اورشلیم نزد او جمع خواهند شد. و دیگر هرگز

بر اساس هدف دل پلید خود گام خواهند برد . 3:17 «و این انجیل ملکوت در تمام جهان موعظه خواهد شد تا برای جمیع امت‌ها شاهی باشد»،
«برای اطاعت ایمان در میان تمامی امت‌ها» (متی ، 24:14 رومیان ، 1:5)

ما همین الان دیدیم که خدا هرکسی را که خود را تسلیم تأثیر روح مسیح می کند یهودی می داند. بنابراین، کلمات زیر، که در زندگی یهودیان برحسب جسم قابل تحقق نبود، زیرا آنها مسیح را رد کردند، در زندگی مؤمنان تحقق خواهد یافت: "در آن روز ده مرد را از تمام زبانها خواهند گرفت. از امت‌ها، پاچه‌های جامه یهودی را خواهند گرفت و خواهند گفت: ما با تو خواهیم رفت، زیرا شنیده‌ایم که خدا با توست." زک، 8:21-23.

این سخنان تبدیل شدن مردم از همه مردمان را از طریق موعظه انجیل واقعی مسیح در آخرین روزهای تاریخ زمین پیش بینی می کند. بنابراین، سخنان رومیان درست نشان داده می شود: "برای چه؟ اگر برخی کافر بودند، بی ایمانی آنها مردم را نابود می کند.

وفاداری به خدا؟ به هیچ وجه؛ بگذار خدا همیشه راست باشد و هر مردی دروغگو باشد.» وفاداری خدا به همین شکل باقی می ماند. او وعده های خود را در زندگی کسانی که برای خدمت به او انتخاب می کنند، عمل خواهد کرد.

هنگام تجزیه و تحلیل رفتار خدا با کافران یهودی و مؤمنان در تمام اعصار، به این نتیجه می رسیم که از طرف او عادلانه است که به هر یک از آنها سرنوشتی که انتخاب می کند بدهد. ارزیابی سیر خدا که ما در ذهن خود انجام می دهیم توسط پولس ذکر شده است که می گوید:
"همانطور که مکتوب است: تا در سخنان خود عادل شمرده شوید و هنگامی که مورد قضاوت قرار بگیرید پیروز شوید."

منظور آنها این است که پس از در نظر گرفتن روشی که خداوند حوادث را رهبری کرد، در هر کاری که انجام داد به او دلیل خواهیم داد.

«و اگر ظلم ما موجب انصاف خدا باشد، چه بگوییم؟ آیا خدا ستمگر است که بر ما غضب می‌کند؟ (من مردی صحبت می‌کنم).

خدای دنیا؟ اما اگر از طریق دروغ من حقیقت خدا برای جلال او بیشتر شد، چرا هنوز به عنوان یک گناهکار قضاوت می شوم؟ و چرا نمی گوییم (چنان که به ما کفر می گویند و بعضی می گویند ما می گوییم) بدی کنیم تا خیر بیاید؟ محکومیت اینها عادلانه است» روم. 3:5-8

راه خدا این است که در مورد کسانی که از ظلم رنج می برند، عدالت را رعایت کند. همانطور که مزمورنویس گفت: "خدایا به من انصاف بده و در برابر قوم ستمکار دعوا کن. مرا از دست مرد فریبکار و ظالم رها کن" مزمور 143:1 اگر به کسی ظلم کردیم و آن شخص فریاد زد. به خدا، از او عدالت خواست، و خداوند پاسخ داد و بر ما حکم فرستاد، در این صورت می‌توان گفت که «ظلم ما» عامل عدل خداست. این همان چیزی است که پولس توضیح داد.

اما این امر مجالی را برای مرتکب ظلم نمی‌گذارد که با این بهانه که رفتار نادرست او موجب وجود خدا و اجرای عدالت می‌شود، خود را توجیه کند. این که خداوند برای اصلاح بدی عمل می‌کند، عامل آن را معذور نمی‌کند. او می‌گوید: "نفسی که گناه کند، می‌میرد ... شرارت شریر بر او خواهد افتاد" حز. 20، 18:4 و ارمیا نبی اعلام کرد: «ای خداوند، خدا... چشمانت به تمام راه‌های بنی انسان باز است تا به هر کس برحسب راه و برحسب ثمره اعمالش بدهی.» . 19-32:17 عدالت ایجاب می‌کند که هر فردی متناسب با کارهای خود دریافت کند.

در آخرالزمان، خداوند شرارت ساکنان زمین را با هفت بلای وحشتناک مجازات خواهد کرد: «و صدای بلندی از معبد شنیدم که به هفت فرشته می‌گفت: بروید و آن هفت نفر را بر زمین بریزید. کاسه های خشم خدا» مکاشفه 16:1 با توجه به اینکه بشریت با گذشت زمان خود را عمیق تر و عمیق تر در اعمال شر غرق کرده است، می‌توان پیش بینی کرد که وقتی این اتفاق بیفتد، به عنوان یک عمل عدالت واقعی تلقی خواهد شد. از طرف خدا، زیرا "مردان شرور و فریبکار از بدی به بدتر خواهند رفت" 2 تیم. 3:13. رومیان، او در «قضاوت جهان»، «غضب خود» را بر کسانی که در میان ما توبه نمی‌کنند، سرکش و شرور هستند، عادل خواهد بود.

در متن رومیان، پولس واقعیت روزهای آخر را از منظر شریران بررسی می‌کند. دروغ می‌گوید و بد می‌کند. و هرچه منحرف تر باشد، قدوسیت همسایه عادل خود و احکام کتاب مقدس را که از آنها اطاعت می‌کند بیشتر برجسته می‌کند. بدیهی است که ستمکار متوجه تضاد می‌شود و وجدانش را لمس می‌کند که در مورد صالحان می‌اندیشد. در این شرایط اگر وسوسه می‌شد که می‌توانست با انجام بدی، با تقویت عدالت و در نتیجه با تدبیر خدا همکاری کند، پاسخ می‌گرفت که چنین نیست. بلکه عادلانه است که او به خاطر شرارتش محکوم شود. از این درک، معنای کلمات باید واضح به نظر برسد: "اما اگر به واسطه دروغ من، حقیقت خدا برای جلال او بیشتر شد، چرا من همچنان گناهکار قضاوت می‌شوم؟ و چرا نمی‌گوییم: بدی کنیم، پس که کالا می‌آید؟ محکومیت آنها عادلانه است.»

عبارات بالا همچنین در مواردی که از کمک به کسی غفلت می‌کنیم یا نیاز او را در حد توان خودمان برآورده می‌کنیم و به وضوح آن را وظیفه خود می‌دانیم، تحقق می‌یابد. زمان می‌گذرد و خداوند با ابزار دیگری عمل می‌کند و رهایی می‌آورد. بنابراین ما وسوسه می‌شویم که فکر کنیم، چون عمل خدا در رهایی آشکار بود، غفلت ما به برنامه خدا کمک کرد و به او فرصت عمل داد. این روشی است برای گفتن "بیایید بد کنیم تا خیر بیاید". آسیب رساندن، به معنای کتاب مقدس، صرفاً شامل اقدام هدفمند برای آسیب رساندن به خدا یا دیگران نیست. «کسی که نیکی را بلد باشد و آن را انجام ندهد، مرتکب گناه شده است.»

عه. 17:14 اگر غفلت ما باعث شود که خدا خودش را به گونه‌ای دیگر رهایی بخشد، نمی‌توانیم آن را فضیلت بدانیم. این نیست. برای کسانی که چنین فکر می‌کنند، کلمات زیر معتبر است: "محکومیت آنها منصفانه است".

همه واعظان انجیل توسط شریران توهین شده اند. طبق فرهنگ لغت، کفرگویی اصطلاحی است که تمام اعمالی را که باعث توهین یا توهین به شخصی شایسته احترام می شود، تعریف می کند. شما می توانید با نسبت دادن عملی به شخصی که انجام نداده است، یا با گذاشتن برچسبی که با رفتار یا شخصیت او مطابقت ندارد، توهین کنید. پولس و برادران ایمانی او که واعظان انجیل بودند، کفر گفته شدند. گفت: به ما کفر می خورد و به قول برخی می گوئیم بد کنیم تا خیر بیاید. دشمنان آنها اعلام کردند که یاد دادند که سهل انگاری و شرارت را فضیلت بدانند. حقیقت چیز دیگری بود. آنها انجیل ملکوت را موعظه کردند تا مردم را به «عدالت و قدوسیت واقعی» هدایت کنند: «در او به شما تعلیم داده شد، همانطور که حقیقت در عیسی است، که در مورد گفتگوی گذشته، پیرمرد را که از طریق فاسد شده است، کنار گذاشتید. شهوات فریبکارانه و در روح ذهن خود تجدید شوید و انسان جدیدی را بیوشید که به گفته خدا در عدالت واقعی آفریده شده است و

تقدس» اف. 4:21-24.

شیطان - که نامش به معنی دشمن است - چون نمی تواند با انجیل واقعی خدا مخالفت کند، از راهبرد استفاده از عوامل انسانی برای بدنام کردن رسولانش استفاده کرد. او امیدوار بود که چنان تعصبی ایجاد کند که مردم نخواهند به او گوش دهند. "خدای این عصر ذهن کافران را کور کرده است تا نور انجیل جلال مسیح به آنها نتابد." 2 قرنتی 4: 4 با این حال، کتاب مقدس نشان می دهد که او در این امر ناامید خواهد شد. تمام نقشه های او، زیرا "این انجیل ملکوت در سراسر جهان موعظه خواهد شد تا شاهدهی برای همه امت ها" متی 24:14 سپس «زمین از معرفت خداوند پر خواهد شد، چنانکه آبها دریا را می پوشانند» اشعیا 11:9

"پس چه؟ آیا ما عالی تر هستیم؟ اصلاً، زیرا قبلاً نشان داده ایم که یهودیان و یونانیان همگی تحت گناه هستند؛ همانطور که نوشته شده است، هیچ عادل نیست، حتی یک نفر. هیچ کس نیست که بفهمد، نه هیچ کس خدا را طلب نمی کند همه گمراه شده اند و با هم بی فایده شده اند هیچ کس نیکوکار نیست یکی نیست گلویشان قبر باز است با زبانشان نیرنگ می کنند زهر. خارهای زیر لبهایشان است که دهانشان پر از لعن و تلخی است پاهایشان خون می ریزد در راهشان تباهی و بدبختی است و راه آرامش را نمی شناسند و هیچ ترسی از خدا پیش از این نیست. چشمان آنها» روم. 9-18: 3

یوحنا نوشت: "فرزندان، کسی شما را فریب ندهد. کسی که عدالت را انجام می دهد عادل است." اول یوحنا 7: 3 و عمل به عدالت، اطاعت از ده فرمان خداست، زیرا «همه احکام او عدالت است» مزمور 119:172 به جز مسیح، هیچ انسانی بدون ارتکاب گناه زندگی نکرده است. پولس این را بیان می کند: «بنابراین، همانطور که به وسیله یک انسان، گناه به جهان وارد شد، و به وسیله گناه مرگ، و مرگ به همه مردم سرایت کرد، بنابراین همه گناه کردند» روم. 5:12 از آنجایی که آدم گناه کرد، ذات آدم به بدی گرایش داشت و او در خود بی اختیار بود.

در برابر آن مقاومت کنید او این میراث را به همه فرزندان خود منتقل کرد. بدون مسیح، ما خود را در وضعیتی می یابیم که در زیر توضیح داده شده است: "من جسمانی هستم، فروخته شده در زیر گناه... ذهن جسمانی دشمنی با خدا است، زیرا نه تابع قانون خداست و نه می تواند باشد. بنابراین، کسانی که در جسم هستند نمی توانند خدا را خشنود سازند." رومیان 8:7، 8:14

عادل نبودن ذاتاً شرط همه فرزندان آدم - همه بشریت است. صرف نظر از ملیت - و حتی امتیازات مذهبی که ممکن است داشته باشند - همه طبیعت یکسان دارند. این حقیقت توسط پولس در کلماتی که به رومیان نوشته شده است، کشف شده است. آنها همه را توصیف می کنند - یهودیان و غیریهودیان، آگاه و ناآگاه از کتاب مقدس، در آن زمان و امروز: "پس چی؟ آیا ما عالی تر هستیم؟ اصلاً، زیرا قبلاً نشان داده ایم که یهودیان و یونانیان همگی در معرض گناه هستند. نوشته شده است: هیچ عادل نیست، حتی یک، هیچ کس نیست که بفهمد، کسی نیست که خدا را طلب کند، همه گمراه شده اند و با هم بی ارزش شده اند، هیچ کس نیست که کار نیک انجام دهد. هیچ کس نیست گلویشان قبر باز است با زبانشان نیرنگ می کنند زهر خار زیر لبانشان دهانشان پر از نفرین و تلخی است پاهایشان زود خون می ریزند در راهشان آنجا ویرانی و بدبختی هستند و راه صلح را ندانسته اند. هیچ ترسی از خدا در مقابل چشمان آنها نیست." "ده فرمان قلب انسان را تغییر نمی دهد فقط «قدرت خدا» می تواند باعث تغییر و در نتیجه نجات از گناه شود (روم. 1:16)

«اکنون می دانیم که شریعت هر چه می گوید، به کسانی که تحت شریعت هستند می گوید، تا هر دهانی بسته شود و تمام جهان در حضور خدا محکوم شود. بنابراین هیچ جسمی در حضور او با اعمال شریعت عادل نخواهد شد. شریعت، زیرا به وسیله شریعت، معرفت گناه حاصل می شود.» رومیان 20، 3:19

در سخنان بالا، پولس واقعیت را اعلام می کند: احکام خدا نشان می دهد که چه رفتاری او را خشنود می کند. و ما را به این نتیجه می رسانند که زندگی بر اساس این استاندارد فراتر از توان ماست. بنابراین، نامه قانون در خدمت این است که ما را متقاعد کند که گناهکار هستیم و محکومیت ما به دلیل نافرمانی عادلانه است. "گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 3:4 و «مزد گناه مرگ است» روم. 6:23

انسان قبل از شناخت قانون از اشتباهات خود شهود دارد. اما وقتی ده فرمان را بدانید وجدان شما به وضوح بیدار می شود. در اینکه وظیفه او چیست و از سوی او انجام نمی شود، شکی نیست. "از طریق شریعت شناخت گناه حاصل می شود." بنابراین «هر چه شریعت می گوید به مشمولان می گوید» یعنی به رعایای حکومت خدا - که از همه مخلوقات او از جمله انسان ها تشکیل می شود - می گوید: «تا هر دهانی بسته شود و تمام دنیا. در پیشگاه خداوند محکوم است.»

فقط کسانی که احساس بیماری می کنند نیاز به مراجعه به پزشک را احساس می کنند. در زندگی معنوی نیز چنین است. انسان باید خود را گناهکار بداند که نیاز واقعی به منجی احساس کند - احساس «گرسنگی و تشنگی برای عدالت»، برای عدالتی که ندارد (متی 6: 5: نامه او از رومیان 18: 1 تا 20: 3 برای ارائه تشخیص این بیماری که همه ما به آن مبتلا شده ایم، به طور خلاصه در این آیات او توضیح می دهد که همه انسانها در شرایط طبیعی خود، بدون مسیح، شرارت می کنند. واقعیت حتی در مورد کسانی که ده فرمان را می دانند، زیرا علم نه ماهیت انسان را تغییر می دهد و نه به او قدرتی می دهد که بر گرایش به بدی غلبه کند، بنابراین در مواجهه با علم به اراده نازل شده خداوند، خواه با اعمال طبیعت باشد. یا طبق نامه ده فرمان، همه خود را به خاطر گناهانشان محکوم به مرگ می بینند.

پولس پس از اینکه همه افراد را بیمار معرفی کرد و آنها را در این مورد متقاعد کرد، خود را معرفی می کند
شفای آنها:

«اما اکنون عدالت خدا جدا از شریعت با شهادت شریعت و انبیا آشکار شده است، یعنی عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح برای همه و بر همه ایمانداران، زیرا هیچ تفاوتی نیست. زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاهی کرده اند.» رومیان 23-21: 3

پولس می گوید که عدالت خدا «بدون شریعت» آشکار شد. این اصطلاح از آیات قبل فهمیده می شود. او از ابتدای فصل 3 بر وضعیت یهودیان، بنی اسرائیل که به عنوان قوم شریعت شناخته می شوند، تمرکز می کند. با مرور آیه 19، او استدلال می کند که آنها طبیعتاً نمی توانند به معیار پیشنهادی خدا برسند، زیرا آگاهی از شریعت ماهیت آنها را تغییر نمی دهد. آنها را از مشرکانی که چیزی نمی دانند قوی تر نمی کند. بدون کمک الهی، استفاده ای که قانون برای آنها دارد، فقط برای این است که به وضوح نشان دهد که چقدر متخلف هستند. از طریق آن می بینند که گذشته آنها فهرستی از تخلفات را ارائه می دهد که نمی توان آنها را تغییر داد، و حتی در حال حاضر نیز به نافرمانی ادامه می دهند.

برای اینکه انسان بتواند به عدالت خدا عمل کند، لازم است چیزی فراتر از حرف قانون دریافت کند. این یک عمل از جانب خدا خواهد بود. در اینجا است که روایت آیه 21 آغاز می شود: «اما انصاف الله بدون شریعت و شهادت شریعت و انبیا نازل شده است.» چیزی فراتر از حرف شریعت با این سخنان اعلام می شود. پولس آمدن مسیح، پسر خدا را به زمین اعلام می کند.

در آن زمان، کتاب مقدس موجود، کتابهای عهد عتیق بود. و آنها را مجموعه «شریعت و انبیا» نامیدند. عیسی هنگامی که گفت که نیامده است تا آنها را تغییر دهد، گفت: "فکر نکنید که آمده ام تا شریعت یا انبیا را از بین ببرم، نیامده ام تا لغو کنم، بلکه برای تحقق" متی 5: 17. کتاب مقدس را جستجو کنید، زیرا فکر می کنید در آنها زندگی جاودانی هستید و آنها کسانی هستند که درباره من شهادت می دهند" یوحنا 5: 39. شریعت و انبیا" هم همینطور باشد

کتاب مقدس - شهادت مسیح. «عدالت خدا» که شریعت و انبیا به آن شهادت می دهند و در رومیان ذکر شده مسیح است. از آنجایی که انسان نمی توانست صرفاً از طریق دانش شریعت ، از آن اطاعت کند، خدا نجات دهنده، مسیح عیسی را فرستاد. او عدالت ماست. پولس می گوید که همه می توانند عدالت خدا را با ایمان به مسیح از طریق این کلمات دریافت کنند: «عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح برای همه و همه کسانی که ایمان دارند، زیرا هیچ تفاوتی وجود ندارد.

زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاهی کرده اند.»

عادلان به فیض او عادل شمرده می شود، از طریق فدیة ای که در مسیح عیسی است. او را که خدا به واسطه ایمان به خون خود برای کفاره قرار داد تا عدالت خود را با آمرزش گناهان گذشته در شکیبایی خدا نشان دهد. تا عدالت خود را در زمان حاضر نشان دهد تا او عادل و عادل باشد کسی که به عیسی ایمان دارد.» روم -3:24

26.

در اینجا به اثری اشاره می شود که در آن مشارکت فعالی نداریم. حال همه مردم این بود: نافرمان، فاسق. سپس خدا ابتکار عمل را به دست گرفت تا همه را نجات دهد. "خدا در مسیح جهان را با خود آشتی داد، نه اینکه گناهان آنها را به آنها نسبت داد ... او کسی را که هیچ گناهی نمی دانست برای ما گناه کرد تا در او عدالت خدا شویم "دوم قرنیتان . 21، 20:5 مسیح "گناهان ما را بر روی درخت (صلیب) در بدن خود حمل کرد" 1پت. 2:24 پس بخشیده شدیم.

تمام گناهانی که انسانها در تمام اعصار مرتکب شدند توسط مسیح بر روی صلیب پرداخت شد. و همه کسانی که به بخشش مجانی داده شده در مسیح عیسی ایمان دارند، مالکیت این واقعیت را می گیرند. «مزد گناه مرگ است، اما هدیه خدا حیات جاودانی در مسیح عیسی است» روم. 6:23 این فیض یا لطف بی ارزش خداست - جان دادن پسرش، هم بر روی صلیب و هم پس از رستاخیز او، توسط روح القدس. تا بتوانیم از محکومیت مرگ رهایی یافته و از طریق او زندگی کنیم. تا ابد در اطاعت . . در این مورد بیشتر توضیح داده خواهد شد

رو به جلو.

"خدا پیشنهاد کرد" این عبارت نشان می دهد که ابتکار عمل از آن او بوده است. از آنجایی که در میان همه انسانها «هیچکس نیست که خدا را به ابتکار خود جستجو کند»، او نزد ما آمد تا نجاتی را که طراحی و آفریده است پیشنهاد کند (رومیان . 3:11) این رستگاری شامل «کفایت از طریق ایمان به خون او» یعنی خون مسیح است. کتاب مقدس تعلیم می دهد که "حیات بدن در خون است" (لاویان . 17:11)

بنابراین، هر کسی که معتقد است مسیح جان خود را به عنوان پرداخت گناهان خود داد، به خون او ایمان دارد . خدا ما را در مسیح بخشیده است (افس. . 4:32) با ایمان به فداکاری، نعمت بخشش را می گیریم.

این بخشش از طریق کاری که مسیح انجام داده است، به نام «کفایت» تضمین می شود. در کتاب خروج، در تجربه قوم اسرائیل توضیح داده شده است، وقتی موسی به کوه سینا رفت، چهل روز در آنجا ماند. دریافت دستورالعمل های ویژه به

با مردم ارتباط برقرار کند. در همین حال، مردم در دامنه کوه، با توجه به اینکه شاید با تأخیر او برنگردد، هارون را به ساختن بتی -گوساله طلایی -وادار کردند و شروع به پرستش او کردند. «آنگاه خداوند به موسی گفت: برو پایین، زیرا قوم تو را که از مصر بیرون آورده‌ای فاسد شده‌اند و به سرعت از راهی که به ایشان دستور داده‌ام منحرف شده‌اند و خود را گوساله گذاشته ساخته‌اند. و در برابر او تعظیم کردند و قربانی کردند و گفتند: این خدای تو است، ای اسرائیل، که تو را از سرزمین مصر بیرون آورد... و چنین شد که موسی به اردوگاه آمد و گوساله و رقص را دید که آن را روشن کرد، غضبش در آمد و الواح را از دستش انداخت و در پای کوه شکست... و روز بعد موسی گفت: ای قوم، شما گناه بزرگی مرتکب شده اید، اما اکنون من نزد خداوند خواهم رفت، شاید کفاره گناه شما را بپردازم، پس موسی به خداوند بازگشت و گفت: اکنون این قوم گناه بزرگی مرتکب شده است. پس خود را خدایان طلا ببخش، پس گناهشان را ببخش، اگر نه، مرا از کتابی که نوشته ای محو کن» خروج. 32-30، 19، 8، 7:32

متذکر می شود که کفاره ای که موسی انجام داد شامل شفاعت او برای موسی بود مردم در حضور خداوند، از او می خواهند که گناهان آنها را ببخشد. در طرح بزرگ رستگاری، «یک واسطه بین خدا و انسانها وجود دارد، عیسی مسیح» تیم. 2:5. او شفاعت می‌کند و از خداوند می‌خواهد که آمرزش قطعی گناهان ما را بر اساس بخشیدن جان خود - خونش -به عنوان پرداخت بدهی ما عطا کند. و خدا همیشه از طرف ما به درخواستهای مسیح پاسخ می‌دهد، همانطور که خودش گفت: "و هر چه به نام من بخواهید، انجام خواهم داد تا پدر در پسر جلال یابد." یوحنا. 14:13

بنابراین، از طریق ایمان به قربانی مسیح و کفاره ای که او انجام می دهد، خدا خود را نشان می دهد که با ما صبور است و گناهانی را که در گذشته مرتکب شده ایم، فدی می دهد یا می بخشد. به زبان رومیان: "برای نشان دادن عدالت خود با بخشش گناهانی که قبلاً مرتکب شده اند، در سایه صبر خدا."

اما کار شفاعت، یا کفاره، که مسیح انجام می دهد، نه تنها بخشش گناهان گذشته را برای ما به دست می آورد. از طریق آن ما نیز برکتی را در زمان حال دریافت کردیم، در لحظه ای که تسلیم او شدیم، این در آیین مقدس که به عبرانیان داده شد توضیح داده شد.

هنگام انجام کفاره، کاهن انگشت خود را در خون قربانی گناه فرو می‌برد و آن را «در حضور خداوند، در برابر حجاب» می‌پاشید که پرده‌ای بود که دو قسمت داخلی معبد خدا را به نام «مقدس» تقسیم می‌کرد. از آنجایی که خون نشان دهنده زندگی است (لاویان، 17:11) ما می دانیم که این مراسم نشان دهنده اهدای زندگی مسیح در معبد است. معبد خدا» (اول قرنتیان، 3:17) نتیجه، آموزه مندرج در این آیین این بود که مسیح زندگی خود را به مؤمنان می‌رساند در حالی که برای آنها شفاعت می‌کند و به عنوان کاهن در عبادتگاه عمل می‌کند. پولس بین این آیین ارتباط برقرار می‌کند. پاشیدن خون انجام شده در حرم و این کار الهی با این جمله: «زیرا اگر خون گاوها و بزها و خاکستر تلیسه بر روی ناپاکان پاشیده شود، آنها را از نظر پاکی جسم تقدیس کند، چقدر خون مسیح که به وسیله روح ابدی خود را بی آلابش تقدیم کرد، بیشتر است

خدایا، آیا وجدان خود را از کارهای مرده پاک می کنی تا خدای زنده را بندگی کنی؟» عبری 14، 13:9 مسیح جان خود را در زمان کنونی به ایمانداران می بخشد و روح القدس را ابلاغ می کند، همانطور که از روایت یوحنا می توان دید: «سپس عیسی دوباره به آنها گفت: «سلام بر شما باد، مانند پدر. من را فرستاده، من هم شما را می فرستم و چون این را گفت، بر آنها دمید و به آنها گفت: روح القدس را دریافت کنید.» یوحنا 22، 20:21

مسیح با نفس کشیدن، زندگی روحانی را به شاگردانش ابلاغ کرد. این همان چیزی بود که در خلقت اتفاق افتاد. "و یهوه خدا انسان را از خاک زمین آفرید و در سوراخهای بینی او نفس حیات دمید و انسان جان زنده شد" پیدایش 2:7 خدا عروسکی گلی ساخت که بی جان بود. سپس دمید. روح او به عروسک تبدیل شد و به یک مرد زنده تبدیل شد.

به همین ترتیب، ما قبلاً «در گناهان و گناهان مرده بودیم» افس. 1:2 اما وقتی به مسیح ایمان آوردیم، او روح خود را نزد ما فرستاد و به وسیله او پاک شدیم. پطرس گفت: "توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید دهید، و عطای روح القدس را دریافت خواهید کرد" اعمال رسولان 2:38 "خدا روح پسر خود را فرستاده است. در قلب شما" غل. 4:6 قدرت روح بر خلاف امیال گناهکار ما عمل می کند و امیال را به سوی قدوسیت می نشاند. تا آنچه را که می خواهید انجام ندهید. «گال. 5:17 علاوه بر این، روح ما را برای انجام کارهای اطاعت از ده فرمان خدا تقویت می کند. بنابراین، ما توسط او از وضعیت بندگان به گناه کشیده شده و آزاد می شویم. بنابراین، «هرجا روح خداوند است، آزادی آنجاست» دوم قرنتیان 3:17

از آنجایی که روح خدا انسان مؤمن را تبدیل می کند، عملاً از بی عدالتی دست می کشد و به عدالت که اطاعت از اوامر خداوند است، می پردازد. زیرا احکام خدا عدالت است (مزمور 119:172 پولس گفت: "اما اگر شما توسط روح هدایت می شوید، تحت شریعت نیستید." Gal. 5:18 کسی که آن را انجام می دهد تحت شریعت نیست، یا توسط آن محکوم نمی شود. کتاب مقدس روح القدس را می نامد. روح القدس. «عدالت» (اشعیا 4:4 بنابراین، هنگامی که مسیح روح خود را بر قلب مؤمن می ریزد، او به معنای واقعی کلمه اطاعت را در قلب مؤمن می ریزد.

به بیان دیگر، او دارد قلب انسان - قلب من و شما - را به قلب پاک و مطیع تبدیل می کند. از این رو می توان دریافت که اطاعت ما از احکام کاملاً از جانب خداوند است. مسیح با تسلیم روحی که از خدا دریافت کرد، کار را در قلب ما با ایمان انجام می دهد. در نتیجه، در «زمان حال»، یعنی در لحظه ای که باور داریم، عدالت خداوند در زندگی ما نمایان می شود.

"تا او عادل باشد و کسی که به عیسی ایمان دارد عادل باشد." خدا منصف نخواهد بود اگر او را "عادل" اعلام کند که یک مرد بی خدا با قلبی مصمم به انجام بد است، فقط به این دلیل که ادعا می کند به آن ایمان دارد. عیسی در این باره، یعقوب رسول به وضوح می گوید: «شما معتقدید که خدای واحدی وجود دارد. شما خوب انجام می دهید شیاطین هم ایمان می آورند و می لرزند. اما ای انسان بیهوده، آیا می خواهی بدانی که ایمان بدون اعمال مرده است؟» عمه. 20، 19:2 اما هنگامی که خدا قلب مردی را تجدید می کند و او از گناه به عدالت روی می آورد، اعلامیه خدا به

احترام او، اینکه او منصف است. همانطور که یوحنا گفت: "فرزندان، مبدا کسی شما را فریب دهد. کسی که عدالت می کند عادل است، همانطور که او عادل است. کسی که گناه می کند از شیطان است، زیرا شیطان از ابتدا گناه می کند. برای این منظور پسر خدا خودش را نشان داد: برای خنثی کردن کارهای شیطان. هر که از خدا زاده شود گناه نمی کند. زیرا بذر او در او باقی می ماند. و او نمی تواند گناه کند، زیرا او از خدا زاده شده است." اول یوحنا 3: 7-9. پس می بینید که انسان (در برابر سایر انسانها و مخلوقات خدا) با اعمال عادل شمرده می شود و نه فقط با ایمان" یعقوب 2:24.

خدا در توجیه، یا اعلام «عادل»، مردی را که به قدرت روح خود تبدیل کرد و قلبش را از گناه به عدالت تبدیل کرد، عادل است. و هنگامی که به مسیح به عنوان نجات دهنده خود ایمان داریم، به او اجازه انجام این کار را می دهیم. در فداکاری و شفاعت او برای ما. پولس به رومیان گفت که خدا این کار را در کسانی انجام می دهد که «به آنها ایمان دارند

عیسی".

«پس فخر کردن کجاست؟ منتفی است. با کدام شریعت؟ از کارها؟ نه، بلکه به شریعت ایمان. بنابراین نتیجه می گیریم که انسان بدون اعمال شریعت با ایمان عادل شمرده می شود.» رام 28، 27:3

از آنجایی که این خداست که کار را در قلب ما انجام می دهد و ما را به اطاعت او می دارد، هیچ جایی برای ما نیست که در هر کار خیری که انجام می دهیم، تجلیل کنیم. انسان بخشیده می شود و قلب او را خدا دگرگون می کند - یا صالح می کند. همانطور که انبیا فرمودند: "خداوند، ما را به سوی خودت تبدیل کن و ما تبدیل خواهیم شد" لم 5:21. خداوند، تو به ما آرامش خواهی داد، زیرا تو کسی هستی که همه کارهای ما را در ما انجام داده ای. " هست یک. 26:12 بنابراین، انسان عادل می شود، یعنی بخشیده می شود و صالح می شود، مطیع ده فرمان است، تنها با ایمان. قدرت یا توانایی های شما کوچکترین کمکی به این کار نمی کند.

برای اینکه بند قبلی اشتباه برداشت نشود، در اینجا توضیحی لازم است. ما با ایمان عادل شده ایم یا عادل شده ایم. اما ایمان نتیجه انتخابی است که ما می کنیم. وقتی کسی برای ما داستانی تعریف می کند، تصمیم می گیریم آن را باور کنیم یا نه. در مورد گزارش انجیل نیز همین امر صادق است. آیا ما به این حقیقت اعتقاد داریم؟ آیا ما معتقدیم که مسیح برای گناهان ما مرد و امروز که زنده شد، برای ما شفاعت می کند؟ وقتی آن را می شنویم، روح خدا ما را دعوت می کند که آن را باور کنیم، زیرا او "روح ایمان" Gal. 5:5. اگر در مقابل این عقیده مقاومت نکنیم، باور خواهیم کرد. ما ایمانی خواهیم داشت که نجات می دهد. برای نجات ما باید انتخاب کنیم که در برابر این اعتقاد مقاومت نکنیم. خداوند ما را به انتخاب درست دعوت می کند، اما ما را مجبور به انجام آن نمی کند. این در ارگ اراده آزاد ما است.

با توجه به این وضعیت، ممکن است دشمن روح ما بخواهد افکاری مانند: «نمی دانم ایمان دارم یا نه، به ما القا کند. فکر نمی کنم باور کنم.» یا: «باورم نمی شود؛ هیچ نجاتی برای من وجود ندارد.» اگر این اتفاق برای شما افتاده است، به یاد داشته باشید که مسیح این مشکل را با بیشترین راحتی حل می کند. به خدا فریاد بزنید تا مسیح به شما ایمان بدهد و آن فوراً ظاهر خواهد شد. چیز بعدی که بدانید، ایمان راسخ خواهید بود. این به وضوح آموزش داده می شود

در کتاب مقدس او نقل می‌کند که پدری نزد مسیح آمد و گفت: «استاد، پسر من را برایت آوردم که روح لال دارد و هر جا او را بگیرد تکه تکه‌اش می‌کند و کف می‌کند و دندان قروچه می‌کند. در حال هدر رفتن است و به شاگردانت گفتم که او را بیرون کنند، اما نتوانستند... و از پدرش پرسید: چند وقت است که این اتفاق برای او افتاده است و به او گفت: از کودکی... اگر کاری از دستت بر می‌آید، به ما رحم کن و به ما کمک کن.» و عیسی به او گفت: «اگر می‌توانی ایمان بیاوری، همه چیز برای کسی که ایمان می‌آورد ممکن است.» و بلافاصله پدر پسر در حالی که گریه می‌کرد، گفت: ایمان دارم. خداوندا، به بی‌ایمانی من کمک کن. و عیسی چون دید که جمعیت در حال آمدن است، روح ناپاک را سرزنش کرد و به او گفت: «روح لال و کر، به تو دستور می‌دهم: از او بیرون بیا و دیگر در او وارد نشو.

و او در حالی که فریاد می‌زد و او را به شدت تکان می‌داد بیرون رفت. و پسر مثل مرده ماند، به طوری که بسیاری گفتند او مرده است. اما عیسی دست او را گرفت و او را بلند کرد و او برخاست.»

مارس. 9:17-27

"آیا او فقط خدای یهودیان است؟ و آیا او از غیریهودیان نیز نیست؟ در واقع از غیریهودیان نیز هست، زیرا خدا یکی است که ختنه را با ایمان و ختنه نشدن را به ایمان توجیه می‌کند. بنابراین ما شریعت را با ایمان باطل می‌کنیم؟ نه؟ اصلاً، اما ما قانون را وضع کرده ایم.»

رام. 3:29-31

چند آیه قبل از پولس بیان می‌کند که همه انسان‌ها در شرایط یکسانی هستند: «همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه‌آمده‌اند». 3:23 ملیت شما ماهیت درونی شما را تغییر نمی‌دهد. بنابراین، راهی که از طریق آن می‌توان آنها را توسط خدا بخشید یکسان است: از طریق ایمان به عیسی مسیح. هم یهودی که طبق شریعت موسی ختنه شده بود و هم غیریهودی ختنه نشده با ایمان بخشیده می‌شوند. و تا به امروز، از آنجایی که ما طبیعتی مشابه اجداد انسانی خود داریم، تنها با ایمان می‌توانیم توجیه شویم. هرگز قومی نبوده و نخواهد بود که خداوند او را به هر وسیله دیگری ببخشد و نجات دهد.

شاهدی بر این امر در این واقعیت داریم که خداوند مقرر کرد که همان انجیل در روزهای آخر، در زمان آخرالزمان، برای همه مردم روی زمین موعظه شود: "فرشته دیگری را دیدم که در میان بهشت پرواز کرد و او انجیل جاودانی را داشت تا به ساکنان روی زمین و هر قوم و زبان و قوم اعلام کند." مکاشفه 14:6 هیچ تمایزی بین ملیت، فلسفه، حزب یا عقیده مذهبی قائل نیست. انجیل برای همه یکسان است. عیسی گفت: "من در هستم. اگر کسی از طریق من وارد شود، نجات خواهد یافت." یوحنا 10:9

اخیراً متوجه شدیم که ایمانداران به مسیح روح‌القدس را دریافت می‌کنند و با این قدرت تبدیل می‌شوند و عادل می‌شوند و مطیع قانون خدا هستند (غلاطیان 18، 17، 5: 5؛ 4در نتیجه مشاهده می‌شود که قانون در قلب انسان مؤمن برقرار است. و این وعده عهدی است که خدا با انسان بسته است: "زیرا این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهیم بست، خداوند می‌گوید، قوانین خود را در فهم آنها قرار خواهیم داد و خواهیم نوشت. آنها را در قلبهای خود قرار داده اند." عب.

8:10 بنابراین "آیا ما با ایمان شریعت را باطل می‌کنیم؟ به هیچ وجه، بلکه قانون را برقرار می‌کنیم."

وقتی انسان عادل شد، مطیع می‌شود. اگر آثار او نشان می‌دهد که مسلمان نشده است، دلیل بر عدم توجیه اوست. و اگر در این شرایط فکر کند یا بگوید بر حق است، امیدش بیهوده است و خود را فریب می‌دهد. عیسی هشدار داد که مبادا کسی دچار این خطا شود: "نه هر که به من بگوید "خداوندا، خداوندا!" به ملکوت آسمان وارد خواهد شد، بلکه کسی که اراده پدر من را که در آسمان است انجام دهد. بسیاری به من خواهند گفت. در آن روز: «خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نکرده‌ایم؟ و به نام تو شیاطین را بیرون رانده‌ایم؟ و به نام تو شگفتی‌های بسیاری انجام داده‌ایم؟» آنگاه آشکارا به آنها خواهیم گفت: هرگز تو را نشناختم: برو. از من، ای کسانی که گناه می‌کنید.» متی. 7:21-23

رومیان 4

«پس چه بگوییم که به ابراهیم، پدر خود برحسب جسم، رسیده‌ایم؟ زیرا اگر ابراهیم با اعمال عادل شمرده شد، چیزی برای فخر کردن دارد، اما نه در حضور خدا. پس کتاب مقدس چه می‌گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت شمرده شد. حال به کسی که هر کاری انجام دهد، ثواب بر حسب فیض نیست، بلکه بر حسب قرض است. اما کسی که عمل نمی‌کند، اما به کسی که ستمکاران را عادل می‌سازد ایمان دارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود. همچنین داوود خوشا به حال مردی را که خدا برای او عدالت بدون اعمال قائل است، می‌گوید: خوشا به حال کسانی که گناهانشان بخشیده می‌شود و گناهانشان پوشانده می‌شود. خوشا به حال مردی که خداوند گناه را به او نسبت نمی‌دهد.» رام. 8: 1-4

کلمه "پدر" در کتاب مقدس برای اشاره به جد یا فراز به کار می‌رود. بنی اسرائیل از نسل ابراهیم بودند - به همین دلیل او را پدر خود می‌دانستند. بعداً در فصل، پولس توضیح می‌دهد که او را "پدر" می‌دانند. ایمان» (روم. 4: 12) و از او به عنوان «ابراهیم که پدر است» یاد می‌کند

لنہ ہر جہاں بنی اسرائیل و کلیہ یہودی ہند (روم 4: 16) اور یہودیوں نے ابرہیم کے نام سے ایمان کیا اور ابراہیم کے نام سے ایمان کیا۔ نمونہ ای آموزندہ نہ

استدلال ارائه شده این است که ابراهیم با قدرت خود یا «بر حسب جسم» در برابر خدا چیزی به دست نیاورد. در اینجا داستان او در سفر پیدایش آمده است: "و ابرام (به خداوند) گفت: اینک تو به من فرزندی ندادی و اینک هر که در خانه من متولد شود وارث من خواهد بود.

و اینک کلام خداوند بر او نازل شد و گفت: این وارث تو نخواهد بود. اما هر که از شکم تو بیرون بیاید وارث تو خواهد بود. سپس او را بیرون برد و گفت: اکنون به آسمان بنگر و

اگر می توانید ستاره ها را بشمارید. و او به او گفت: نسل تو نیز چنین خواهد بود. و او به خداوند ایمان آورد و آن را برای او عدالت شمرد. 6:3-15 ابراهیم فرزندی نداشت. با این حال خدا به او وعده داد که یک ملت کامل از میلیون ها نفر از او فرود خواهند آمد. او از خود هیچ قدرت یا قدرتی برای تولید آنها نداشت. همسرش «سارای نازا بود، بچه نداشت»

ژنرال ساعت 11:30 هیچ کاری که او انجام داد این واقعیت را تغییر نمی داد. اما او معتقد بود که خداوند به وعده خود عمل خواهد کرد. سپس خداوند ایمان او را در نظر گرفت و آن را گرامی داشت و کار را برای او انجام داد. به او یک پسر داد. داستان می گوید که «او به خداوند ایمان آورد و آن را برای او عدالت شمرد.» عدالت با انجام اراده خدا مطابقت دارد، زیرا «همه احکام او عدالت است» (مزمور 119:172) ایمان ابراهیم به عنوان عدالت گفته شد. زیرا خداوند از طریق آن با قدرت خود کار کرد و آن را به انجام رساند

ساخت و سازها

تجربه ابراهیم نشان می دهد که چگونه خدا گناهان ما را می بخشد. همچنین نشان می دهد که بخشش بسته ای است حاوی دو نعمت: (1) جایگزینی پرونده گناهان گذشته ما و (2) اعطای قدرت در زمان حاضر برای اطاعت از خداوند، همانطور که در ادامه خواهیم دید.

(1) جایگزینی سابقه گناهان گذشته ما. با توجه به زندگی گذشته خود، می بینیم که بارها از ده فرمان تخطی کرده ایم - بنابراین ما از عدالت، اطاعتی که قانون می خواهد، نداریم. ما کاملاً ناتوان هستیم که گذشته خود را تغییر دهیم. اما خدا همچنان ما را در مسیح بخشید (افس). (2:32) بنابراین ما عادل می شویم یا بخشیده می شویم، با این باور که خدا ما را در مسیح بخشیده است. خداوند ایمان ما را درست می شمارد، همانطور که با ابراهیم کرد. در نتیجه، ایمانداران از نظر او افرادی هستند که هرگز گناه نکرده اند.

در زیر این را بهتر توضیح می دهیم.

بخشش الهی مستلزم مبادله است. خدا گذشته ما را با زندگی مسیح جایگزین می کند، و مرگی را که به عنوان پاداش گناهانمان به دست ما می رسد، با زندگی مسیح. گزارش زندگی کامل او، بدون گناه از ابتدا تا انتها، از آخور تا صلیب، جایگزین تخلفات گذشته ما می شود. و مرگ او جایگزین مرگی می شود که ما به خاطر گناهانمان سزاوار آن هستیم (رومیان). (6:23) از طریق این مبادله ما در برابر خدا پاک می مانیم. خدا ما را مانند پسرش کامل می بیند. این در کتاب مقدس با شکل مسیح نشان داده شده است که لباس های کثیف جاشوا کشیش را با لباس های تمیز عوض می کند. سپس به کسانی که پیش از او بودند پاسخ داد و گفت: این لباس های کثیف را از او درآور. و به یوشع گفت: «اینک گناه تو را از تو دور کردم و تو را جامه های زیبا خواهم پوشانم.» زک. 3:4. لباس های تمیز با زندگی اطاعت کامل مسیح یا عدالت او مطابقت دارد. ابراهیم به خدا ایمان آورد و این به عنوان عدالت شمرده شد - به عنوان وفای به عهد - پسر. و او آن را دریافت کرد. بنابراین ما نیز به خدا ایمان داریم و این برای ما عدالت شمرده می شود - به عنوان تحقق وعده الهی برای پرداخت بدهی خود و مبادله گذشته خود با مسیح.

(2) اعطای قدرت در زمان حال برای اطاعت از خدا. مثالی از ابراهیم که توسط پولس در رومیان ذکر شد، نشان می‌دهد که، اگرچه تبادلی که در بالا ارائه شد برای ما چیز شگفت‌انگیزی است، اما شامل همه چیزهایی که بخشش خدا به ما می‌دهد نمی‌شود. در نتیجه ایمان، خداوند در درون ابراهیم و سارا کاری انجام داد و به آنها نیرو داد و آنها را قادر ساخت که صاحب فرزند شوند. در زمانی که وعده محقق شد، هیچ یک از آنها شرایط فیزیکی برای تولید را نداشتند. "جسد ابراهیم مرده بود، زیرا او تقریباً صد ساله بود" و سارا علاوه بر عقیم بودن، "رحم مرده" داشت روم. 4:19 کتاب مقدس می‌گوید که "سارا قبلاً رسم زنان را کنار گذاشته بود." ژنرال. 18:11 به عبارتی دیگر قاعدگی نداشت. با این حال ابراهیم "در امید بر خلاف امید ایمان آورد، تا آنجا که پدر امتهای بسیاری شد، طبق آنچه به او گفته شد: نسل تو نیز چنین خواهند بود. ... و نه برای مرده شدن رحم سارا. و در وعده خدا شک نکرد ... و کاملاً متقاعد شده بود که آنچه را که وعده داده بود، انجام می‌دهد. روم. 22-18: 4

ابرام معتقد بود که خدا پسرش را به او خواهد داد. این کار کاملاً به عملکرد قدرت الهی بستگی داشت. بنابراین، هنگامی که اسحاق به دنیا آمد، او تمام جلال را به خدا - که واقعاً به او تعلق داشت - داد و هیچ جلال را به خود نداد. در مورد ما هم همینطور است. ما به مسیح ایمان داریم، و در نتیجه، «خدا روح پسر خود را در دل های شما فرستاد،» روح القدس، به عنوان نیرویی که ما را وادار به اطاعت از ده فرمان می‌کند (غلاطیان. 4:6) به طوری که ما اراده گناهکارانه خود را انجام ندهیم (غلاطیان. 5:17) ما به دلیل اطاعت از آن محکوم نیستیم. همانطور که در مورد ابراهیم، کار روح القدس در ما کاملاً از جانب خداست.

با توجه به مطالب فوق، می‌بینیم که برکات فوری نهفته در بسته آموزش گناهان که خداوند به ما می‌دهد، کار او و تنها اوست. هم مبادله مرگ مسیح با آنچه سزاوار آن هستیم و هم زندگی کامل او با گذشته کثیفمان، و هم انجام تبدیل در ما از طریق روح القدس، اعمال خداست. پس جلال همه آنها تنها از آن اوست - همه او و هیچ یک از ما. شیطان گاهی از افراد، حتی افرادی که نیت خوبی دارند، استفاده می‌کند تا ما را به خاطر تغییری که پس از سپردن خود به مسیح در زندگی ما مشاهده می‌شود، ستایش کند. اما در پرتو مطالبی که مطالعه می‌کنیم، باید مراقب باشیم که ستایش را نپذیریم و جلالی را که متعلق به اوست، برای خود بگیریم.

اگر در کار بخشش الهی مشارکت فعال داشتیم، ممکن بود خود را شایسته بخشش بدانیم. اما به عنوان یک فیض به ما عطا می‌شود، یعنی لطفی که از جانب خداوند عطا شده است، که ما سزاوار آن نیستیم. و به همین دلیل است که داوود، همانطور که پولس ذکر می‌کند، اعلام کرد: "خوشا به حال کسی که خدا برای او عدالت را بدون اعمال قائل است و می‌گوید: خوشا به حال کسانی که گناهانشان بخشیده شده و گناهانشان پوشانده شده است. خوشا به حال کسی که خداوند گناه را به حساب نمی‌آورد" (مزمور. 2).

«این برکت فقط به ختنه می‌شود یا برای ختنه نشده؟»

زیرا می‌گوییم که ایمان برای ابراهیم عدالت شمرده شد. پس چگونه به او نسبت داده شد؟

ختنه شدن یا ختنه نشدن؟ نه در ختنه، بلکه در ختنه نشدن. و دریافت کرد

علامت ختنه، مهر عدالت ایمان در زمانی که او ختنه نشده بود، تا او پدر همه ایمانداران باشد، در حالی که آنها نیز ختنه نشده اند. تا

عدالت نیز به آنها نسبت داده شود. و پدر ختنه شدگان بود، کسانی که نه تنها اهل ختنه هستند، بلکه به گامهای ایمانی که پدر ما

ابراهیم داشت و در زمان ختنه نبودن داشت، گام برمی دارند.»

رام. 12-9:4

خداوند به ابراهیم وعده داد که او پدر بسیاری از ملل خواهد بود قبل از اینکه نشان ختنه را به او ارائه دهد. اول، همانطور که در پیدایش 15 گزارش شده است، "او را بیرون برد و گفت: اکنون به آسمان بنگر و ستارگان را بشمار تا بتوانی آنها را بشماری." و به او گفت: نسل تو نیز چنین خواهد بود. بعداً، همانطور که فصل 17 نقل می‌کند، ختنه را به عنوان نشانه‌ای به او داد تا به او یادآوری کند که به وعده‌اش عمل خواهد کرد. «سپس ابرام به روی خود افتاد، و خدا با او صحبت کرد و گفت: «اما من اینک عهد من با اوست.» تو: تو پدر امت‌های بسیاری خواهی بود... خدا به ابراهیم گفت: اما تو و فرزندان پس از تو در طول نسل‌هایشان به عهد من نگاه خواهی کرد. این عهد من است که بین من و خود و فرزندان بعد از خود نگه داری، که هر ذکور از شما ختنه شود. و گوشت ختنه گاه خود را ختنه کن. و این نشانه عهد من و شما خواهد بود.

بنابراین، مشاهده می‌شود که ابراهیم این وعده را در زمانی که ختنه نشده بود دریافت کرد. چه این که وقتی آن را

دریافت کرد، حتی نمی‌دانست که روزی خدا از او خواهد خواست که بدنش را ختنه کند.

بنابراین، قول مستقل از ختنه بود. عمل بریدن گوشت هیچ فضیلتی نداشت که بتواند به وعده وفا کند یا حتی ابراهیم را لایق آن کند. برای پدرسالار این چیزی بیش از نشانه‌ای نبود که دائماً وعده خدا را به او یادآوری می‌کرد. به قول پولس: مهر عدالت که از ایمان می‌آید.

بنابراین ابراهیم نمونه‌ای از ایمان واقعی برای همه مردم شد. او نمونه‌ای برای یهودیان ختنه شده در نظر گرفته می‌شود،

زیرا او جد آنها بود و به این ترتیب علامت ختنه را دریافت کرد. اما او برای کسانی که ختنه نشده اند نیز سرمشق است، زیرا وعده را دریافت کرد و در زمانی که ختنه نشد به آن ایمان آورد.

از این نظر است که او را "پدر ایمان" می‌دانند - او نمونه‌ای از ایمان واقعی برای همه کسانی است که ایمان دارند، خواه

ختنه شده باشند یا نه. در اینجا او به ختنه واقعی - ختنه روح - اشاره می‌کند که در رومیان 29، 28:2 توضیح داده شده است. ما قبلاً در تفسیر این آیات درباره آن بحث کرده ایم.

روح به کسانی داده می شود که به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده ایمان دارند - بنابراین با ایمان دریافت می شود (غلاطیان 3:14). گفتن اینکه ابراهیم «پدر ختنه» است، معادل این است که بگوییم او پدر ایمان است - نه فقط یهودیان ایماندار به ~~از شیخ کاسانی که «درویشی ایمان آن ها»~~ پدر ما ابراهیم داشت قدم می زنند». هنوز ختنه نشده بود.

"زیرا وعده اینکه او وارث جهان خواهد بود به ابراهیم یا به نسل او از طریق شریعت داده نشد، بلکه از طریق عدالت ایمان است. زیرا اگر کسانی که از شریعت هستند وارث باشند، ایمان باطل و وعده است. نابود شده است" روم. 4:13، 14

وعده ای که به آن اشاره شد، زمین جدید است، تازه شده، بدون گناه. "ما طبق وعده او منتظر آسمانهای جدید و زمین جدید هستیم که در آن عدالت ساکن است." 2 پطرس 3:13 خدا به ابراهیم وعده داد که به او سرزمینی - سرزمین کنعان - در زمان معینی از زندگی او عطا خواهد کرد. ابراهیم در آن مکان زندگی می کرد. اما کتاب مقدس گزارش می دهد که «ابراهیم... با ایمان در زمین موعود ساکن شد، مانند سرزمینی بیگانه، در غرفه ها ساکن شد... زیرا منتظر شهری بود که پایه دارد، سازنده و سازنده اش. او خداست.» عبرانیان 11: 8-10 ابراهیم معتقد بود که پس از آمدن عیسی، زمین جدید را به ارث خواهد برد. پولس به رومیان توضیح می دهد که تنها از طریق ایمان می توان این میراث را که خدا وعده داده است، در اختیار گرفت. در خداوند عیسی مسیح، "زیرا هر تعداد وعده هایی که خدا باشد، در اوست بله، و به واسطه او آمین." دوم قرنتیان 1:20. "چنین باشد." به عبارت دیگر، وعده های خدا فقط از طریق مسیح محقق می شود. هر که به او ایمان آورد آنها را پذیرا می شود.

کارهای ابراهیم نتیجه عمل روح القدس بود که در پاسخ به ایمان او فرستاده شد. با این قدرت او از قانون اطاعت کرد. اما اطاعت او معامله با خدا نبود و نمی توانست باشد. برای آن او نمی توانست حتی یک اینچ از زمین جدید را برای تصاحب بخرد. اطاعت انسان ثمره یا نتیجه ایمان است. اما برای او هیچ لیاقتی در برابر خداوند ندارد. اگر این اعمال انسان یا حتی اطاعت او بود که به او در میراث آینده جایگاهی می داد، هرکس از قانون پیروی می کرد خود را حق می یافت که از خدا مکانی در زمین جدید بخواهد. و سپس با ایمان به ارث نمی رسد. و منطقی نخواهد بود که خداوند قول دهد آن را با ایمان بدهد، زیرا با ایمان به دست نمی آید. قول باطل یا باطل خواهد بود. این معنای کلام پولس است: "زیرا اگر کسانی که از شریعت هستند وارث باشند، ایمان بیهوده است و وعده نابود می شود."

"زیرا شریعت خشم را به بار می آورد. زیرا در جایی که شریعت وجود ندارد تخطی نیست. بنابراین از راه ایمان است تا بر حسب فیض باشد تا وعده برای همه آیندگان یقین یابد، نه

فقط آنچه از شریعت است، بلکه همچنین از ایمانی است که ابراهیم، پدر همه ما، قبل از او که به او ایمان آورد، داشت (چنانکه مکتوب است: تو را پدر امتهای بسیار قرار دادم). یعنی خدایی که مردگان را زنده می کند و چیزهایی را که گویی نیست می خواند.» رام 4:13-17

جمله دوم آیه نشان می دهد که از طریق شریعت است که می فهمیم متخلف هستیم. "گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 4: 3(ترجمه آمریکایی جدید). بنابراین، اگر شریعت وجود نداشته باشد، علم به تخطی از آن یا گناه وجود نخواهد داشت.

قانون ما را متقاعد می کند که در خود عدالت نداریم. زیرا "همه احکام او عدالت است" و ما از آنها اطاعت نمی کنیم (مزمور. 119:172 بنابراین، دلیلی را نشان می دهد که چرا ما نمی توانیم به تنهایی زمین جدید را به ارث ببریم: «عدالت در آن ساکن است». و ما عادل نیستیم (دوم پطرس. 3:13) بنابراین، ارث را می توان تنها «با ایمان» به عیسی مسیح، در عدالت او به ما داد. «تا مطابق فیض» خدا باشد. از آنجایی که ابراهیم «پدر ایمان» است (روم. 4:12)، فرزندان روحانی او کسانی هستند که به عیسی مسیح ایمان دارند. که شریعت بر سینا داده شد، مانند سایر ملیتها، تا زمانی که «ایمانی که ابراهیم داشت» را داشته باشند. ایمان واقعی که همه مؤمنان، صرف نظر از ملیتشان، خواهند داشت.

آیه 17 استدلال را با معرفی این مفهوم که ابراهیم به رستخیز اعتقاد داشت، به پایان می رساند، وقتی از ایمانش به «خداوندی که مردگان را زنده می کند و چیزهایی را که گویی نیستند می خواند» صحبت می کند.» این نکته بعداً روشن تر خواهد شد. از خواندن و توضیح آیات بعدی شروع کنید.

«کسی که به امید بر خلاف امید ایمان آورد، به طوری که پدر امت های بسیاری شد، بر اساس آنچه به او گفته شد: نسل تو نیز چنین خواهد بود. زیرا او نزدیک به صد سال سن داشت و نه برای مرده شدن رحم سارا، و در وعده خدا از طریق بی ایمانی شک نکرد، بلکه در ایمان قوی شد و خدا را جلال داد و کاملاً متقاعد شد که آنچه را که وعده داده بود. او نیز قادر به انجام آن بود، پس برای او نیز عدالت شمرده شد.»

ابراهیم بر این باور بود که خداوند به وعده خود عمل خواهد کرد و از طریق او صاحب فرزند خواهد شد. اما در مقطعی از زندگی او این باور قبلاً برخلاف امید بشر بود. وقتی ابراهیم بزرگتر شد، «جسد خودش مرده شد». و همسرش نیز "رحم خود را مرده" کرد. به عبارت دیگر، سارا علاوه بر عقیم بودن، دیگر قاعدگی نداشت. و ابراهیم حتی نتوانست با او رابطه داشته باشد. از نظر انسان، بچه دار شدن این زوج کاملاً غیرممکن بود. این وضعیت به خودی خود آزمون سختی برای ایمان پدرسالار بود. آیا خداوند می تواند هر دوی آنها را قادر به بچه دار شدن کند؟ اما ابراهیم "به واسطه بی ایمانی در وعده خدا شک نکرد، بلکه در ایمان تقویت شد و خدا را جلال داد و کاملاً متقاعد شد که آنچه را که وعده داده بود نیز انجام می دهد. پس برای او نیز عدالت شمرده شد. «در این زمینه، تحقق «عدالت» معادل تحقق وعده الهی - تولد اسحاق بود. هنگامی که ایمان ابراهیم آزمایش و تأیید شد، خداوند آن را اجرا کرد.

این واقعیت که نه ابراهیم و نه سارا هیچ شرایطی برای ایجاد خود نداشتند، توسط پولس رسول بررسی شده است تا نشان دهد ما چگونه عادل هستیم. ما در زندگی خود عدالت نداریم. گذشته ما دارای سابقه بسیاری از گناهان است. و غیرممکن است که بتوانیم گذشته را بازسازی کنیم. اما اگر به وعده الهی ایمان داشته باشیم که با ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده می شویم (رومان، 3:22) اگر ایمان داشته باشیم که عیسی نجات دهنده ما و تنها امید بخشش گناهانمان است، بخشیده می شویم. از نظر انسان، هیچ کاری که با خود انجام دادیم نمی توانست گناهان گذشته ما را پاک کند - به نظر می رسد ما یک علت گمشده هستیم.

اما با تعلیم رومیان، ما تشویق می شویم که مانند ابراهیم ایمان بیاوریم: «به امید در برابر امید». ما منتظریم تا خداوند به وعده خود وفا کند - و فقط به او امیدواریم - نه به خودمان. با اعتماد کامل ما به خدا، او ایمان ما را به عنوان "عدالت" به حساب می آورد و آنچه را که نتوانستیم به انجام برسانیم برای ما انجام می دهد - زندگی کامل مسیح را در ازای گناهان گذشته ما می دهد.

در نتیجه ما بخشیده می شویم. عدالت مسیح ما را می پوشاند.

با همان روندی که در پاراگراف قبل توضیح داده شد، و با همان ایمان، ما متحول می شویم - از شورشیان نافرمانی از احکام خدا به رعایای وفادار. خودمون نداریم

هیچ نیروی یا فضیلتی وجود ندارد که به وسیله آن بتوانیم قلب های ذاتاً متمایل به شیطان خود را تغییر دهیم. اما هنگامی که تمام اعتماد خود را به وعده خدا مبنی بر اینکه او عدالت را از طریق ایمان به عیسی به ما خواهد داد، قرار دهیم، او ایمان ما را می پذیرد و کار را در ما انجام می دهد - روح خود را در قلب ما می ریزد و ما را متحول می کند. عیسی گفت: "شما باید از نو متولد شوید" یوحنا 7: 2 این کار خدایی است که در ما کار می کند. و همانطور که قبلاً در مورد بخشش گناهان توضیح داده شد، برای عمل به عدالت، ما به "امید در برابر امید" اعتقاد داریم. وقتی در نظر می گیریم که چند بار طعمه وسوسه شده ایم، به اعتیاد افتاده ایم، چقدر وعده های تغییر را زیر پا گذاشته ایم، وسوسه می شویم که در صداقت خود شک کنیم. از نظر انسان به نظر می رسد امیدی نیست، اما ایمان این زنجیرها را می شکند. و نمونه ای از ابراهیم، ما معتقدیم که خداوند به وعده خود در ما وفا می کند - چون گفته به آن عمل می کند - و بنابراین به آن عمل می کند.

این به او بستگی دارد، نه به ما. و سپس او ایمان ما را به عنوان عدالت می گیرد و معجزه را از طریق عیسی انجام می دهد. "پس اگر پسر شما را آزاد کند، به راستی آزاد خواهید بود" یوحنا 8:36. او ما را از زنجیر گناه رها می کند و ما را وادار به اطاعت از ده فرمان می کند. ما در خودمان کشف می کنیم که نه تنها می توان از آنها اطاعت کرد، بلکه همچنین "احکام او سنگین نیست. ما با قدرت خدا هر کاری را انجام می دهیم. ما همراه با پولس اعلام می کنیم: "من می توانم همه چیز را به وسیله مسیح انجام دهم. مرا تقویت می کند" فیل 4: 13. «زیرا هر که از خدا متولد شود بر جهان غلبه می کند. و این پیروزی است که بر جهان غلبه می کند، ایمان ما. چه کسی می تواند بر جهان غلبه کند، اگر نه کسی که معتقد است عیسی پسر خداست؟» اول یوحنا 5:3-5

هنوز با توجه به آیات 22-18 می بینیم که می توانیم مرورید دیگری از حقیقت را از آن استخراج کنیم. اطاعت ثمره ایمان "آزموده شده و تایید شده" است. هنگامی که ابرام برای اولین بار این وعده را دریافت کرد که پدر بسیاری از ملل خواهد بود، "به خدا ایمان آورد و برای او عدالت شمرده شد." اما تاریخ نشان می دهد که او به ایمان خود ادامه نداد. عهد به تأخیر افتاد، سارا به او پیشنهاد داد که با خدمش متحد شود تا فرزندی داشته باشند. پدرسالار در نشان دادن عدم ایمان به وعده خدا، با نصیحت همسرش موافقت کرد. او از هاجر صاحب یک پسر شد، اما پس از آن خداوند، تکرار کرد که وعده او توسط پسری که از سارا، همسر قانونی او خواهد آمد، محقق خواهد شد. سپس خداوند سالها صبر کرد تا اینکه به دلیل پیری، نه ابراهیم و نه ساره شرایط را نداشتند. و فقدان امید از نظر انسانی، ابراهیم ایمان راسخ داشت، «با یقین کامل به آنچه وعده داده بود قادر به انجام آن نیز هست»، خداوند «ایمان او را نیز عدالت شمرده» و به وعده خود عمل کرد. بیان کتاب مقدس. در رابطه با این مناسبت «به عنوان عدالت نیز تلقی شد» نشان می دهد که نه تنها ایمانی که ابراهیم در ابتدا در هنگام دریافت وعده نشان داد، شمرده می شود، بلکه آن چیزی که در حین و در پایان آزمایش ایمان خود نشان داد نیز به حساب می آید. به عبارت دیگر، وعده بعد از «آزمایش و تأیید» ایمان او محقق شد. با بیش از 20 سال تاخیر "ثابت" شد که در پایان آن در نامطلوب ترین شرایط؛ و "تأیید شد" - تا زمان تحقق وعده ثابت ماند.

از آنجایی که مورد ابراهیم به عنوان نمونه ای از نحوه اطاعت ما از خدا با ایمان استفاده می شود، نتیجه می گیریم که برای اجرای عدالت - اطاعت از ده فرمان، باید از ابتدا تا انتها ایمان داشته باشیم. از زمانی که کلمه ای را می شنویم که ما را از اراده خدا آگاه می کند تا پایان امتحانی که در آن وسوسه می شویم که از اطاعت از آن منحرف شویم. اطاعت با ایمان «آزموده و تأیید شده» آشکار می شود. چگونه می توان چنین ایمانی داشت؟ از طریق عیسی مسیح. زیرا او «صاحب و تمام کننده ایمان» است. عبری 12:2. او ایمان ما را ایجاد و حفظ می کند.

پس بیایید محکم با او متحد بمانیم. بیایید در تمام مدتی که امتحان می شویم به دعا به سوی او بازگردیم، و قطعاً پیروز خواهیم شد. زیرا «به تو نرسید

وسوسه، اگر انسان نباشد. اما خدا امین است که نمی گذارد بیش از آنچه می توانید وسوسه شوید، بلکه با این وسوسه راه نجات را نیز فراهم خواهد کرد.» اول قرنتیان 10:13

بر اساس ملاحظات ارائه شده در بالا، به همان نتیجه ای می رسیم که توسط پولس رسول در پایان فصل:

«اکنون نه تنها به خاطر او (ابراهیم) نوشته شده است که باید مورد توجه قرار گیرد، بلکه برای ما نیز که به آن توجه خواهد شد، که به او ایمان داریم که خداوند ما عیسی را از مردگان برخیزانید. از طریق او از گناهان ما رهایی یافت و برای عادل شمرده شدن ما دوباره زنده شد.» روم 4:23-25

داستان ابراهیم به ما می آموزد که عدالت تحقق وعده الهی است، از طریق ایمان انسان. در مورد او عدالت در تولد پسرش تحقق یافت. در مورد ما زمانی تحقق می یابد که ما در غفران الهی تصرف کنیم و او ما را مطیع قرار دهد. این توازی این حقیقت را ثابت می کند که اطاعت ما زمانی اتفاق می افتد که خداوند به وعده های ما در زندگی ما عمل می کند. و نگاهی دقیق به احکام خدا به ما نشان می دهد که آنها در واقع وعده هایی هستند از آنچه که او در زندگی ما انجام خواهد داد، اگر به عیسی ایمان داشته باشیم. در ادامه خواهیم دید.

هنگام بیان احکام در سینا، اولین کلماتی که او به زبان آورد این بود: "من بیهوش شما هستم که شما را از سرزمین مصر، از خانه بندگی بیرون آوردم" مث 20:2 به معنای روحانی، رهایی. از اسارت با آزادی از گناه مطابقت دارد. حتی قبل از بیان اولین فرمان، خدا ما را از گناه آزاد می کند. و ما آزاد هستیم، زیرا مسیح برای ما مرد و بدهی ما را پرداخت. سپس می افزاید: "شما جز من خدایان دیگری نخواهید داشت." سابق.

20:3 این اولین فرمان است. به زمان فعل استفاده شده توجه کنید: "terás" زمان آینده است. اگر او به زمان حال صحبت می کرد، مثلاً: «خدا دیگری نداریم»، سخنان او را به عنوان یک تعهدی که بر ما تحمیل شده می فهمیدیم. ما خود را با مسئولیت کامل برای انجام آنچه تعیین شده بود، با تلاش خود می دیدیم. اما وقتی آن را همانطور که هست می خوانیم - در زمان آینده - متوجه می شویم که این یک وعده است. «نخواهی داشت...» خدا وعده می دهد که از این به بعد دیگر خدایان دیگری نخواهیم داشت، مثل یک پدر به ما نزدیک می شود و تضمین پیروزی آینده را به ما می دهد و می گوید: «نخواهی داشت. خدایان دیگر قبل از من.» این اوست که مسئول تحقق این وعده و حفظ ما از بت پرستی خواهد بود. سهم ما ایمان به عیسی مسیح است، زیرا تنها از طریق او است که خدا به وعده های خود به ما عمل می کند: «پسر. از خدا، عیسی مسیح... تمام وعده های خدا در او است، بله، و از طریق او امین است.» 2 قرنتی 1:19، 20

در مورد سایر احکام هم همینطور. اینها وعده هایی از جانب خدا هستند مبنی بر اینکه او همه کسانی را که به مسیح ایمان دارند متحول خواهد کرد و آنها را با اراده او مطابقت خواهد داد. به عبارت دیگر، خداوند ما را خواهد ساخت

مردمی که بت پرست (فرمان اول)، تصویر پرست (دوم)، کفر گو (سوم)، روز سبت (چهارم)، مطیع پدر و مادر (پنجم)... و بر اساس تمام وعده ها از طمع (دهم) میرا نیستند. در ده فرمان موجود است (به زمان آینده توجه کنید): "برای خودتصویر حکاکی شده نسازی ... در مقابل آنها سجده نکن". «نام یهوه خدای خود را بیهوده نخوانید»؛ «شش روز کار خواهی کرد و تمام کارهایت را انجام خواهی داد. اما روز هفتم سبت یهوه خدای شماست. هیچ کاری در او انجام نخواهید داد». "شما طمع نکنید" (خروج، 20:3-17)

از آنجایی که اطاعت ما به این دلیل اتفاق می افتد که خداوند به وعده خود عمل می کند و در زندگی ما به آن عمل می کند، و با توجه به اینکه همه کارهای خدا کامل است (خدا، 4، 3: 32 ما را وادار به اطاعت کامل می کند. بنابراین نتیجه می گیریم که کمال اطاعت از قبل در آغاز زندگی مسیحی رخ می دهد. به بیان دیگر، از آنجایی که «خدا است که در شما عمل می کند تا اراده کنید و انجام دهید» (فیلیسیان، 2:13) و کارهای او کامل هستند، اطاعت ما از ده فرمان از همان ابتدا که ایمان داریم کامل است. این به نسبت آنچه ما در مورد کاربرد آنها در زندگی عملی می دانیم است. زیرا خداوند ما را از طریق وجدان هدایت می کند. به همین دلیل، از ما انتظار اطاعت از چیزهایی که هنوز نمی دانیم نیست. "اما در آنچه قبلاً به دست آورده ایم، بر اساس همان قانون قدم برداریم" فیلی. 3:16. خداوند به هر یک از ما نعمتی را پیشنهاد می کند. والای پیروزی و رهایی کامل از سرپیچی از شریعت او و معرفت پیشرو به اراده او و به واسطه آن ما را به فرشتگانی که در بهشت گناه نمی کنند شبیه می کند و ما را برای همنشینی با او در قصرهای بهشتی آماده می کند. و ما به زودی، هنگامی که عیسی به زمین بازگردد، مردم وفادار و مطیع او را جستجو خواهیم کرد.

رومیان 5

«بنابراین، چون از ایمان عادل شمرده شده ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح، با خدا صلح داریم و به وسیله او نیز با ایمان به این فیض وارد شده ایم که در آن ایستاده ایم و به امید جلال خدا شادی می کنیم.» روم 2، 5:1

در سرتاسر شرح انجیل در رومیان، از فصل 3 شروع می شود، اعلام دو عطیه ای که خدا در مسیح به ما می دهد همیشه وجود دارد: (1) آمرزش گناهان گذشته و (2) قدرتی که ما را متحول می کند و ما را وادار به اطاعت می کند. به دستورات او در حال حاضر. در این مرحله نامه آن را به خلاصه ترین و واضح ترین شکل ارائه می کند. با اولی شروع می شود: «بنابراین، چون از ایمان عادل شمرده شده ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح با خدا صلح داریم». سپس با مورد دوم اصلاح می کند: "به موجب آن ما نیز با ایمان به این فیضی که در آن ایستاده ایم، ورود داریم." سپس با این جمله خاتمه می دهد: «و ما تمجید می کنیم به امید جلال خدا». این عبارت اشاره به

امید نجات ابدی، در آمدن دوم مسیح. در صلح با خدا و در اطاعت از اوامر او، با امید در انتظار روز ظهور دوم او هستیم که در آن جلال خواهیم یافت. سپس، "همه ما تغییر خواهیم کرد، در یک لحظه، در یک چشم به هم زدن... مردگان فاسد ناپذیر زنده خواهند شد، و ما تغییر خواهیم کرد" اول قرن.

52، 15:51 او «بدن حقیر ما را به شکل بدن جلالی خود تبدیل خواهد کرد» فیل.
3:21 هنگامی که مسیح بازگردد، ما که ایمان داریم لباس نشاط جوانی ابدی خواهیم پوشید.

«و نه تنها این، بلکه در مصیبت‌ها نیز افتخار می‌کنیم، زیرا می‌دانیم که مصیبت، صبر و شکیبایی، تجربه، و تجربه، امید به بار می‌آورد.» روم 4
5:3،

بر اساس فرهنگ لغت، مصیبت نامی است که به یک موقعیت آزاردهنده، ناخوشایند، یک مصیبت، عذاب یا مصیبت داده می‌شود. مصیبت‌ها به سراغ همه مردم می‌آید، چه عادل و چه شریر. عیسی به شاگردانش گفت: «در دنیا مصیبت خواهید داشت» یوحنا 16:33. از سوی دیگر، پولس گفت: "مصیبت و اندوه بر تمام جان آدمی که بد می‌کند، اول یهودی و همچنین یونانی می‌آید" رومیان 2:9.

مصیبت می‌تواند در نتیجه اشتباهات ما یا به عنوان آزمون ایمان باشد. در حالت دوم، زمانی اتفاق می‌افتد که ما کاری برای تحریک آن انجام ندادیم. انگیزه شما هرچه که باشد، فیض خداوند در دسترس ماست تا بتوانیم آن را صبورانه تحمل کنیم. خدا "پدر رحمتها و خدای همه آسایش است که ما را در تمام مشکلات ما تسلی می‌دهد." 2، قرن‌تین 4، 3، 1: پیامبر ندا داد: "خداوندا، به ما رحم کن، زیرا ما منتظر تو بوده ایم. باشد که هر روز صبح بازوی ما و نجات ما در زمان سختی باش." عیسی. 33:2.

"مصیبت، شکیبایی ایجاد می‌کند." هنگامی که در میانه مصیبت، با توکل به مسیح خدا را می‌جوئیم، می‌توانیم صبر کنیم تا زمانی که خداوند آن را از سر راه ما بردارد: "اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما بیش از حد وسوسه شوید. تو قادر هستی، پیش از آن با وسوسه راه نجات را نیز خواهد ساخت تا بتوانی آن را تحمل کنی." اول قرن‌تین 10:13 آزمون ایمانی که با شکیبایی متحمل شد، آن را توسعه می‌دهد. «آزمایش ایمان شما صبوری عمل می‌کند» یعقوب 3: 1

بنابراین، پس از غلبه بر اولی، انتظار برای او و غلبه بر دومی آسانتر است. مثل این است که شخصی شروع به تمرین بدنی کند. دویدن یک کیلومتر برای کسانی که برای مدت طولانی تمرین کرده اند بسیار آسان تر از کسانی است که برای اولین بار این کار را انجام می‌دهند.

در این مرحله، تأمل در تجربه یک ورزشکار می‌تواند باعث شود که پیشرفت در سفر مسیحی را بهتر درک کنیم. برای اینکه یک دونده آمادگی جسمانی مورد نظر را برای شرکت در مسابقات به دست آورد، باید تلاش کند و تمرینات کامل را انجام دهد. کسانی که به درستی تمرین نمی‌کنند، نتایج خوبی کسب نمی‌کنند. در سفر ایمان نیز این گونه است. یعقوب رسول هشدار می‌دهد:

"اما بگذارید صبر کار کامل خود را داشته باشد تا کامل و کامل باشید و هیچ چیز کم نداشته باشید." یعقوب 4، 3: 1 تجربه آزمایشی که با حفظ صبر در طول مدت آن غلبه می‌کند، تجربه‌ای است که مؤمن را قادر می‌سازد تا با موفقیت روبرو شود. با توجه به این موضوع است که پولس رسول در رومیان 5 می‌نویسد: «صبر تجربه می‌آفریند.» اشاره به تجربه‌های پیروزی دارد. "تجربه با خدا".

و تجربه "امید" تولید می‌کند. بزرگترین امید مسیحی نجات روح اوست.

پطرس رسول می‌گوید که پایان ایمان شما، نجات جان شماست. 9: 1 از آنجایی که این پایان ایمان است، تنها با ایمان می‌توان آن را در دل گرمی داشت. پولس گفت: "به امید نجات یافتیم. اکنون امیدی که دیده می‌شود امید نیست، زیرا کسی چه می‌بیند چگونه می‌تواند امیدوار باشد؟" رومیان 8: 24 امید نجات در امید چیزی است که امروز نمی‌بینیم و ایمان دقیقاً این است، "ایمان به چیزهایی که دیده نمی‌شوند" عبرانیان 1: 11 بنابراین، امید به رستگاری با ایمان حفظ می‌شود، بنابراین هر چه ایمان انسان بیشتر باشد، امید او به رستگاری بیشتر است.

سخنان رسول ما را با یک دایره با فضیلت روبرو می‌کند. هر چه ایمان ما از طریق آزمایش‌ها کامل‌تر شود، صبر ما بیشتر می‌شود، امید ما به رستگاری قوی‌تر می‌شود و برای آزمایش‌های دشوارتر آماده‌تر می‌شویم. به عبارت دیگر، هر چه تجربه ما با خدا بیشتر باشد، یقین ما به بازگشت مسیح و نجات ما بیشتر خواهد بود. رهایی‌هایی که او در آزمایش‌های کوچک به ما داده است، اعتقاد ما را تقویت می‌کند که به زودی به زمین خواهد آمد و ما را از فساد گناه برای جلال فرزندان خدا نجات خواهد داد. با هر تجربه موفق جدید ایمان، اعتقاد ما بیشتر می‌شود. و ما می‌توانیم سخنان پولس رسول را تکرار کنیم: "چه کسی ما را از عشق مسیح جدا خواهد کرد؟ مصیبت یا پریشانی یا جفا یا قحطی یا برهنگی یا خطر یا شمشیر؟... من مطمئن هستم که نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه فرمانروایی‌ها، نه قدرت‌ها، نه چیزهای موجود، نه چیزهای آینده، نه ارتفاع، نه عمق، و نه هیچ موجود دیگری نمی‌توانند ما را از عشق خدا جدا کنند. در خداوند ما مسیح عیسی» روم. 8: 35-39

"و امید هیچ آشفتنگی ایجاد نمی‌کند، زیرا محبت خدا بوسیله روح القدس که به ما عطا شده بود در قلب‌های ما ریخته شده است. زیرا مسیح در حالی که ما هنوز ضعیف بودیم در زمان خود برای بی‌خدایان مرد. زیرا تنها یک اراده است. برای یک مرد عادل بمیر، زیرا او می‌تواند مگر اینکه شخص خوب جرات مرگ داشته باشد. اما خدا عشق خود را به ما ثابت می‌کند، زیرا مسیح برای ما مرد، در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم. خون، ما توسط او از خشم نجات خواهیم یافت، زیرا اگر ما که دشمن بودیم، با مرگ پسرش با خدا آشتی کردیم، بسیار بیشتر، که قبلاً آشتی کرده بودیم، با جان او نجات خواهیم یافت." روم 5: 10-5

دیدیم که امید نجات با ایمان حفظ می شود. اما ایمان، به نوبه خود، زمانی در قلب ایجاد می شود که ما به عشق خدا فکر می کنیم. این به ویژه در قربانی شدن پسرش برای نجات ما آشکار شد. "خدا آنچه جهان را محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد." یوحنا 3:16 از طریق تأمل در این محبت روح القدس را دریافت می کنیم که ما را پر از ایمان می کند. پولس به غلطیان گفت که "عیسی مسیح در میان شما ظاهر شد، مصلوب شد" و در نتیجه "روح را دریافت کردید" و افزود که این "روح ایمان" است (غلاطیان 5: 2، 5: 1، 3: برای توضیح ساده تر: وقتی به قربانی مسیح روی صلیب فکر می کنیم و متوجه می شویم که این قربانی برای عشق ما بوده است تا ما را نجات دهد و زندگی ابدی بدهد و او این کار را انجام داده است، شروع به باور می کنیم که او واقعاً اهمیت می دهد. در مورد ما، ما، و به او اعتماد کنید. این بیداری ایمان است. و وقتی در نظر می گیریم که او این فداکاری عظیم را انجام داد وقتی آشکارا او را رد کردیم، متوجه می شویم که عشق او بسیار عمیق تر از انسان است. انسان ها دوستان خود را دوست دارند. اما خدا محبت خود را نسبت به ما نشان می دهد، زیرا در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد.» همانطور که از عمق عشق او به خود آگاه می شویم، تحسین ما، اعتقاد ما به اینکه او خیر ما را می خواهد، اعتماد و عشق ما به او رشد می کند. بدین ترتیب ایمان ما تقویت و عمیق تر می شود.

خدا با نشان دادن محبت خود به ما، با روح خود، ذهن ما را لمس می کند و ما را به ایمان به او دعوت می کند. اگر مقاومت نکنیم، با همان روح ما را سرشار از محبت نسبت به خود می کند.

«اکنون بسیار بیشتر که به واسطه خون او عادل شمرده شده ایم، به واسطه او از غضب نجات خواهیم یافت. زیرا اگر ما که دشمن بودیم، به واسطه مرگ پسرش با خدا آشتی کردیم، بسیار بیشتر از این که آشتی کردیم، نجات خواهیم یافت. پس از بیدار شدن و تقویت ایمان ما با تأمل در عشق خدا، در نظر می گیریم که اگر او در زمانی که ما هنوز علیه او شورش می کردیم، برای نجات ما بسیار تلاش می کرد، تا آنجا که جان پسرش را به او می بخشید. ما را نجات بده، حالا که ما را در مسیر زندگی قرار داده است، هر کاری که لازم است انجام می دهد تا ما را تا آخر راه نگه دارد، راه دیگری را بیان کن، اگر در زمان سرکشی و دوری ما این همه برای نجات ما انجام داد. او تا آنجا که ممکن است، اکنون که ما را به نیمه راه رسانده است - ما آشتی کرده ایم - قطعاً تمام کارهای لازم را برای تکمیل کار نجات ما انجام خواهد داد. به عنوان نتیجه این اطمینان، پولس در جایی دیگر اعلام کرد: "اعتماد به نفس از این جهت، آن که کارهای نیک را در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح کامل خواهد کرد.»

پایان. 1:6 در نتیجه این یقین، مراقبت از روح خود را به خدا می سپاریم. او می داند که چگونه او را نجات دهد و قادر است این کار را انجام دهد.

«و نه تنها این، بلکه به وسیله خداوندان عیسی مسیح که اکنون به وسیله او به آشتی رسیده‌ایم، در خدا جلال می‌گوییم.» روم 5:11

نه تنها خدا، بلکه مسیح نیز برای نجات ما از مرگ ابدی کار و کار کرد.

«خدا آنچه‌ان جهان را دوست داشت که پسر خود را داد» (یوحنا 3:16) و پسر نیز به نوبه خود «ما را دوست داشت و خود را برای ما داد» افسس. 5:2 «محبت خدا در مسیح عیسی است» (روم.

8:39) پدر روح القدس را به ما عطا می‌کند، قدرتی که ما را قادر می‌سازد غلبه کنیم، اما او این کار را از طریق مسیح انجام می‌دهد. پسر گفت که «روح راستی را که از پدر می‌آید» نزد ما خواهد فرستاد (یوحنا 15:26) بنابراین، ما می‌توانیم و باید به طور یکسان، هم در پدر و هم در پسر، برای انجام نجات خود به خود ببالیم. «زیرا همان‌طور که پدر مردگان را زنده می‌کند و آنها را زنده می‌کند، پسر نیز کسانی را که می‌خواهد زنده می‌کند... تا همه پسر را گرامی بدارند، همان‌طور که پدر را گرامی می‌دارند.

هر که پسر را گرامی نمی‌دارد، پدری را که او را فرستاده احترام نمی‌کند.» یوحنا 5:23 بنابراین «به کسی که بر تخت می‌نشیند و بره، شکر و جلال و جلال و قدرت تا ابد اَلاباد داده شود» (مکاشفه 5:13 آمین)!

"بنابراین، همان‌طور که از طریق یک انسان گناه وارد جهان شد، و به وسیله گناه مرگ، و مرگ به همه مردم سرایت کرد، زیرا همه آنها گناه کردند." رومیان 5:12

آدم، اولین انسانی که روی این زمین زندگی کرد، کامل خلق شد. با قرار گرفتن در این حالت، او این فرمان را دریافت کرد: "از درخت معرفت خیر و شر نخورید" (پیدایش.

17:12) اما او از آن تجاوز کرد؛ و خدا در همان روز او را ملاقات کرد و پرسید: «آیا از درختی که به تو دستور دادم از آن نخوری، خوردی؟» و او پاسخ داد: «خوردم» (پیدایش 3:11، 12) آدم مرتکب گناه شد که «تخطی از شریعت» خداست (اول یوحنا 3:4) سپس به عنوان یک گناهکار فرزندان خود را به دنیا آورد. کتاب مقدس گزارش می‌دهد که در همان روزی که گناه کرد، از باغ عدن بیرون رانده شد: «خداوند خدا گفت: اینک آن مرد مانند یکی از ماست که نیک و بد را می‌شناسد؛ دعا کنید مبادا دست خود را دراز کند. و از درخت حیات نیز بگیری، بخورید و تا ابد زندگی کنید، زیرا خداوند خدا او را از باغ عدن بیرون کرد.» پیدایش 3:22، 23. شرح بعدی که او ارائه می‌کند تولد اولین پسرش است: و آدم زن خود حوا را شناخت و او حامله شد و قابیل را زایید.» پیدایش 4:1 بنابراین، همه فرزندان آدم از فرزندان او هستند

گناهکاران

در حالت اولیه، آدم به تنهایی قدرت مقاومت در برابر وسوسه را داشت. خداوند او را با فطرت کامل آفرید، بنابراین به تقدس و اطاعت متمایل شد. اما پس از سقوط برای اولین بار، او دیگر قدرتی برای غلبه بر وسوسه در خود نداشت. گناه اول بود

به عنوان شروع اعتیاد به خاطر او ماهیتش دگرگون شد و برده علایقش شد. و این طبیعتی بود که از طریق وراثت ژنتیکی به تمام فرزندان خود منتقل شد. پولس در مورد آن صحبت می کند: "من جسمانی هستم، به گناه فروخته شده ام... کسانی که بر اساس جسم هستند به چیزهای بدن فکر می کنند ... ذهن جسمانی دشمنی با خدا است، زیرا تابع قانون نیست. خدا، به راستی، نمی تواند باشد." روم. 7. 8:5; 14:7 از آنجایی که همه انسانها از نسل آدم و حوا هستند، همه آنها با این تمایل متولد می شوند. و همه با هدایت آن، گناه کردند و محکومیت مرگ را بر خود آوردند «زیرا مزد گناه مرگ است» (روم).

(23:6 پولس این حقیقت را در جای دیگری با این جمله بیان کرد: «همه در می میرند

آدم» 1 قرن. 15:22

در این مرحله، تأکید بر این نکته مهم است که کتاب مقدس به وضوح بیان می کند که دلیل مردن انسان ها به این دلیل است که «همه گناه کردند». گناه یک عمل نافرمانی از خداست، نه ذات انسان. همانطور که یولیسی توضیح می دهد، "ذهن جسمانی دشمنی با خدا است، زیرا تابع شریعت خدا نیست" روم. 7. 8:8 اما به خودی خود گناه نیست. "گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 4: 3 ذاتاً ما تمایل به ارتکاب تخلف داریم، اما این به خودی خود باعث گناه نمی شود، بنابراین طبق کتاب مقدس چیزی به نام "گناه اصلی" وجود ندارد. هر گناهی همیشه هست و خواهد بود. یک عمل نافرمانی از ده فرمان باشد، چه در درون، چه در فکر، چه در فرورفتگی های ذهن، و چه در اعمال ظاهری ظاهر شود. آنچه ما را می کشد طبیعت ما نیست، بلکه اعمالی است که با هدایت آن انجام می دهیم.

ما "بر اساس اعمال خود" (مکاشفه 12:20 قضاوت خواهیم شد، نه بر اساس طبیعت خود. هنگامی که عیسی انسانها را زنده می کند، در زمان تعیین شده "کسانی که نیکی کرده اند به رستخیز حیات خواهند آمد و کسانی که بد کرده اند به رستخیز لعنت" یوحنا 5:29. 5:29 مرگ مزد گناه است، نه مزد گناه. طبیعت گناهکار است. به همین دلیل عیسی آمد تا ما را از نافرمانی نجات دهد تا ما را به اطاعت هدایت کند، او نیامد تا ما را از طبیعت ما نجات دهد، بلکه خودش در آن زندگی می کرد.

او به عنوان یک انسان «شبییه بدن گناهکار» روم. 3:8 هنگامی که روشن شد که مرگ از طریق اعمال اتفاق افتاده است، نه از طریق فطرت انسان، می توانیم مطالعه خود را از آیه بعدی ادامه دهیم:

"زیرا تا زمانی که شریعت گناه در جهان بود، اما گناه شمرده نمی شد، زیرا شریعت وجود نداشت. اما مرگ از آدم تا موسی، حتی بر کسانی که هیچ گناهی مانند گناه آدم نداشتند، حکمفرما شد، که شکل اوست. که قرار بود بیاید» روم. 5:13، 14.

"بر اساس قانون". این عبارت به واقعه تحویل شریعت ده فرمان به موسی در کوه سینا اشاره دارد. حدود 2500 سال از اولین گناه آدم تا این لحظه می گذرد.

در تمام این دوره، مردان قانون خدا را در تاریخ ثبت نکرده بودند

به صورت مکتوب. اما این بدان معنا نیست که آنها او را نمی شناختند. خداوند گفت که ابراهیم، جد موسی، "صدای من را اطاعت کرد و احکام، احکام، فرایض و شریعت من را نگاه داشت." پیدایش 26:5 آگاهی از احکام خدا بود.

حفظ و به صورت شفاهی منتقل می شود.

رسول در ادامه استدلال می کند که "گناه به حساب نمی آید، زیرا شریعت وجود ندارد". از آنجایی که احکام توسط سنت شفاهی آموزش داده می شد، آنها را فقط افرادی می توانستند یاد بگیرند که به کسانی که آنها را می شناختند دسترسی داشتند. کتاب مقدس تعلیم می دهد که، قبل از طوفان، مردانی مانند شیث و بعداً نوح به طور ویژه توسط خدا فراخوانده شدند تا دانش اراده او را دریافت کرده و به مردم منتقل کنند (پیدایش 18-13:6؛ 26:4 پس از طوفان، ابراهیم همان وظیفه را به عهده گرفت که آن را به فرزندان خود منتقل کند تا آنها نیز به نوبه خود آن را بین سایر ساکنان زمین توزیع کنند. به این ترتیب این کلمات محقق می شود: "تو یک برکت خواهی بود... در تو همه خانواده های زمین برکت خواهند داشت" ژنرال. 3. 12:2 بنابراین، در آن زمان، آگاهی از احکام خدا محدود به دایره نفوذ ابراهیم و فرزندان او بود.

در مورد سایر ساکنان زمین، اگرچه همه آنها با شهود درست و نادرست آغشته بودند، اما از طریق لمس روح مسیح بر وجدان خود، آنها به دانش رسمی از اراده خدا دسترسی نداشتند. بنابراین نمی توان آنها را به اندازه آدم مجرم دانست. این دومی هنگام انجام عمل از آگاهی کامل برخوردار بود، همانطور که خود خداوند در مورد اراده خود به او دستور داده بود. در مورد آنها اینطور نیست. "آنها مانند گناه آدم مرتکب گناه نشده بودند." با این حال، هنوز نمی توان آنها را کاملاً بیگناه تلقی کرد، زیرا خدا تصویری از خطاهای آنها به آنها داده است، "همراه با وجدان و افکارشان شهادت می دهند، یا آنها را متهم می کنند، یا دفاع از آنها» (رومیان 2:15).

پس انصافاً مرگ بر اثر تجاوزاتشان به سراغشان آمد. به قول رومیان: «مرگ از آدم تا موسی سلطنت کرد، حتی بر کسانی که مانند گناه آدم گناه نکرده بودند».

کسی که قرار بود بیاید مسیح است که خدا وعده داده او را به عنوان نجات دهنده جهان به زمین بفرستد. در این مرحله پولس آدم را به عنوان نماینده مسیح معرفی می کند. ، خواننده را برای درک استدلالی که قرار است آماده کند

معرفی کنید.

"اما هدیه رایگان مانند گناه نیست. زیرا اگر بسیاری به جرم یکی مردند، فیض خدا و عطای فیض که از یک انسان، عیسی مسیح است، برای بسیاری زیاد شد." روم 5: 15

در مقابل، رسول مقایسه ای بین آدم و مسیح انجام می دهد. این فایده‌ای را که مسیح به همه بشریت بخشید، در مقابل شرارت‌هایی که آدم از طریق گناهش به عنوان میراث به او واگذار کرد، برجسته خواهد کرد. به نسبت شرارت‌هایی که بشریت از طریق گناه آدم به ارث برده است، برکاتی است که از طریق رحمت و محبت پدر و پسر دریافت کرده است.

«به جرم یک مرد»، آدم، «بسیاری مردند»، یعنی همه فرزندان او طبیعت گناه آلود را به ارث بردند. بر او غلبه کردند و مرتکب گناه شدند و مردند. اما خدا «گناهان» یعنی گناهان «همه ما» را بر عیسی گذاشت (اشعیا 6:35). مسیح برای همه مرد (2) قرن.

(14:5) زندگی او توسط پدر به عنوان یک هدیه، هدیه ای به تمام بشریت داده شد. "مزد گناه مرگ است" (روم، 6:23) این مسیح برای همه پرداخت تا هیچ کس نیازی به پرداخت هزینه خود نداشته باشد. توسط یک مرد نیز - خداوند ما عیسی مسیح، فیض بر همه نازل شد.

حقیقت توضیح داده شده در پاراگراف قبل از آیه روم بر اساس تحلیل عبارات به کار رفته استخراج شده است. پولس اظهار می دارد که فیض خدا «بر بسیاری زیاد شد». توجه داشته باشید که کتاب مقدس از اصطلاح بسیاری برای اشاره به گناهکاران و بهره‌مندان از فیض خدا استفاده می‌کند. می‌گوید: «بسیار مردند...» و بعد از آن فیض «بر بسیاری زیاد شد». از آنچه فهمیدیم، در هر دو مورد، به یک گروه اشاره دارد. اما پولس در آیه قبل (14) بیان می کند که همه گناه کرده اند. بنابراین تعبیر «بسیاری مردند» در آیه 15 به همه انسانها اشاره دارد، بنابراین «بسیار» بهره‌مند از فیض خدا همه انسانها هستند. همه کسانی که روی زمین زندگی کرده اند، زندگی می کنند و زندگی خواهند کرد. فیض خدا بر ما و بر همه انسانها، در تمام نسلها، از طریق قربانی مسیح که بخشش را برای آنها فراهم می کند، زیاد شده است.

بنابراین، «هدیه رایگان» مسیح از این جهت که گناه باعث مرگ شد، مانند گناه آدم نیست، در حالی که او زندگی ابدی به ارمغان آورد. "همانطور که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد" اول قرنتیان 15:22.

"خیلی بیشتر". این بیان نشان می دهد که خداوند بشریت گناهکار را به وضعیتی برتر از وضعیت قبل از سقوط باز می گرداند. آیه می‌گوید: «زیرا اگر به گناه یک نفر بسیاری مردند، فیض خدا بسیار بیشتر شد... بر بسیاری». کتاب مقدس درسی عینی از این اصل در داستان ایوب ارائه می دهد. او از یک مرد مرفه، یک مرد خانواده محترم و شاد، توسط شیطان به مردی بی فرزند، فقیر، بی احترام، کفر گو و غمگین تبدیل شد.

با این حال، در پایان آزمایش خود "خداوند آخرین دارایی ایوب را بیش از اولین دارایی او برکت داد" و او دو برابر آنچه داشت دریافت کرد (ایوب . 42:12) نجات یافتگان اورشلیم جدید با شکوه را به ارث خواهند برد، شهری که تماماً از طلای خالص ساخته شده است، با دوازده دروازه از مرواریدهای گول پیکر، که در هر یک از پایه های آن سنگ های قیمتی با ابعاد شگفت انگیز وجود دارد (مکاشفه 21-21، 18:21) زمین به عنوان خانه آنها، در حالی که خدا در بهشت زندگی می کرد. با این حال، در زمین بازسازی شده، نجات یافتگان در حضور بی واسطه خدا و مسیح زندگی خواهند کرد. "خدا با آنها ساکن خواهد شد"، در داخل شهر، و "در آن خواهد بود." عرش خدا و

از بره» (Apoc. 21: 3; 22:3) این دو نمونه فقط نماهای کوچکی از شکوه آینده هستند که بسیار فراتر از نمونه اول خواهند بود. پولس در رؤیا به او فکر کرد، اما اجازه نداشت هر آنچه را که می‌دانست به تفصیل به ما ارائه دهد: «من مردی را در مسیح می‌شناسم که برای چهارده سال (خواه در بدن، نمی‌دانم، چه خارج از بدن) ، نمی‌دانم ؛ خدا می‌داند) تا آسمان سوم گرفتار شد و می‌دانم که این مرد (چه در بدن باشد چه خارج از بدن، نمی‌دانم ؛ خدا می‌داند) به بهشت گرفتار شد. و سخنان ناگفتنی شنید که گفتن آن برای انسان حلال نیست.» دوم قرن‌تیان، 12:2-4

خداوند در مشیت خود مقرر کرد که امروز ما با ایمان، از طریق آنچه بر ما نازل شده است، به میراث موعود فکر کنیم. و از این مکاشفه او انتظار دارد که اعتماد کنیم که او «بیش از هر چیزی که ما بخواهیم یا فکر می‌کنیم قادر است بیش از حد انجام دهد» و همچنین «چشم ندیده، گوش نشنیده و به آسمان وارد نشده است». قلب انسان، همان چیزی است که خدا برای کسانی که او را دوست دارند آماده کرده است.» (افس. 20:3؛ اول قرن‌تیان، 2:9)

تعبیر «بسیار بیشتر» همچنین حاوی یک برکت معنوی برای زمان حال است.

آدم به صورت خدا آفریده شد. با این حال، او شخصیتی برای رشد داشت که از عادات اکتسابی شکل می‌گرفت. او با گناه خود چهره اخلاقی خدا را در خود تغییر شکل داد.

با این حال، خدا به واسطه فیض خود، از طریق مسیح، قوم خود - کلیسای خود را - به کمال اخلاقی خواهد رساند: "مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای او سپرد تا او را تقدیس کند و او را با شستن آب با کلام پاک کند. تا آن را برای خود کلیسای باشکوه، بدون لکه یا چین و چروک یا چیزهایی از این قبیل، اما مقدس و بی عیب معرفی کند.» افسسیان 5:25-27 یوحنا کلیسای روزهای آخر را دید و اعلامیه مربوط به آن را شنید: آنها بره را هر کجا که می‌رود دنبال می‌کنند... هیچ فریبکاری در دهان او یافت نشد. زیرا آنها در برابر عرش خدا بی عیب هستند.» Apoc. 14:4، 5. برای اینکه این تجربه به واقعیت تبدیل شود، قدرتی که فیض خدا به ما داده است تا ما را از گناه باز دارد، باید بیشتر از مجموع نیروهای مخالف باشد: تمایلات ما، قدرت اعتیاد، فشار جامعه و قدرت شیاطین و همینطور است، همانطور که پولس در آیات بعدی توضیح می‌دهد.

«و هدایایی مانند گناه کسی نبود که گناه کرده باشد، زیرا داوری از یک گناه، در واقع، برای محکومیت حاصل شد، اما هدیه رایگان از بسیاری از گناهان برای توجیه به دست آمد.

زیرا اگر با خطای یک نفر، مرگ به واسطه او سلطنت کرد، بسیار بیشتر کسانی که فیض فراوان و عطای عدالت را دریافت می‌کنند، به وسیله یکی، عیسی مسیح، در زندگی سلطنت خواهند کرد. زیرا همانطور که با یک جرم، داوری همه انسانها برای محکومیت نازل شد، همچنین با یک عمل عدالت فیض برای عادل ساختن زندگی بر همه انسانها نازل شد. زیرا همانطور که با نافرمانی یک نفر بسیاری گناهکار شدند، با اطاعت یک نفر نیز بسیاری عادل خواهند شد.» رومیان 19، 5:16

آدم اولین پسرش را بعد از گناه به دنیا آورد. بدین ترتیب او طبیعت گناه آلود خود را به او واگذار کرد. از آن پس، همه ذریه یک طبیعت را دریافت کردند و به دنبال تمایل خود، گناه کردند.

به این ترتیب، تعداد گناهانی که مردان مرتکب می شدند، به سرعت چند برابر می شد، زیرا فرزندان بیشتری به دنیا می آمدند و فرزندان دیگری تولید می کردند. با مقایسه ای برای نشان دادن گسترش گناه از طریق عمل آدم، می توان گفت که او «به بالای کوه رفت و بالش پر را گشود. و سپس از کوه پراکنده شدند و در جایی که استراحت می کردند نفرین می کردند. و مسیح همه مجازات ها را دوباره جمع کرد و نفرین را از همه جاهایی که افتادند حذف کرد.» عمل مسیح برعکس عمل آدم بود. عمل آدم باعث ایجاد گناهانی شد که در نتیجه قضاوت و محکومیت خدا را به همراه داشت. یا به قول مسیحیان آیه: "قضاوت از یک گناه ... به محکومیت رسید." اما قربانی مسیح برای گناهان تمام جهان پرداخت . کوه» جمع آوری شدند و بر روی مسیح بر روی صلیب کالواری قرار گرفتند. «خدا در مسیح جهان را با خود آشتی داد، نه اینکه گناهان آنها را به آنها نسبت داد» دوم قرنتیان 5:19 به این ترتیب، هیچ کس لازم نیست تقصیر اشتباهات خود را به گردن وجدان خود بیاندازد. ما در دنیای گناه متولد شدیم و طبیعت خود بر ما چیره شد، به طوری که گناه می کنیم. با این حال، هنوز باید به یاد داشته باشیم که مسیح برای ما مرد و تاوان گناهان ما را پرداخت تا بتوانیم عادل شویم. «کسی که به او ایمان آورد محکوم نیست»

یوحنا 17:3: بیایید با ایمان خود را تسلیم او کنیم و نجات خواهیم یافت.

از مطالب فوق نیز فهمیده می شود که هیچ طبقه ای از افراد مستثنی از لطف خداوند وجود ندارد. همه با خون مسیح خریداری شده اند و به طور مساوی برای نجات در مسیح عیسی انتخاب شده اند. "خدا پسر خود را به جهان فرستاد نه برای محکوم کردن جهان، بلکه تا جهان به وسیله او نجات یابد." یوحنا 3: 17 "مسیح" نجات دهنده جهان " یوحنا 4:42 است. بنابراین، انجیل مسیح باید به همه ساکنان روی زمین، به «هر قوم، قبیله، زبان و قوم» اعلام شود، مکاشفه 14:6

در آیه بعدی (17) پولس به توسعه این استدلال ادامه می دهد که مسیح تمام لعنتی را که گناه آدم بر انسان وارد کرد، از روی زمین جمع کرد، و این مفهوم را اضافه کرد که رستگاری ما را به وضعیت حتی با شکوه تر از حالت اصلی می برد: "زیرا اگر با گناه یک مرد، مرگ به واسطه او حکمفرما شد، بسیار بیشتر کسانی که فیض فراوان و عطای عدالت را دریافت می کنند، به وسیله یکی، عیسی مسیح، در زندگی سلطنت خواهند کرد." همانطور که قبلاً در پاراگراف های قبل این مفهوم را توضیح دادیم ، به آیه بعدی می رویم:

"زیرا همانگونه که با یک گناه دآوری بر همه انسانها برای محکومیت نازل شد، با یک عمل عدالت نیز فیض برای عادل ساختن زندگی بر همه انسانها نازل شد." در اینجا پولس چشم ایمان خوانندگان را به قربانی مسیح معطوف می کند. مسیح در زمانی که روی زمین بود کارهای نیک بسیاری انجام داد؛ اما به ویژه از طریق آخرین کار او بود که ما نجات یافتیم. آخرین «عمل عدالت» زندگی او این بود که آن را برای ما تسلیم کرد و گناهان ما را تحمل کرد.

او گفت: «تمام شد» یوحنا 19:30 حکم قانون پرداخت شده و مردان می توانند آزاد شوند. زندگی مبارزه و پیروزی کامل بر گناه تکمیل شد و به عنوان جایگزینی برای زندگی گناه همه انسانها توسط پدر آسمانی پذیرفته شد. بنابراین، هر کسی که به مسیح ایمان دارد، امروز می تواند اعلام کند: "جان من در خدای خود شاد خواهد شد، زیرا جامه نجات را به من پوشانده است، لباس عدالت را بر من پوشانده است." اشعیا 61:10 زندگی کامل مسیح جامه عدالت است که ما را می پوشاند و با ایمان به او ما را خدا به گونه ای می بیند که گویی هرگز گناه نکرده ایم.

علاوه بر این، مسیح از طریق ایمان ما، روح القدس را که از پدر دریافت کرده است به ما عطا می کند و به این ترتیب، او زندگی روحانی خود را به عنوان قدرتی برای غلبه بر گناه و اطاعت از ده فرمان به ما می بخشد. بنابراین بخشش یا توجیهی که به ما داده شده محدود به کار خدا نیست که جایگزین گذشته ما شود. بلکه شامل تغییر قلب ما نیز می شود و در ما کار می کند «هم به خواست و هم برای انجام مطابق رضای او» فیلی. 2:13.

بنابراین، "همانطور که از طریق نافرمانی یک انسان" - آدم - "بسیاری گناهکار شدند، بنابراین از طریق اطاعت یک نفر" - مسیح - "بسیاری عادل خواهند شد". همانطور که در نتیجه عمل آدم، بسیاری از مردم از طریق تقدیم مسیح بر روی صلیب، بسیاری از آنها - همه کسانی که به مسیح ایمان دارند - گناهکار شدند، از ده فرمان اطاعت خواهند کرد و به این ترتیب است که خداوند به وعده عهد خود در زندگی کسانی که ایمان داشته باشید: "قوانین خود را در دل آنها خواهم گذاشت و آنها را در ذهن آنها خواهم نوشت ... و دیگر گناهان آنها را به خاطر نمی آورم" عب. 17، 16:10.

"اما شریعت آمد تا گناه زیاد شود، اما هر جا گناه زیاد شد، فیض بیش از پیش زیاد شد، تا همانطور که گناه در مرگ سلطنت کرد، فیض نیز از طریق عدالت تا حیات جاودانی به واسطه سرور ما عیسی مسیح." روم 21، 20:5.

قبلاً دیدیم که تا زمان تحویل شریعت به موسی در سینا، هیچ سابقه ای از ده فرمان خدا وجود نداشت و آگاهی از اراده او محدود به شعاع تأثیر کسانی بود که تصمیم گرفتند با او راه بروند. دستورات را از او دریافت کرد. دادن ده فرمان این وضعیت را تغییر داد. آنها در صفحات کتابهای مکتوب موسی - خروج و سفر تثنیه (نگاه کنید به خروج 17-20:3 و تثنیه 21-5:6) ثبت شده است. از آن زمان، آنها به تدریج شناخته شدند، ابتدا با تعلیم شریعت که توسط کاهنان و لویان در محدوده اسرائیل اجرا می شد (مل. 7: 2 را ببینید) و بعداً توسط خود قوم اسرائیل، به ملتها. که به آن مهاجرت کردند یا به اسارت درآمدند. همانطور که دانش رسمی از قانون به دست مردان رسید، آنها دیگر نمی توانستند ادعای نادانی کنند. توسط آنها نافرمانی او مورد تأکید قرار گرفت و به وضوح آشکار شد. این معنای عبارت «اما شریعت آمد تا جرم زیاد شود.» اصطلاح «فراوانی» که در اینجا به کار می رود به این معنا نیست که عمل گناه از طریق آگاهی از شریعت بزرگتر می شود. کسی که یک گوشی را دزدیده گناهی ندارد که دو گوشی را دزدیده است

برای کشف فرمان اما به خاطر علمش وجدانش بیدار می شود و به گناه خود با وضوح بیشتری پی می برد.

به همین معنا، اما در جهت مخالف، تجربه انسان از فیض خداوند است. اگر از یک سو، آگاهی از شریعت، شر وحشتناک گناهان مرتکب را آشکار کند، تفکر مسیح که جان خود را می بخشد و آنها را بر خود می گیرد، عشقی برتر را نشان می دهد که تمام شرارت گناه نتوانست بر آن غلبه کند. مسیح در قلب خود همه گناهان انسان را جذب کرد و در عین حال عشق و بخشش فراوان را به همه مجرمان عرضه کرد. می توان گفت که از صخره زخمی منبعی از آب فراوان نجات برای همه ما سرچشمه گرفت.

بنابراین، «هرجا گناه زیاد شد، فیض بیش از پیش زیاد شد». «محبت خدا در مسیح عیسی است» و «مهربانی خدا» ما را به توبه می برد (رومیان 8:39؛ 2:4).

بیایید کمی بیشتر در مورد این واقعیت تأمل کنیم: "آنجا که گناه زیاد شد، فیض بیشتر شد". گناه فراوان شد به این معنا که در سراسر زمین تکثیر شد و شر را در همه جا گسترش داد. سپس مسیح تمام گناهان و شرارت آنها را گرفت و آنها را بر روی صلیب بر خود گرفت.

می توان انتظار داشت که او در برابر تمام شرارت هایی که دریافت کرده بود، با تهدید به انتقام، واکنشی مشابه با سایر مردان نشان دهد. اما، برعکس، او "دهان خود را باز نکرد، همانطور که بره را به ذبح بردند، و مانند گوسفندی که در برابر قیچیاننش خاموش است، دهان خود را باز نکرد" اشعیا 53:7 بلکه او دعا کرد: پدر، آنها را ببخش، زیرا نمی دانند چه می کنند.

لوک 23:54 گسترده و بدخیم بودن گناه موجب حیرت و تحسین بسیاری شد. اما عشق مسیح، آنقدر عمیق که در برابر آن همه شری که او دریافت کرد، کوچکترین تغییری نکرد، بلکه او را به شفاعت برای متخلفان سوق داد، باعث تحسین بی نهایت بیشتر شد. برنده همیشه بیشتر از بازنده تحسین می شود. او همیشه به یاد می ماند، در حالی که بازنده فراموش می شود. گناه به زودی وجود نخواهد داشت. اما «به نام عیسی هر زانو در آسمان و زمین و زیر زمین خم خواهد شد» فیلی. 2:10.

در جایی که گناه زیاد شد، یا بر آن تأکید شد، فیض در عشق مسیح آشکار شد، که بر آن غلبه کرد، بر آن غلبه کرد. بی نهایت تأکید بیشتری شد. او به عنوان فاتح بزرگ گناه، در یک پیروزی کامل - گسترده، کامل، باشکوه دیده می شد، تا جایی که مسیح از تمام شری که او را احاطه کرده بود، کاملاً بی آرایش بیرون آمد.

وقتی به این فیض باشکوه و قدرتمند فکر می کنیم، میل به زندگی جدید در ما بیدار می شود و علائق ما را جذب می کند. زندگی معنوی جدیدی در قلب ما می جوشد.

افکار جدید، انگیزه های جدید، با ایمان به مسیح، برای غلبه بر وسوسه ها برای قدرت دعا می کنیم و به تدریج بر آنها غلبه می کنیم. سپس در زندگی خود آنچه را که پولس در پایان آیه ذکر کرد در می یابیم: «همانطور که گناه در مرگ سلطنت کرد، فیض نیز از طریق عدالت سلطنت خواهد کرد». همانطور که قبل از اینکه با مسیح باشیم، «ما در امیال بدن خود راه می رفتیم و خواسته های جسم و ذهن را انجام می دادیم»، در نظر خدا «در گناهان و گناهان مرده بودیم» (افس. 1، 2:3) اکنون ما "در تازگی زندگی" رام قدم می زنیم. 6:4" پس اگر کسی

او در مسیح است، او یک مخلوق جدید است. چیزهای قدیمی از بین رفته اند؛ اینک همه چیز جدید شده است.» دوم قرنتیان 5:17.
می توان گفت که ما مردمی جدید هستیم، یا به زبان کتاب مقدس، لباس «انسان جدیدی که به گفته خدا در عدالت و قدوسیت واقعی آفریده شده است» به افسسیان پوشیده شده ایم. 4:24.

زندگی جدید ما با قدرت خدا ایجاد و حفظ می شود، زیرا فیض او را در عشق و فداکاری مسیح می بینیم. «هنگامی که مهربانی و محبت خدا نجات دهنده ما نسبت به مردم ظاهر شد، نه به واسطه اعمال صالحی که انجام داده بودیم، بلکه بر حسب رحمت خود، ما را با شستشوی تجدید حیات و تجدید روح القدس که به وفور بیرون ریخت، نجات داد. به وسیله نجات دهنده ما عیسی مسیح بر ماست، تا به واسطه فیض او عادل شمرده شویم و برحسب امید به زندگی جاودانی وارث شویم.» تیطوس 3-7:3 با تأمل در عشق او که در قربانی مسیح بیان شده است، مراقبت از خود را واگذار می کنیم. آنگاه فیض خدا از طریق عدالت مسیح برای اطاعت از احکام او و در نهایت زندگی ابدی در زندگی ما حاکم می شود.

رومیان 6

"پس چه بگوییم؟ آیا در گناه ادامه دهیم تا فیض فراوان شود؟ نه اصلا.
ما که برای گناه مرده ایم، چگونه باید در آن زندگی کنیم؟ یا نمی دانید که همه ما که در عیسی مسیح تعمید یافتیم در مرگ او تعمید یافتیم؟ پس با تعمید در مرگ با او دفن شدیم. تا همانطور که مسیح به وسیله جلال پدر از مردگان برخیزید، ما نیز در زندگی تازه قدم برداریم. رام 4-6:1

در فصل 5 دیدیم که به تناسبی که گناه گسترش یافت یا "افزایش یافت" و باعث حیرت شد، فیض خدا و مسیح بر آن غلبه کرد و بر آن غلبه کرد و تحسین بیشتری را برانگیخت. پس از این استدلال، پولس سؤالی را مطرح می کند که پاسخ آن ضمنی است: "آیا در گناه ادامه دهیم تا فیض فراوان شود؟" به عبارت دیگر، از آنجایی که گناه بزرگتر بود، فیضی که آن را فدیة کرد قویتر و باشکوهتر شد، بیایید خودمان در افزایش گناه سهیم باشیم، تا فیض بخشش آشکار شود، حتی شکوهمندتر؟ خیر، زیرا با هدف تعالی تجلی نکرده است. او آنجا بود تا گناه را از بین ببرد. "می دانید که او ظاهر شد تا گناهان ما را بردارد." اول یوحنا 3:5

مثالی که موضوع را نشان می دهد. وضعیتی را در نظر بگیرید که در آن افراد زیادی در پارکی واقع در مرکز شهر قدم می زنند که رودخانه ای با جریان قوی از وسط آن می گذرد. ناگهان کودکی به داخل رودخانه می افتد و به سرعت توسط آب می برد. جمعیت وقتی می بینند که پدر در کنار ساحل دوید، خود را در آب های خروشان انداخت، به سمت کودک شنا کرد، او را بلند کرد و به ساحل آورد و جانش را نجات داد. سپس جمعیتی که صحنه را تماشا می کردند، تحت تأثیر عشق و شجاعت پدر در به خطر انداختن سریع جان خود برای نجات کودک، در میان خنده و اشک کف زدند. در این داستان پدر تنها با هدف نجات پسرش خود را به رودخانه انداخت. او حتی به "نشان دادن شجاعت خود" فکر نمی کرد. اما عمل او در نهایت نشان دهنده نجابت شخصیت او بود که مورد تأمل و تشخیص همه قرار گرفت.

در مورد خدا هم همین اتفاق افتاد. قربانی صلیب برای هدف اصلی نشان دادن خوبی او طراحی نشده بود. اگر چنین است، این یک انگیزه خودخواهانه خواهد بود. اما خدا عشق است. و عشق "به دنبال منافع خود نیست" اول قرنیتان 5: 13 در برنامه نجات، خدا به عنوان یک پدر عمل کرد و تنها به نفع نجات فرزندان انسانی خود بود. «جهان را چنان دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد. زیرا خدا پسر خود را به جهان فرستاد... تا جهان به واسطه او نجات یابد.» یوحنا 17: 16، 13 این عمل پدر و پسر محبت و فیض او را به گونه ای که پنهان نمی ماند بر همگان آشکار کرد. در نتیجه، ما جذب عشق هر دو می شویم. در این باره، خدا به ارمیا گفت: "تو را با عشقی جاودانی دوست داشتم، پس با مهربانی تو را جذب کردم." ارمیا 3: 31 و مسیح گفت: "و من وقتی از زمین بلند شوم، خواهم کرد. همه مردم را به سوی من بکش" یوحنا 12: 32

بنابراین، در زمان قربانی شدن صلیب، علاقه خدا به ما معطوف بود، نه به خود او، او به دنبال منفعت ما بود - نه بهبود آبروی خود. اما او می دانست که سرانجام با فداکاری خود برای نجات انسان، خود را به همه مخلوقاتش می شناساند. و این دانش عدالت حکومت او را نشان می دهد و موجب وفاداری بیشتر همگان می شود و در نتیجه ثبات کامل و همیشگی آن در سراسر جهان است. بنابراین، هنگامی که او آمدن مسیح را نزد اشعیا اعلام کرد، اعلام کرد: «حکومت بر دوش اوست» عیسی. 9: 6

مسیح که برای نجات انسان عمل می کند، حکومت خدا را توجیه می کند.

پس از بیان این ملاحظات، اجازه دهید به تأمل خود در مورد رومیان 6 بازگردیم. از آنجا که هدف خدا از قربانی صلیب حذف گناه بود، نتیجه قدردانی از پیشکش او این نخواهد بود که ما به گناه ادامه دهیم. برعکس - به لطف خدا ما را به ترک گناه هدایت می کند. تأمل در عشق فداکارانه مسیح و تسلیم کامل او در برابر احکام پدر، ما را به وضعیتی معادل مرگ برای زندگی قدیمی سوق می دهد. در مواجهه با عظمت معرفت مسیح، دنیا و گناه جذابیت خود را از دست می دهند. ما آنها را دیگر نمی خواهیم. در عوض، ما می خواهیم از نجات دهنده خود پیروی کنیم. و به همین دلیل است که ما تعمیم می گیریم و رد پای او را دنبال می کنیم. عیسی در آغاز خدمت خود تعمیم یافت (متی. 16: 3) او نه

لازم بود، اما او این کار را انجام داد تا «تمام عدالت را برآورده کند» (متی 3:15 و بعداً اضافه کرد: "زیرا برای شما مثالی زدم تا همانطور که با شما کردم، شما نیز چنین کنید." یوحنا 13:15)

پولس معنای تعمید را اینگونه توضیح می دهد: «یا نمی دانید که بسیاری از ما که در عیسی مسیح تعمید یافتیم در مرگ او تعمید یافتیم؟ با جلال پدر از مردگان برخیزید، پس ما نیز در زندگی تازه قدم می‌زنیم.» مسیح با حمل گناهان جهان مرد. .

15:21 اما او بدون گناه زنده شد، و "برای بار دوم، بدون گناه، برای کسانی که در انتظار او برای نجات هستند ظاهر خواهد شد" عبرانیان 9:28 در مورد ما نیز چنین است. هنگامی که تعمید می گیریم، شهادت می دهیم که در قلب ما، گناه و جذابیت آن مردند. ما در شباهت مسیح، نه در قبر که او بود، بلکه در آب دفن می شویم، زیرا غسل تعمید نمادی است که ما تجربه او را زندگی می کنیم و همانطور که مسیح در قبر دفن شد پست ترین نقاط زمین

افه 4:9 وقتی تعمید می گیریم، با بدن کامل در آب غوطه‌ور می شویم. و ما مانند رستاخیز مسیح بدون گناه از آب برمی خیزیم. مسیح با جلال پدر زنده شد و ما وقتی از آب تعمید برخاستیم، قدرت الهی را که در زندگی ما عمل می کند، که «فضیلت رستاخیز او» است، می شناسیم. 3:10 این قدرت روح القدس است که توسط مسیح به ایمانداران داده شده است. در این رابطه نوشته شده است: "توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید دهید، و عطای روح القدس را خواهید یافت" اعمال رسولان 2:38. همان قدرتی که خدا برای زنده کردن مسیح از مردگان برای زنده کردن ما از زندگی قبلی مرگ در گناهان و گناهان به زندگی جدید و روحانی در اطاعت از ده فرمان استفاده می شود. زیرا "فرمان او زندگی جاودانی است."

یوحنا 12:50

«زیرا اگر ما با او به صورت مرگ او کاشته شده ایم، به مثابه رستاخیز او نیز کاشته خواهیم شد، زیرا بدانیم که پیر ما با او مصلوب شد تا بدن گناه انجام شود. تا دیگر برای گناه خدمت نکنیم، زیرا مرده از گناه عادل شمرده می شود.» رومیان 6:5-7

عیسی به ما می گوید: "از من پیروی کنید". متی 8:22 تجربه او این بود: با گناهان مرد (آنها را بر خود گرفت) و بدون گناه دوباره برخاست. پطرس اظهار داشت که او "گناهان ما را در بدن خود بر درخت" صلیب حمل کرد (اول پطرس 2:24). بنابراین، می توان گفت که او به عنوان بدترین گناهکاران درگذشت. این امر قبلاً در زمان موسی نشان داده شده بود، هنگامی که خدا به او دستور داد مار برنزی را به درخت آویزان کند. معمولاً در کتاب مقدس به عنوان نماد شیطان، مبدع گناه استفاده می شد. اما در آن لحظه

نماینده مسیح، حامل گناهای بود که شیطان انسانها را به انجام آنها سوق داد. عیسی معنای نماد را در این کلمات تأیید کرد: "همانطور که موسی ما را در بیابان بلند کرد، پسر انسان نیز باید بلند شود." یوحنا 3:14 ما به شکل مسیح تعمید می گیریم. ما پر بودیم از گناهان (کولس 2:13)؛ سپس ما به طور نمادین برای آنها مرده بودیم و دفن شدیم - که با غوطه ور شدن در آب در هنگام غسل تعمید نشان داده می شود.

پولس این را با این کلمات اعلام می کند: "خود قدیمی ما با او مصلوب شد."

محکومیت گناه مرگ است (رومیان 6:23) اگر با ایمان واقعی به مسیح به عنوان نجات دهنده خود تسلیم غسل تعمید در آب شویم، از طریق این مراسم، مرگ او را از طرف خود به خود اختصاص می دهیم. بدهی ما در بهشت پرداخت می شود. محکومیت ما را برای ما گرفت و ما آزاد شدیم. اما ما این تجربه را تنها زمانی تجربه می کنیم که تصمیم بگیریم راه گناه خود - زندگی قدیمی - را رها کنیم. موضوع این نیست که آیا خودمان را دارای قدرتی برای غلبه بر وسوسه هایی که مطمئناً بر سر ما خواهند آمد نمی بینیم، بلکه به تصمیم خودمان مربوط می شود. این را فقط ما می توانیم بگیریم. اظهار ایمان بدون تصمیم برای تغییر زندگی ما هیچ فایده ای ندارد. ما نیاز داریم که با مسیح به شکل مرگ او کاشته شویم. او به خاطر گناهایی که متحمل شده بود به طور قطعی مرد و دوباره برخاست تا دیگر آنها را تحمل نکند. و اگر ما «با او به مثابه مرگ او کاشته شدیم، به مثابه قیامت او نیز کاشته می شویم». مرگ عیسی مال ماست، جان ما را گرفت و ما دیگر مدیون شریعت نیستیم. «کسی که مرده از گناه عادل شمرده شده است.»

تعبیری که پولس در این آیات به کار می برد، که معمولاً درک آن دشوارتر است، این است که «بدن گناه از بین برود». اکنون آن را در نظر بگیریم. رسول با تعمید سر و کار دارد. سپس بیان می کند که به واسطه او «جسد گناه» «لغو» می شود، Undone یعنی از بین رفته، برچیده می شود، حال وقتی انسان غسل تعمید می گیرد، بدن جسمانی او از بین نمی رود و از بین نمی رود. مفهومی نمادین دارد نه تحت اللفظی، وقتی وضعیت قبلی کاندیدای غسل تعمید را در نظر بگیریم، می توانیم آن را درک کنیم، او گناهکار بود، ارتکاب گناه یک عادت در زندگی او بود. پولس این شخصیت را "بدن گناه" می نامد. این شخصیت تا لحظه تسلیم شدن به مسیح در حال ساخت و رشد بود. سپس تغییری رخ داد. عادات بد توسط قدرت منجی، و زندگی جدیدی آغاز می شود. عادات جدید اطاعت شکل می گیرد. شخصیت توسط عادات پرورش یافته شکل می گیرد و شکل می گیرد. بنابراین، در طول زندگی جدید مسیحی، پس از غسل تعمید، آن مدل شخصیتی که قبلاً شکل گرفته بود به تدریج از هم می پاشید. سخنان پولس، "بدن گناه از بین رفته است." از طریق عادات خوب جدید ساخته شده، شخصیت شبیه شخصیت مسیح می شود.

نماد دیگر - این نماد بسیار مهم - که پولس در آیات به آن پرداخته است رومیان، بالا، این است که بالا آمدن آب غسل تعمید نشان دهنده تجربه است

رستاخیز فقط خدا می تواند مردگان را زنده کند. او قدرت خود را با قیام مسیح به کار برد. کسی که با ایمان به خداوند عیسی تعمید می یابد، این اطمینان را دریافت می کند که خدا او را تا یک زندگی جدید اطاعتی بالا خواهد برد: "زیرا اگر ما با او به شکل مرگ او کاشته شدیم، ما نیز شبیه آن خواهیم بود. از رستاخیز او." بنابراین، او دیگر به گناه خدمت نخواهد کرد.

پولس به ارائه این تجربه در آیات بعدی ادامه می دهد:

«اکنون اگر با مسیح مرده ایم، ایمان داریم که با او نیز زندگی خواهیم کرد؛ زیرا می دانیم که مسیح پس از برخاستن از مردگان، دیگر نمی میرد؛ مرگ دیگر بر او تسلط ندارد.

زیرا که او مرده است، فوراً برای گناه مرد. اما در مورد زندگی، برای زندگی کنید

خدا» روم. 6:8-10

کلمات فوق، بزرگی قدرت خداوند را که در زندگی مؤمن عمل می کند، توصیف می کند.

عیسی پس از زنده شدن، دیگر هرگز تحت کنترل مرگ قرار نگرفت. او کاملاً و برای همیشه از گناه آزاد بود. این نیز زندگی مؤمن است. خداوند با چنان قدرتی در او کار می کند که او را کاملاً از نافرمانی رها می کند. به عبارت دیگر، خداوند او را کاملاً مطیع هر وظیفه شناخته شده، از هر نوری که از احکام دریافت کرده است قرار می دهد. و به همان نسبت که علم شریعت او افزایش یابد، آن را اطاعت بیشتر می کند. پیروزی یک بار و برای همیشه بر گناه - این تجربه مؤمن است. اما برای حفظ آن شرایطی وجود دارد. اینها در آیات زیر ارائه شده است:

"به همین ترتیب، خود را برای گناه مرده بدانید، اما برای خدا در خداوند ما مسیح عیسی، زنده بدانید. نگذارید گناه در بدن فانی شما سلطنت کند تا در شهواتش از آن اطاعت کنید، و اعضای خود را به گناه معرفی نکنید. ابزار گناه: اما خود را به عنوان زنده از مردگان به خدا و اعضای خود را به عنوان ابزار عدالت به خدا معرفی کنید. زیرا گناه بر شما مسلط نخواهد شد، زیرا شما تحت شریعت نیستید، بلکه تحت فیض هستید. چرا؟ گناه کنید زیرا ما تحت شریعت نیستیم، بلکه تحت فیض هستیم؟ اما خدا را شکر که چون بنده گناه بودید، از صمیم قلب از آموزه ای که به آن تسلیم شده بودید اطاعت کردید." رومیان. 6:11-17

پولس در این گزیده اعمالی را ارائه می‌کند که در زندگی مسیحی کلیدی هستند: «در نظر بگیرید»، «حاضر باشید»، «از قلب اطاعت کنید». همه آنها به انتخاب شخصی ما مرتبط هستند.

این به ما بستگی دارد که تصمیم بگیریم «در نظر بگیریم که دیگر گناهی را که مرتکب می شدیم انجام نمی دهیم». «در نماز به درگاه خدا حاضر شویم و از او راهنمایی بخواهیم که اراده او چیست و قدرت اجرای آن چیست» و «کلام او را از دل اطاعت کنیم»، یعنی آن را خالصانه دریافت کنیم و اراده خود را تسلیم آن کنیم. رسول نتیجه این رویه را گزارش می دهد و به ما اطمینان می دهد که دعای ما شنیده می شود: «گناه بر شما مسلط نخواهد شد.» این وعده رهایی کامل است، مشروط به انتخاب ما. روح داده شده توسط مسیح و آزاد خواهد شد.

قابل توجه این تعبیر است: «گناه بر شما مسلط نخواهد شد، زیرا شما تحت شریعت نیستید، بلکه تحت فیض هستید.» این تضمین می کند که تجربه کسانی که در زندگی خداوند از فیض او برخوردار شده اند پیروزی بر گناه است، یعنی: اطاعت از ده فرمان. اگر کسی خود را مسیحی بخواند اما این تجربه را نبیند، خود را فریب داده و امید او به بهشت بیهوده است. یوحنا رسول این را به صراحت بیان کرد: "و بدین وسیله می دانیم که او را می شناسیم؛ اگر احکام او را حفظ کن کسی که می گوید من او را می شناسم و احکام او را نگه نمی دارم، دروغگو است و حقیقت در او نیست. اما هر که کلام او را نگه دارد، محبت خدا واقعاً در او کامل شده است. از این طریق می دانیم که در او هستیم.

کسی که می‌گوید در او می‌ماند، باید همانطور که او راه می‌رفت، رفتار کند.» اول یوحنا 3: 6-2 این نظریه که فیض خدا انسان را از رعایت شریعت معاف می کند، که به طور گسترده در جهان ادعایی مسیحیت منتشر شده است، به همان اندازه که آسمان از زمین دور است از حقیقت دور است. "فرزندان، مبادا کسی شما را فریب دهد. کسی که عدالت را انجام می دهد عادل است، همانطور که عادل است. کسی که گناه می کند از شیطان است، زیرا شیطان از ابتدا گناه می کند. به این منظور پسر خدا خود را نشان داد: کارهای شیطان را از بین بردن .

هر که از خدا زاده شود گناه نمی کند، زیرا پدر او در او باقی می ماند. و او نمی تواند گناه کند، زیرا او از خدا متولد شده است. در این، فرزندان خدا و فرزندان شیطان آشکار می شوند.

هر که نیکی نکند و برادر خود را دوست نداشته باشد از خدا نیست.» اول یوحنا 10: 7-3

«و چون از گناه رهایی یافتید، بنده عدالت شدید. من به عنوان یک مرد به دلیل ضعف بدن شما صحبت می کنم. زیرا همانطور که اعضای خود را برای خدمت به پلیدی و شرارت به جای شرارت معرفی کردید، اکنون نیز اعضای خود را برای تقدیس به خدمت عدالت معرفی کنید. زیرا زمانی که بنده گناه بودید، از عدالت آزاد بودید. و آن وقت از چیزهایی که اکنون از آن شرم دارید چه میوه ای داشتید؟ زیرا پایان آنها مرگ است. اما اکنون که از گناهان رها شده اید و بندگان خدا شده اید، میوه خود را برای تقدیس و در نهایت زندگی ابدی دارید. زیرا مزد گناه مرگ است، اما عطای خدا حیات جاودانی است بوسیله خداوند ما عیسی مسیح» روم. 6: 18-23

بنده حق بودن با بنده گناه فرق دارد. قبل از اینکه با مسیح باشیم، به عنوان برده به «پلیدی و شرارت» خدمت می کردیم. "هر کس مرتکب گناه شود، بنده گناه است) یوحنا 8:34. ما ارباب اراده خود نبودیم. اما تحت سلطه آن است. با این حال، هنگامی که روح مسیح آزاد شد و تقویت شد، بر اراده خود مسلط می شویم و می توانیم بر آن مسلط شویم. ما انتخاب می کنیم که از خدا اطاعت کنیم، حتی اگر این برخلاف تمایل طبیعی ما باشد، و به طور مؤثر قادر به انجام کارهای او هستیم. ما عدالت و اطاعت از ده فرمان را رعایت می کنیم (مزمور 119:172 و بنابراین ما در قداست در حضور

خداوند.

«وقتی بنده گناه بودید، از عدالت آزاد بودید.» این عبارت در متن استدلال معکوس را ارائه می دهد. ما معمولاً کلمه "آزاد" را به عنوان متضاد یک برده مرتبط می کنیم. اما در این مورد رسول به گونه دیگری از آن استفاده می کند. او استدلال می کند که هرکسی که برده است «از عدل آزاد است». معنای عبارت معاف بودن یا بدون آن است. هر کس گناه را خدمت کند، در خود صلاحی (اطاعت) ندارد، زیرا به آن عمل نمی کند.

در این شرایط، عاقبت شما مرگ خواهد بود، زیرا «مزد گناه مرگ است». "اما اکنون که از گناهان رها شده اید و بندگان خدا شده اید، میوه خود را برای تقدیس و در نهایت زندگی ابدی دارید. زیرا مزد گناه مرگ است، اما هدیه خدا زندگی جاودانی است، عیسی مسیح، خداوند ما."

رومیان 7

«ای برادران، آیا نمی دانید (زیرا من با کسانی که قانون را می دانند) که قانون بر مرد تا زمانی که زنده است حکومت می کند؟ به حکم شریعت؛ اما وقتی شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد است. پس اگر شوهرش زنده بماند، اگر از شوهر دیگری باشد، زن زنا خوانده می شود، اما وقتی شوهرش بمیرد، از شریعت آزاد است. شریعت و بنابراین اگر به شوهر دیگری تعلق داشته باشد زناکار نخواهد بود. پس ای برادران من، شما نیز به وسیله بدن مسیح برای شریعت مرده اید تا از آن دیگری باشید، از آن او که از او برخاسته است. مردگان، تا برای خدا ثمر دهیم.» روم 3-1: 7

پولس در اینجا استدلالی را مطرح می کند که برای کسی که قانون ده فرمان را می داند قابل درک است. به همین دلیل است که می گوید: من با کسانی که قانون را می دانند سخن می گویم. فرمان هفتم او مربوط به ازدواج است: "زنا نکنید" (خروج 20:14) در پایان مراسم عروسی، شنیدن این جمله رایج بود: «شما را زن و شوهر می گویم تا زمانی که مرگ شما را از هم جدا کند». در این جمله داریم

نیت خدا را با فرمان بیان می کند. به استثنای زنا، هیچ چیز نباید نذر را فسخ کند.

می توان گفت که قانون، داماد و عروس را تا زمانی که هر دو زنده هستند، با عهد وفاداری «مبند» می کند. از متن: «زنی که تا زمانی که شوهر تابع اوست، قانوناً به او ملزم است؛ اما وقتی شوهرش بمیرد از شریعت شوهرش آزاد است. پس اگر شوهرش زنده باشد، اگر از شوهر دیگری باشد، زناکار خوانده می شود؛ اما وقتی شوهرش بمیرد، از شریعت آزاد است و بنابراین اگر به شوهر دیگری تعلق داشته باشد، زناکار نخواهد بود.» همین امر در مورد زندگی معنوی ما نیز صدق می کند. برادران پولس و ما مؤمنان به قانون ازدواج با یک شوهر ملزم بودیم که تا آیه 3 ذکر نشده بود.

علاوه بر این، این شوهر گوشت یا «خودخواهی» ما است که ما را به گناه واداشت

خداوند. این را بعداً خواهیم دید.

از آنجایی که ازدواج تنها زمانی منحل می شود که یکی از زوجین بمیرد، ما مجبور شدیم بمیریم تا این اولین پیوند را بشکنیم و پیوند جدیدی تشکیل دهیم. "زیرا آن که مرده است از گناه عادل شمرده می شود" (روم. 7: 6)

«پس ای برادران من، شما نیز به وسیله بدن مسیح برای شریعت مرده اید تا باشید از سوی دیگر، از جانب او که از مردگان برخاسته بود تا ما برای خدا میوه بیاوریم.» روم.

7:4

ما شوهر دیگری می شویم، "از جانب او که از مردگان برخاست" - عیسی مسیح. در آیه بعدی، پولس آشکار می کند که اولین شوهرش چه کسی بوده است، و جزئیات آنچه را که می خواهد توضیح دهد توضیح می دهد:

«زیرا زمانی که ما در جسم بودیم، احساسات گناه که از طریق شریعت است، در اعضای ما تأثیر می گذاشت تا ثمره مرگ را به بار آورد.» رام 7:5

شوهر سابق "گوشت" بود. به بازوها، شکم و پاهای خود نگاه کنید: آنها از گوشت ساخته شده اند. این نشان دهنده «خودخواهی» ماست. پولس نگرش راضی کردن «خود» را با کلمات «انجام کارهای بدن» توصیف می کند. او خطاب به غلاطیان نوشت: «اعمال بدن عبارتند از: زنا، ناپاکی، هوسبازی، بت پرستی، جادوگری، دشمنی، نزاع، تقلید، غضب، جنگ، اختلاف، بدعت، حسادت، قتل، مستی، پرخوری.» (21، 20: 5 همسر این ازدواج ذهن ماست، چنانکه چند آیه بعد می آید: «به گفته باطن، من از شریعت خدا لذت می برم. اما در اعضای خود شریعت دیگری می بینم که با قانون ذهن من جنگ می کند* و مرا تحت شریعت گناهی که در اعضای من است مقید می کند.» رام 7:22، 23. قبل از اینکه حقیقت را بشناسیم، ذهن ما به «خود» وابسته بود و اسیر خودخواهی ما شده بود.

پولس این را با اصطلاح - "اشتیاق گناهان" توضیح می دهد.

اشتیاق -آن احساس سوزان اما غیرمنطقی -چیزی است که بسیاری را به محراب عروسی سوق می دهد. پولس می گوید این شاهدهی بر این است که نوعی ازدواج بین ما و خودخواهی ما وجود داشته است. و ازدواج با قانون در فرمان آن اداره می شود: "زنا مباش".

او به قانون اشاره می کند تا نشان دهد که ما نمی توانیم خود را از خودخواهی جدا کنیم. اما ما این را نمی دانستیم. درگیری داخلی وجود نداشت. روز به روز سعی می کردیم به اراده خود عمل کنیم که گویی این آرمان زندگی و خوشبختی است. ذهن ما و "خود" ما بود

مانند زن و شوهری که احساسات بد یکسانی دارند -آنها همدم بودند.

ازدواجی که در درون ما وجود داشت به پایان خوشی منجر نشد، اما همچنان هماهنگی در آن وجود داشت، زیرا هر دوی ما از آنچه اشتباه بود خوشمان می آمد. بنابراین، ما روز به روز اعمال بد، گناهان خود را چند برابر کردیم و راه مرگ را پیمودیم، زیرا «گناه تخطی از شریعت است» و «مزد گناه مرگ است*» (اول یوحنا 4: 3 روم. (6:23 پولس همه اینها را با این کلمات به تصویر می کشد: "اشتیاق گناه که به وسیله شریعت است، در اعضای ما عمل کرد تا میوه ای را برای مرگ به بار آورد."

*ترجمه آلمیدا اصلاح و به روز شد

«اما اکنون ما از شریعت آزادیم، زیرا برای آنچه در آن نگهداری شده بودیم، مردیم. تا در روح تازه خدمت کنیم، نه در کهنگی نامه» روم. 7:6

بر اساس قانون خدا، به استثنای موارد زنا (که در برهان رومیان 7 مورد بررسی قرار نگرفته است)، اتحاد بین زن و شوهر تنها با مرگ یکی از زوجین قابل گسست است. پولس با استفاده از این مفهوم نشان می دهد که می توان اتحاد خود را با «خود» قطع کرد، فقط با مردن به آن. سپس ذهنی که تا آن زمان اسیر اراده خودخواهانه خود بود، تابع مسیح، شوهر جدید می شود و شروع به خدمت به خدا می کند. و هر که خدا را بندگی کند قانون ده فرمان را نگه می دارد. "گناه تخطی از شریعت است!"; "اما اکنون که از گناه آزاد شده اید و بندگان خدا شده اید، میوه خود را برای تقدیس و در نهایت حیات جاودانی دارید" (اول یوحنا 4: 3 رومیان. (6:22 هر که از گناه رها شود و بنده خدا شود، مطیع می شود. راه دیگر گفتن این است که بگوییم فرد اکنون "روح دیگری" را نشان می دهد. این عبارتی است که اغلب وقتی متوجه تفاوت قابل توجهی در رفتار کسی می شویم از آن استفاده می کنیم. می گوییم: فلانی را می بینید؟ عصبی بود، خشن... حالا خیلی فرق کرده، آرام، شفاف... روحیه دیگری دارد!« این همان معنایی است که "بیباید در روح تازه خدمت کنیم". این دگرگونی معجزه ای از جانب خداوند در قلب ماست. ما نمی توانیم توضیح دهیم که چگونه اتفاق می افتد. اما هر مؤمنی می داند که این اتفاق می افتد، زیرا آن را تجربه کرده است.

گزارش تجربه جدید، پولس می گوید که ما به خدا خدمت می کنیم «نه در دوران پیری نامه».

از آنجایی که ما برای ازدواج اول خود مردیم، قانون حاکم بر آن برای ما "قدیمی" شد. این قانون است

که ما را به ازدواج قدیمی (یا قدیمی) گره زد. در توضیح دیگر، این تعبیر به این معناست که ما دیگر در تلاش برای خدمت به خدا با ازدواج اول خود نیستیم. ازدواج «تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند» بود. بعد از مرگ ما دیگر قانون ازدواج در مورد ما صدق نمی کند. این بخشی از گذشته ما است - نه حال.

شایان ذکر است که تنها به این معنا است که نامه فرمان قدیمی شده است. و در هیچ دیگری. کسانی هستند که معنای متن را تحریف می کنند و می خواهند خود را به خاطر عمل نکردن به احکام خدا توجیه کنند و می گویند «قدیمی» هستند. اما این چیزی نیست که او می گوید. قبلاً دیدیم که در ازدواج جدید به بندگان خدا تبدیل می شویم که مطیع احکام او هستند.

و یوحنا رسول می افزاید: «کسی که بگوید من او را می شناسم و احکام او را نگاه نمی دارم، دروغگو است و حقیقت در او نیست» (اول یوحنا 4: 2: پولس در آیه بعدی توضیح می دهد که دقیقاً برای جلوگیری از تفسیر نادرست از آنچه نوشته است:

"پس ما چی باید بگیریم؟ آیا قانون گناه است؟ اصلاً! اما گناه را جز با شریعت نشناختم. زیرا اگر شریعت نمی گفت که طمع نکن. اما گناه، با این امر که فرصت پیدا کرد، تمام شهودات را در من برانگیخت: زیرا

بدون شریعت، گناه مرده بود» روم. 7: 7، 8

مشکل از قانون ازدواج نبود. مشکل خود "من" بود که در متن بالا "گناه" نامیده می شد - او مرد بد داستان بود - شوهر بد. او با سوء استفاده از این که ذهن ما با او "ازدواج" شده بود، او را به انجام تمام خواسته هایش ترغیب کرد. و در حالی که ما از شریعت خدا آگاه نبودیم، بدون هیچ عذاب وجدان آنچه را که او می خواست انجام دادیم. به عبارت دیگر، ما خود را خشنود کردیم و احساس محکومیت نکردیم، زیرا در جهل خود چنین کردیم. این است معنی کلمات: "زیرا بدون شریعت گناه مرده بود".

برای ما هیچ ضرر یا گناهی در آن وجود نداشت. چند بار می شنویم که افرادی که در یک موقعیت هستند می گویند: چه اشکالی دارد؟ چه چیزی در مورد انجام این کار؟ ما به خاطر انجام کاری که نمی دانستیم اشتباه است، احساس محکومیت نمی کردیم. به همین دلیل است که کتاب مقدس می گوید که "خدا به زمان جاهلیت توجه نمی کند" اعمال رسولان 17:30

برای تسهیل درک، تصویری از مقایسه انجام شده توسط پائولو را ارائه می دهیم.
زیر:



زن و شوهر، ذهن و جسم، درون ما هستند. در فصل 7 رومیان، پولس این ازدواج را در دو مرحله به تصویر می‌کشد: مرحله اول، که در آن زن و شوهر در هماهنگی هستند - ذهن ما فقط درگیر خشنود کردن خودمان است. و دوم، که در آن او در مورد شریعت خدا روشن می‌شود، می‌خواهد مانند یک مسیحی متفاوت عمل کند، اما خود را در بردگی شوهرش می‌بیند. او در مورد اولی می‌گوید: «وقتی ما در جسم بودیم، احساسات گناه، که به واسطه شریعت است، در اعضای ما کار می‌کرد تا میوه‌ای را برای مرگ به بار آورد.» تا زمانی که ما چیز بهتری نمی‌دانیم، درگیری داخلی نداریم. ما آنقدر طبیعی می‌دانیم که این گونه رفتار کنیم که وقتی در مورد کسی که واقعاً فداکار است می‌شنویم، تمایل داریم که او را به عنوان "احمق" تلقی کنیم.

این اتفاق می‌افتد که در لحظه‌ای از زندگی، خداوند ما را با علم به اراده خود روشن می‌کند. سپس مرحله دوم آغاز می‌شود. متقاعد به آنچه درست است، اما هنوز بدون قدرت عیسی که ما را قادر به انجام درست است. با علم به اینکه گناهکاریم و مزد گناه مرگ است، اما قدرت تغییر مسیر را نداریم. متقاعد شده‌بله؛ اما هنوز تبدیل نشده است

تبدیل یعنی تغییر مسیر، جهت. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، هیچ مدرکی دال بر اینکه ما تبدیل شده ایم وجود ندارد. در حالی که فقط متقاعد شده‌ایم که به همان مسیر اشتباه ادامه می‌دهیم که منجر به مرگ می‌شود، با این تفاوت که قبلاً از آن ناخودآگاه بودیم و اکنون می‌دانیم به کجا می‌رویم. این حتی برای پل، قبل از اینکه تبدیل شود، اتفاق افتاد.

«من زمانی بدون شریعت زندگی می‌کردم، اما وقتی فرمان آمد، گناه زنده شد و من مردم. و فرمانی که برای زندگی بود، فکر کردم که بمیرم.» رام 7:9

دستورات خدا برای کشتن انسان نبود. عیسی گفت: "می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است" (یوحنا 12:49 و خدا از طریق موسی گفت: «فرایند و احکام من را نگاه دارید. که با انجام آنها، انسان با آنها زندگی خواهد کرد» (لاویان 18:5)

در اصل انسان را در مسیر زندگی نگه داشتند. وقتی آدم بدون گناه آفریده شد، هیچ تمایلی به انجام بدی نداشت. دلش پر از عشق به خدا بود. تنها چیزی که لازم بود این بود که پدر این فرمان را ارائه دهد و او با قلبی شاد و اراده خوب،

اطاعت کرد. با خوردن میوه ممنوعه همه چیز تغییر کرد. سپس وفاداری به ترس و عصیان تبدیل شد. بدون دخالت خدا، او هرگز نمی‌تواند به وفاداری قبلی خود بازگردد.

حال وقتی به احکامی که بیانگر اراده اوست نگاه می‌کند و خود را ناتوان از اطاعت از آنها می‌بیند که محکومیت او عادلانه است. دستوراتی که آدم قبل از سقوطش از اطاعت از آنها لذت می‌برد، باعث احساس گناه و محکومیت شد -خاطرات حکم اعدام. پولس در چنین وضعیتی قرار گرفت که به معنای واقعی کلمه از اسب خود افتاد و دید که او در حال آزار و اذیت عیسی است. وی به آن اشاره کرد و گفت: و فرمانی که برای زندگی بود، گمان کردم که بمیرم.

«زیرا گناه، با گرفتن فرصت از طریق فرمان، مرا فریب داد و به واسطه آن کشت. بنابراین شریعت مقدس است. و فرمان مقدس و عادلانه و نیکو است.» رام 12، 7:11

آیات فوق از تعلیمات قبلی پیروی می‌کند. «گناه» شوهر سابق است. زمانی که با او ازدواج کردیم، در حالی که قانون را نمی‌دانستیم، به خواست او عمل کردیم و وجدانمان ما را محکوم نکرد. ما اشتباه می‌کردیم، اما نمی‌دانستیم -از روی نادانی عمل می‌کردیم. ما اشتباه کردیم، بدون اینکه بدانیم. وضعیت ما شبیه زنی است که توسط شوهر الکلی خود فریب خورده است. همیشه او را به نوشیدن دعوت می‌کرد. او را دوست داشت و او را همراه خوبی می‌دانست که همیشه با او بود و بر حضور او اصرار داشت. او احساس می‌کرد که همیشه توسط او دعوت شده است. بنابراین وقتی خودمان را راضی می‌کردیم، احساس ارزشمندی می‌کردیم. چند نفر برای توجیه کار اشتباهی که انجام می‌دهند، نمی‌گویند: «من باید این کار را بکنم -بالاخره من فرزند خدا هستم! من هم لیاقتش را دارم!» اما بعداً این زن متوجه می‌شود که الکل به سلامت او آسیب می‌رساند. او وارد یک اعتیاد شد که نمی‌تواند از آن فرار کند.

خلاص شدن از شر. وقتی متوجه شد، قبلاً یک الکی بود، مبتلا به سیروز کبدی، در بستر مرگ. فقط یک معجزه می تواند او را نجات دهد. از نظر روحی نیز این گونه است. وقتی قانون خدا را می دانیم، متوجه می شویم که راه گناه را پیموده ایم، تا «خود» را خشنود کنیم. می بینیم که این "شوهر" درونی ما را فریب داد و اکنون محکوم به مرگ هستیم. به قول پولس: «زیرا گناه، که از طریق فرمان مناسبت پیدا کرد، مرا فریب داد و به واسطه آن کشت.»

وقتی مشخص شد که گناه در این داستان مقصر است، قانون خدا توجیه می شود. مشکل او نیست، بلکه این است که چه کسی ما را به تجاوز به او سوق داده است. ثابت شده است که هیچ نقصی در آن وجود نداشته است - بنابراین دلیلی وجود ندارد که بفهمیم برای اینکه مسیر زندگی را به ما آموزش دهد "قدیمی" شده است. از این رو استدلال زیر است:

"پس آیا من در مرگ خوب شده ام؟ اصلاً! اما گناه، برای اینکه گناه به نظر برسد، در من برای نیکی مرگ ایجاد کرد تا به فرمان گناه بسیار بد شود." روم. 7:13

در این مرحله، من معتقدم که صرفاً در کنار هر اشاره به قانون مندرج در آیه، که به کدام وضعیت اشاره می کند، به شما امکان می دهد معنای آن را درک کنید. بنگرید: «پس آیا نیکی (قانون ده فرمان) در مرگ من شد؟ اصلاً! اما گناه (شوهر سابق) برای اینکه خود را گناهکار نشان دهد (خود را شرور نشان دهد) در من مرگ را برای خیر به بار آورد (به موجب قانون ازدواج که ما را به او پیوند داد). که به دستور (زمانی که قانون خدا را بشناسیم) گناه بیش از حد شیطانی می شود (می بینیم که چقدر در ارضای «خود» اشتباه کرده ایم.»

به عبارت دیگر: شریعت که در اصل توسط خداوند برای زندگی طراحی شده بود تا آدم و فرزندانش با اطاعت از آن زندگی کنند، ناگهان ابزاری برای کشتن ما نشد. کسی که ما را در شرایط محکومیت قرار داد، شوهر پیر، «من» بود. در حالی که ما در جهل بودیم، او ذهن ما را به سمت رفتار خودخواهانه سوق داد.

با قانون ازدواج، که به اصطلاح، ما را با او پیوند داد، او ما را به انجام گناهان هدایت کرد تا او را راضی کنیم - و مزد گناه مرگ است (رومیان. 6:23) به قول پولس: "برای خیر" - قانون ازدواج، که به خودی خود خوب است و خانواده را از شرهای ناشی از زنا محافظت می کند، "مرگ به بار آورد". به عبارت دیگر، ما از طریق این قانون خود را با «خودخواهی» خود و با آن حکم اعدام متحد کردیم.

اما خدا به گونه ای عمل می کند که همه لعنت ها را به نعمت تبدیل می کند. حتی از بدترین تجربیات زندگی ما به عنوان ابزاری برای هدایت ما به مسیر زندگی ابدی استفاده می کند. این واقعیت که ما به دلیل نفوذ خودخواهی خود (شوهر سابق) در گناه عمیق تر شدیم، باعث شد که عدالت و قداست قانون در نظر ما در هنگام ارائه به ما برجسته تر شود. یک قاتل سنگینی فرمان "نباید بکشید" را بسیار بیشتر از یک شهروند عادی احساس می کند (خروج. 20:13) در اخبار تلویزیون، وقتی دوربین به سمت او نشانه می رود، به سرعت پایین می آید

سر. این یک اعتراف ضمنی به گناه است. ضرب المثل معروف می گوید: «کسی که نباید، نمی ترسد». با بازگشت به مقایسه کتاب مقدس، متوجه می شویم که به دلیل ازدواج وحشتناک قبلیمان، زمانی که ما روشن فکر شدیم، خود را در برابر قانون خدا بسیار مقصر دیدیم. ما می توانستیم گناه را از منظر خدا ببینیم. گناه ما از نظر ما "بسیار شیطانی" شده است.

زیرا می دانیم که شریعت روحانی است. اما من نفسانی هستم و در زیر گناه فروخته شده ام. برای کاری که انجام می دهم تایید نمی کنم، برای آنچه می خواهم انجام نمی دهم. اما کاری که من از آن متنفرم، انجام می دهم. و اگر کاری را که نمی خواهم انجام دهم، به قانون رضایت می دهم که خوب است.» رام 7:14-16

به زودی پس از آگاهی از اراده خدا، قانون او و تلاش برای اطاعت کردن، متوجه می شویم که به تنهایی قادر به انجام آن نیستیم. ذهن ما که می خواهد آنچه را که درست است انجام دهد، به دلیل «خودخواهی»، شوهری دیکتاتور و دمدمی مزاج، مجبور می شود که اراده اش را انجام دهد.

این شوهر بد است اراده او، "اعمال بدن... زنا، ناپاکی، هوسبازی، بت پرستی است" (غلاطیان 5:20، 21 و غیره. از زمانی که به دنیا آمده ایم، ذهن ما با "خود"مان ازدواج کرده است. ما نمی توانیم در راستای منافع خود عمل نکنیم. ما حتی ممکن است مایل به انجام کارهای خوب باشیم، اما بهترین تلاش های ما از طرف دیگران با تمایلاتی برای ارضای «خود» به نحوی نفوذ می کند. به آن می گویند «خوبی کردن با قصد دوم»، دیده شدن، خوب تلقی شدن از سوی دیگران، داشتن مقام و غیره. پولس در اینجا نیز به او اشاره می کند، هنگامی که عیسی پس از ظاهر شدن در رؤیا بر او، از اسب خود به زمین افتاد و خود را آنگونه که واقعاً بود دید. او متقاعد شده بود که گناهکار است. می خواستم اطاعت کنم، اما نشد. و این وضعیت هر کسی است که از اراده خدا آگاهی دارد، اما تسلیم مسیح نشده است.

در اینجا بر عهده ماست که با گذاشتن یک پرانتز کوچک در توضیح، در مورد دو دسته از مردم اظهار نظر کنیم که بدون اینکه متوجه شوند، در موقعیتی مشابه آنچه در متن ذکر شد، قرار می گیرند. اولین آنها کسانی هستند که به دین اعتقاد ندارند، اما همچنان به خود می بالند که بهتر از مسیحیان هستند. با این حال، شهادت آنها مبنی بر اینکه آنها می دانند چه چیزی درست است، فقط آنها را در نظر خدا مسئول اطاعت می کند. آنها کاری را انجام می دهند که خودشان آن را تأیید نمی کنند، اما با دیدن اینکه مسیحیان به همین شکل عمل می کنند، توجیه می شوند. با این حال، در این صورت، آنها باید مدرک مؤثری ارائه دهند که نشان دهد در واقع شخصیت بهتری نسبت به مسیحیانی دارند که محکوم می کنند. و حقیقت این است که وقتی آنها سعی می کنند خود را اصلاح کنند تا چنین شهادتی بدهند، به زودی متوجه می شوند که برده شده اند، در همان وضعیتی که در رومیان 7 توضیح داده شده است. اراده مسیح - آنها از قانون خدا اطاعت نمی کنند. اینها به حقیقت متقاعد شده اند، اما هنوز تبدیل نشده اند. آنها به یک معجزه نیاز دارند - فوری. با این حال، آنها نیازی به تغییر احساس نمی کنند. آنها از حرفه خود، از "تعلق به یک کلیسا" راضی هستند. آنها خود را با این توقع کاذب فریب ندهند که گفتن "من ایمان دارم" آنها را از مرگ نجات می دهد. عیسی توضیح داد: «نه هر کسی که

می گوید: پروردگارا! وارد ملکوت آسمان خواهد شد، اما کسی که اراده پدر من را که در آسمان است انجام دهد. بسیاری در آن روز به من خواهند گفت: پروردگارا، پروردگارا، آیا به نام تو نبوت نکرده ایم؟ و به نام تو، ما شیاطین را بیرون نمی کنیم؟ و آیا به نام تو معجزات زیادی نکرده ایم؟ سپس آشکارا به آنها می گویم: هرگز شما را نشناختم. ای کسانی که گناه می کنید، از من دور شوید.» (متی. 23:21 تا 7:23)

زمانی که تبدیل شوند و با اعمال اطاعت از شریعت خدا به این امر شهادت ندهند، هرگز در زمره مقدسین قرار نخواهند گرفت. هر دو - غیر مسیحیان که خود را عادل و فقط به نام مسیحی می دانند، در یک چیز مشترک هستند: آنها حقیقت را می دانند - بنابراین، کاری را که انجام می دهند تایید نمی کنند. بنابراین، آنها موافق هستند یا، به قول پولس، موافق هستند که قانون "خوب" است. اما آگاهی از نظریه حقیقت به تنهایی آنها را برای زندگی ابدی مناسب نمی کند. فقط کسانی که به طور مؤثر آن را اجرا می کنند می توانند وارد جلال شوند و برادر روحانی فرشتگان مقدس خدا باشند.

برگردیم به توضیح آیه: تعبیر «شریعت روحانی است» یعنی بیان اراده خداوند است. «خدا روح است» (یوحنا. 4:24 و همه کسانی را که تبدیل می شوند و مطیع او می شوند، «روحانی» نامیده می شوند، یعنی با اراده او هماهنگ هستند. (اول پطرس. 5:2) پولس یادگیری اراده مسیح را با خوردن یک "لذیذ معنوی" مقایسه کرد.

(اول قرنطیان. 4، 10:3) در حالی که انسان با جسم ازدواج می کند، "جسمی" نامیده می شود، این اصطلاح از کلمه "جسم" گرفته شده است. تعبیر "فروخته شده در زیر گناه" به این واقعیت اشاره دارد که ما به اراده خود برده شده ایم. کتاب مقدس با استفاده از همین تعبیر در جای دیگر می گوید که «آخاب... خود را فروخته بود تا آنچه را که در نظر خداوند بد بود انجام دهد، زیرا ایزابل، همسرش، او را تحریک کرد.»

(اول پادشاهان. 21:25) وضعیتی که این موضوع را به خوبی نشان می دهد، وضعیت یک معتاد به مواد مخدر است. موافق باشید که مواد مخدر بد هستند. می خواهید این عادت را ترک کنید. اما، زمانی که بحران ترک فرا می رسد، اعتیاد با اعتیاد "شکست" می یابد. مردی که به خطاهای خود متقاعد شده است، متوجه می شود که قانون منعکس کننده اراده خدا است - "روحی است" و خوب است. اما او در زیر گناه فروخته می شود. به قول پولس: «کاری را که انجام می دهم نمی پسندم، برای آنچه می خواهم انجام نمی دهم. اما کاری که من از آن متنفرم، انجام می دهم. و اگر کاری را که نمی خواهم انجام دهم، با قانون موافقم (یعنی موافقم) که خوب است.»

«پس اکنون دیگر من نیستم که این کار را می کنم، بلکه گناه در من ساکن است» روم. 7:17

آیه فوق در ادامه توضیح مضمون است و همچنان از مقایسه ازدواج استفاده می شود. در اولین وصلت، خودخواهی ما «شوهر» است که خانه را اداره می کند، ذهن - زن - به خواست خدا روشن می شود، قبول می کند که احکام خوب است، می خواهد تغییر کند، اما نمی تواند، شوهر او را دستگیر می کند، چند زن آنها می گویند: "من دوست دارم در کلیسا شرکت کنم، اما شوهرم به من اجازه نمی دهد." "این من نیستم - او کسی است که جلوی من را می گیرد." با این رفتار، شوهر تا حدودی خود را در مورد همسرش مقصر می کند. اما، بدیهی است که این امر آن را توجیه نمی کند، زیرا در مسائل معنوی «هر کس حساب خود را به خدا خواهد داد» روم. 14:12 در کار، عیوب وجود دارد.

که قابل توجه است اما شما هرگز پرداخت نمی کنید. توجیه غیبی با گواهی پزشکی می تواند از دریافت اخطار یا اخراج جلوگیری کند، اما این حق را نمی دهد که گویی کارمند کار کرده است. در زندگی معنوی هم همینطور است. مرد پس از روشن شدن ذهنش سعی می کند اطاعت کند اما نمی تواند. شما قبلاً تصمیم گرفته اید که اراده خدا را انجام دهید، اما خود را گرفتار خودخواهی خود می بینید. از این رو، سخنان پولس، مانند زنی که از رفتن به کلیسا جلوگیری کرد، می گوید: «دیگر من این کار را نمی کنم، بلکه گناه می کنم» شوهری که در من ساکن است. با این حال، هیچ کس نباید در این شرایط احساس عذر داشته باشد. پاسخ الهی به چنین بهانه ای برای گناه آشکار است: من به شما شوهر دیگری - مسیح را پیشنهاد دادم. اگر این ازدواج اول شما را به تاهی می کشاند، چرا در آن می مانید؟ اگر با شوهر اولش ادامه می دهد، به خاطر کمبود گزینه نیست. چرا برای او نمیری و با دیگری، نجات دهنده روح زندگی نمی کنی؟ بسیاری کلام خدا را با شادی می شنوند. با این حال، هنگامی که او یک عمل ناپسند گرامی، یک گناه گرامی، یک رذیله را که نمی خواهد ترک کند، سرزنش می کند، عقب نشینی می کنند. آنها آشکارا نمی گویند که مسیح را رد می کنند. آنها همچنان به او اعتقاد دارند. اما نافرمانی خود را با ادعای ضعف توجیه می کنند. خداوند می فرماید: «از قوت من بگیر و با من صلح کن» (اشعیا 27:5) اما آنها از تسلط بر قدرت خدا امتناع می ورزند و این به این دلیل است که در اعماق وجودشان نمی خواهند گناهی را که دوست دارند دست بکشند.

تلاش برای معافیت خود از گناه با قرض گرفتن عبارت پولس "دیگر من نیستم که این کار را انجام می دهم، بلکه گناهی که در من ساکن است" این است که آن را بر خدا بگذارم. اگر بگوییم گناه ما تقصیر ما نیست، بلکه تقصیر جسم (خود) است که در ماست، تقصیر را به گردن خالق بدن خود می اندازیم. اما هر گناهی نتیجه تصمیم خود شخص است. ما و فقط ما مقصر این خطا هستیم. یعقوب رسول برای اینکه این استدلال را به وجود نیاورد، نوشت: «هیچ کس در حالی که وسوسه می شود، نمی گوید: من از جانب خدا وسوسه شده ام. زیرا خدا نمی تواند با شر وسوسه شود و هیچ کس را وسوسه نمی کند.

اما هرکسی زمانی که شهوت خود را از خود دور می کند وسوسه می شود. سپس شهوت باردار شده، گناه را به دنیا می آورد. و گناه که تمام شد، مرگ را به بار می آورد» (یعقوب 1:13-15) «آیا باور داری که خدای واحدی وجود دارد؟ شما خوب انجام می دهید؛ شیاطین نیز ایمان می آورند و می لرزند.

اما ای انسان بیهوده، آیا می خواهی بدانی که ایمان بدون اعمال مرده است؟» یعنی وجود ندارد (یعقوب 20، 19: 2)

پولس از عبارت «دیگر این کار را نمی کنم» برای توجیه خود استفاده نکرد. پس از افتادن از اسب و مقصر یافتن خود در آزار و شکنجه پیروان عیسی، از اشتباه خود عمیقاً پشیمان شد و تنها خود را - نه ذات جسمانی اش - را برای خطای خود سرزنش کرد. او گفت: "چون من کوچکترین رسولان هستم، شایسته نیستم که رسول خوانده شوم، زیرا کلیسای خدا را جفا کردم." اول قرن تیان 15:9 نتیجه این است که معنای متن این نیست که خود را توجیه کند وقتی که با قانع شدن به قانون خدا از آن پیروی نمی کند، بلکه استفاده از آن برای تأکید بر ایده ای است که در سراسر فصل ایجاد می شود. به عنوان تأکیدی برای تغییر تفکر شما استفاده می شود.

قبلاً گناه را تأیید می کرد؛ اکنون، او را محکوم می کند - هم در بیرون و هم در درون خودش. بنابراین تعبیر «دیگر آن را انجام نمی دهم» به این معناست: «دیگر این را تأیید نمی کنم. وقتی این کار را انجام می دهم، خودم را اذیت می کنم.

ادامه دهید». دلیل بر این است که این معنا با بسط استدلال او در آیات بعدی آمده است:

«زیرا می دانم که هیچ چیز خوبی در من، یعنی در جسم من ساکن نیست. و در واقع اراده در من است، اما من قادر به انجام کار خیر نیستم. چون آن خوبی را که می خواهم انجام نمی دهم، اما بدی را که نمی خواهم، همین کار را انجام می دهم. حال اگر کاری را انجام دهم که نمی خواهم، این دیگر من نیستم که آن را انجام می دهم، بلکه گناهی که در درون من ساکن است. آن وقت این قانون را در خود می یابم: وقتی می خواهم نیکی کنم، شر با من است. زیرا مطابق با انسان درونی از شریعت خدا لذت می برم.» رام 7:18-22

به عبارت دیگر: اکنون که اراده خدا، قانون او را می دانم و می بینم که خوب است، از آن لذت می برم - واقعاً می خواهم از آن اطاعت کنم. اما من نمی توانم. گناه (من) به من اجازه نمی دهد. من هنوز در اولین ازدواجم هستم. «پس من این قانون (ازدواج) را در خود پیدا می کنم: وقتی می خواهم انجام دهم

خب، شر (شوهر اول) با من است.»

«زیرا مطابق انسان درونی از شریعت خدا لذت می برم. اما در اعضای خود شریعت دیگری می بینم که با شریعت فهم من می جنگد و مرا تحت شریعت گناه مقید می کند.

در اعضای من است.» رام 23، 7:22

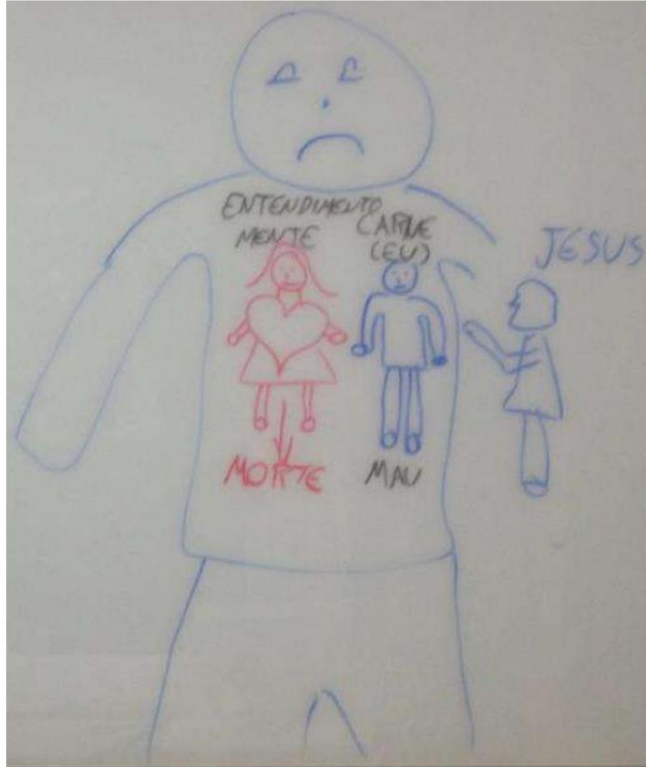
پل در اینجا از یک جناس استفاده می کند که اگر قانونی را که در هر لحظه به آن ارجاع می دهد شناسایی کنیم، راحت تر قابل درک است. معنای اصطلاحات قبلاً در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است: "زیرا مطابق با درونی مرد (ذهن من، زن در ازدواج)، من از قانون خدا لذت می برم. اما من در اعضای خود قانون دیگری (ازدواج) می بینم که با قانون درک من (قانون خدا که پذیرفته ام) مبارزه می کند و مرا تحت قانون گناه (قانون ازدواج) که در اعضای من است مقید می کند. " رام 7:23

«مرد بدبختی که هستم! چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات خواهد داد؟ خدا را به خاطر عیسی مسیح شکر می کنم. پس من خود شریعت خدا را با عقل خود خدمت می کنم، اما با جسم خود شریعت گناه را خدمت می کنم.» رام 25، 7:24

در حالی که انسان که از اراده خدا آگاه است، اما در اطاعت از آن ناتوان است، خود را در این وضعیت غم انگیز می بیند، متقاعد شده اما تبدیل نشده است، درمانده نیست. مکاشفه نشان می دهد که عیسی به دنبال نجات اوست: «اینک، من بر در ایستاده ام و می گویم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، به خانه او می آیم و با او شام می خورم و او با من.»

آپوک 3:20. او ذهن خود را زنی تحقیر شده، مطیع و ناراضی می بیند و می خواهد وضعیت خود را تغییر دهد. او می خواهد شوهر جدید او شود و او را به سمت خوشبختی راهنمایی کند. بخشش گناهان را ارائه می دهد.

وقتی انسان در قلب خود را باز می کند، وارد می شود و شوهر جدید، سرور زندگی خود می شود. زمانی که ذهن برده خود باشد، مطیع مسیح خواهد شد.



ازدواج فقط با مرگ قابل انحلال است. شوهر -گوشت، یا «خود» ما، تنها زمانی که بمیریم، دیگر ما را تحت انقیاد نمی گذارد. این شوهر در ژن های هر فرد است. هر یک از ما با تمایلاتی به دنیا می آیم که از والدین، پدربزرگها، مادربزرگها، پدربزرگها و مادربزرگها و پدربزرگها و مادربزرگها به ارث رسیده اند، که بخشی از اراده ما می شوند و ما را رها نمی کنند. و به قوت عادت های به دست آمده در طول زمان اضافه می شوند. گوشت هرگز تغییر نمی کند یا تبدیل نمی شود. همیشه برای ارضای اراده خود فریاد بزنید.

بنابراین، حتی پس از آگاهی از احکام خدا، تا زمانی که ازدواج قدیمی در درون ما وجود دارد، با درک یا ذهن، ما «شریعت خدا را خدمت می کنیم». ما موافقیم که شریعت مقدس، عادلانه و خوب است. اما "با جسم" ما "قانون گناه" را خدمت می کنیم. به عبارت دیگر، ما به موجب ازدواج، حتی بر خلاف میل خود، مجبور به ادامه گناه هستیم. ما نمی توانیم اطاعت کنیم. شوهر پیرش اجازه نمی دهد. عیسی گفت: "هر کس مرتکب گناه شود، بنده گناه است" (یوحنا 8:34). گناه می کند چون بنده است، بنده است. این اسارت وحشتناکی است که مسیح از آن آمد تا ما را آزاد کند. "پس اگر پسر شما را آزاد کند، به راستی آزاد خواهید بود" (یوحنا 8:36).

بنابراین، از آنجا که جسم، یعنی شوهر، نمی میرد، برای جدا شدن از این ازدواج غیرقابل تحمل و وارد شدن به اتحاد جدید با مسیح، لازم است ذهن ما، «زن» بمیرد. این یک مرگ فیزیکی نیست - ما می خواهیم به زندگی ادامه دهیم، بلکه در یک زندگی جدید معنوی است.

باید یک «نه» قطعی برای شوهر فعلی وجود داشته باشد - پس از آن یک «بله» برای مسیح. این زمانی اتفاق می افتد که ما به عشق مسیح که در قربانی روی صلیب کالواری نشان داده شده است فکر می کنیم.

ما متوجه می شویم که شوهر دوم بسیار بهتر از شوهر اول خواهد بود و می خواهیم او باشیم. قانون ازدواج تداوم آن را «تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند» تعیین کرد. سپس به آرزوی خودخواهانه خود می میریم و از نذرهای قانون ازدواج رها می شویم. اکنون، ما می توانیم مال مسیح باشیم. شوهرمون عوض شد سوال: چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات خواهد داد؟ پاسخ دریافت می کند: "خدا را به واسطه عیسی مسیح شکر می کنم... پس اکنون برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنند، محکومیتی وجود ندارد." 7:25

8:1.

تسلیم او می شویم و از او کمک می خواهیم. او وارد ما می شود و اوضاع را حل می کند. ما را از اتحادیه قدیمی آزاد کنید و راهنمای ما شوید. اما اراده ما را تحمیل نمی کند. او همچنان ما را راهنمایی خواهد کرد که ما داوطلبانه اراده او را انجام دهیم. به همین دلیل، ما خواسته های شیطانی خود را انکار می کنیم، در حالی که تسلیم هدایت کلام مسیح می شویم - زیرا ما می خواهیم - زیرا او ما را دوست دارد. ما از او خواهیم بود، تا بتواند با قدرت خود به ما کمک کند تا بر وسوسه ها غلبه کنیم.

این در سخنان پولس چنین توصیف شده است: «زیرا هنگامی که در جسم بودیم، احساسات گناه که از طریق شریعت است، در اعضای ما مؤثر بود تا ثمره مرگ را به بار آورد. اما اکنون ما از شریعت آزادیم، زیرا برای آنچه در آن نگهداری می شدیم مرده ایم. تا در روح تازه خدمت کنیم.» روم. 6، 7:5



آموزه اساسی رومیان 7 این است: مردی که عادل شمرده شده، بخشیده شده، انجیل را به راستی پذیرفته است، که ایمان واقعی دارد، انسانی است که از گناه به اطاعت از قانون خدا تبدیل شده است. زیرا انجیل «قدرت خدا» برای هر کسی است که ایمان دارد (رومیان 1:16) و انسان تبدیل شده کسی است که قدرت الهی را دریافت کرده و از طریق آن، زندگی خود را تغییر داده است. قبل از تبدیل شدن، مراحل متقاعد شدن به گناه را طی می کند. اما متقاعد شدن به معنای تبدیل شدن و صلح با خدا نیست. مردی که به عدالت و قدوسیت شریعت متقاعد شده است، باید خود را به عیسی بسپارد، و قدرتی را که او به او عطا می کند در دست بگیرد - آنگاه او مرد جدیدی خواهد بود - یک مسیحی واقعی. مردی که آموزش خداوند را به خود اختصاص می دهد، می خواهد که مطیع باشد و در واقع است.

زیرا بخشش الهی منحصر به اظهار خدا نیست که بگوید: «بخشیده شد». اما با اعطای روح القدس همراه است، که عزم ما را برای خدمت به او تقویت می کند و ما را قادر می سازد در همه چیز از او اطاعت کنیم. خدا ما را فرزندان خود اعلام می کند، و به قول پولس: "چون شما فرزندان هستید، خدا روح پسر خود را در قلب ما فرستاد" (غلاطیان 4: 6) «به طوری که دیگر بنده (بنده گناه) نیستی، بلکه پسری (آزاد از گناه، مطیع قانون) هستی. و اگر پسر هستی به واسطه مسیح وارث خدا نیز هستی» (غلاطیان 4: 7) بنابراین، مؤمن واقعی، با داشتن قدرت دریافت شده از مسیح، مانند پولس فریاد می زند: "من می توانم همه چیز را به وسیله او که مرا تقویت می کند انجام دهم" (فیلیسیان 4:13) و مانند یوحنا: «زیرا محبت خدا این است که او را حفظ کنیم

دستورات؛ و احکام او سنگین نیست» (اول یوحنا 3: 5) اینکه شما این تجربه مبارک را دارید، تنها تجربه ای که به زندگی ابدی منتهی می شود، آرزوی خالصانه خدا، مسیح، فرشتگان و ماست.

پل تبدیل شد یا نه؟ یک مشاجره

بحث در مورد سخنان پولس در رومیان 7 ادامه دارد. چنین بحثی وجود دارد زیرا نتیجه منطقی دارد. اگر هنگام تغییر دین از خود سخن بگوئید، آنگاه هر انسانی که اظهار ایمان کند و در اطاعت زندگی نکند، تابع خدا محسوب خواهد شد و از زندگی ابدی مطمئن خواهد بود. اما اگر زمانی که متقاعد شد، اما تبدیل نشد، بحث از بین می رود و احتمال واحدی پدیدار می شود: فقط کسانی که احکام را با ایمان به عیسی اجرا می کنند جزو مسیحیان واقعی به حساب می آیند و پس از بازگشت او نجات خواهند یافت. به همین دلیل، ما این فضای کوچک را برای پرداختن به موضوع اختصاص می دهیم. ما این کار را به اختصار انجام خواهیم داد، زیرا استدلال هایی که در اینجا به اختصار توضیح خواهیم داد، قبلاً در بخش های قبلی ارائه شده است.

- 1 پولس قبلاً هنگام نوشتن نامه به رومیان مسلمان شده بود

من معتقدم که هیچ انسان صادقی نمی تواند در این مورد شک کند. فقط با پذیرش اول انجیل می توانم آن را برای دیگران توضیح دهم. و هنگامی که نامه به رومیان را آغاز می کند، اعلام می کند که آماده است آن را اعلام کند: "به اندازه ای که در من است، حاضر انجیل را به شما که در روم هستید نیز اعلام کنم" (رومیان . 1:15)

- 2 در رومیان 7، پولس قبل از تبدیل شدن و قبل از دانستن خواسته های واقعی قانون خدا به خود اشاره می کند.

این به وضوح از آیه 9 پیداست:

روم : «من زمانی بدون قانون زندگی می کردم . 7:9

- 3 سپس لحظه یقین به گناه را بیان می کند:

«اما چون فرمان آمد، گناه زنده شد و من مردم» روم . 7:9

این اتفاق زمانی افتاد که عیسی بر او ظاهر شد و گفت: «من عیسی هستم که تو آزار می‌دهی» (اعمال رسولان 5: 9 تا آن زمان، پولس یک فریسی بود و خود را پیرو شریعت خدا می‌دانست - نام او شائول بود. با این حال، او آزار و اذیت مسیحیان را داد و به مرگ مسیحیان رضایت داد (اعمال رسولان 1: 8: سپس، او متقاعد شد که در واقع، او یک قاتل، یک متخلف است.

- 4 سپس وضعیت خود را پس از یقین به گناهان خود - متقاعد شده، اما همچنان نشان دهید تبدیل نشده است

او از خود به عنوان زمان حال صحبت می‌کند، اما همچنان به آن وضعیت گذشته اشاره می‌کند: «و فرمانی که برای زندگی بود، من فکر کردم که بمیرم». رام 7:9

زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است. اما من نفسانی هستم و در زیر گناه فروخته شده‌ام. برای کاری که انجام می‌دهم تایید نمی‌کنم، برای آنچه می‌خواهم انجام نمی‌دهم. اما کاری که من از آن متنفرم، انجام می‌دهم. و اگر کاری را که نمی‌خواهم انجام دهم، به قانون رضایت می‌دهم که خوب است». رام 7:14-16

هر که «جسمی» باشد، زیر گناه فروخته شود، تبدیل نمی‌شود. عیسی گفت: «آنچه از جسم زاده می‌شود، جسم است و آنچه از روح متولد می‌شود، روح است. از اینکه به شما گفتم تعجب نکنید که باید از نو متولد شوید» (یوحنا 7، 6، 3: «هر کس مرتکب گناه شود، بنده گناه است: اکنون بنده برای همیشه در خانه نمی‌ماند. پسر تا ابد باقی می‌ماند» - یعنی خادم گناه وارث حیات جاودانی نمی‌شود (یوحنا 34-36: 8: کسانی که تحت گناه فروخته می‌شوند هنوز باید آزاد شوند.

"اگر پسر شما را آزاد کند، به راستی آزاد خواهید بود" (یوحنا 8:36) این شواهد قاطع است که نشان می‌دهد پولس از وضعیت قبل از تغییر دین خود یا قبل از تبدیل شدن به دین خود صحبت می‌کند، اگرچه قبلاً به حقیقت متقاعد شده است، زیرا شهادت می‌دهد که با عدالت شریعت موافق است، به این کلمات: "من با قانون موافقم. کدام خوب است". با پیروی از همین خط در سراسر استدلال ارائه شده در فصل، پولس با این تعجب پایان می‌دهد که وضعیت او اصلاً راحت نیست - با استفاده از عبارتی که هرگز نمی‌تواند برای اشاره به مسیحی که بخشیده شده و با خدا در صلح است به کار رود:

«مرد بدبختی که هستم! چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات خواهد داد؟ خدا را به خاطر عیسی مسیح شکر می‌کنم. پس من خود شریعت خدا را با عقل خود خدمت می‌کنم، اما با جسم خود شریعت گناه را خدمت می‌کنم.» روم. 7:24، 25

توجه داشته باشید که زمان فعل آینده است: "Will" این به چیزی اشاره می‌کند که هنوز باید در تجربه شما اتفاق بیفتد. پولس دوست دارد از آن موقعیتی رهایی یابد که در آن، اگرچه با ذهن خود به شریعت خدا خدمت کرد، یعنی تمایل داشت به او خدمت کند، اما قادر به اطاعت نبود. خیر

او توانست تصمیمات خود را برای انجام کارهای خوب عملی کند. من گناه کردم او خدمت کرد، "با جسم، قانون گناه". سخنان عیسی را به خاطر بسپارید: "آنچه از بدن زاده می شود، جسم است" یوحنا 6: 3 و متقاعد شده بود، اما هنوز تبدیل نشده بود. به همین دلیل است که می پرسد: "چه کسی مرا تحویل خواهد داد؟" - زمان آینده.

- 5 در آغاز باب 8 به زمان حال باز می گردد و در سخنان خود وضعیت خود را به عنوان یک مسلمان و مطیع اوامر الهی مطرح می کند.

«پس اکنون هیچ محکومیتی برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنند، نیست.» 8:1

باشد که این واقعیت برای همه ما باشد - که توسط مسیح از گناه آزاد شده و با قدرت روح او مطیع شده است! آمین

رومیان 8

«پس اکنون برای کسانی که در مسیح عیسی هستند، که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنند، محکومیتی وجود ندارد.» رومیان 8:1

همه کسانی که برای نجات به مسیح ایمان آوردند روح القدس را دریافت کردند. توضیح می دهیم: ما با ایمان به عیسی از محکومیت شریعت رهایی یافته ایم. اما ما خودمان این ایمان را تولید نمی کنیم. این هدیه ای است از طرف خدا (افس. 8: 2) که به این صورت داده شده است: وقتی مسیح زنده شد و به بهشت رفت، روح القدس را دریافت کرد و به جهان فرستاد (اعمال رسولان 33، 32: 2 یوحنا 8: 16) روح القدس وجدان ما را لمس می کند و ما را نسبت به گناه متقاعد می کند و اگر در مقابل او مقاومت نکنیم، او در قلب ما ایمان می آورد، زیرا او «روح ایمان» است (غلاطیان 3: 14) همین روحیه ما را تحت تأثیر قرار می دهد تا در هر جنبه ای از زندگی خود راه اطاعت از قانون خدا را طی کنیم. اگر به او اجازه دهیم که ما را راهنمایی کند، با اعمال اراده ما برای اطاعت، او ما را تقویت می کند. اینگونه بر وسوسه ها غلبه می کنیم و احکام را حفظ می کنیم. و هر کس احکام را ننگه دارد مورد محکومیت آنها نیست. بنابراین، با تسلیم شدن در برابر هدایت روح، شاهدهی می دهیم که برای نجات به مسیح ایمان داریم.

از مطالب فوق می توان دریافت که تجربه اصیل مسیحی با تجربه کاذب به این صورت متفاوت است: در تجربه اصیل، انسان از قلب و از طریق تأثیر روح ایمان می آورد. در جعلی،

فقط ظاهراً یا "از طریق دهان". کتاب مقدس می گوید که "با دل برای عدالت ایمان می آورد" روم.
10:10 از سوی دیگر، عیسی گفت: «نه هر که به من بگوید خداوند، خداوند، به ملکوت آسمان وارد خواهد شد، بلکه کسی که اراده پدر من را انجام می‌دهد.» متی 7:21 اعتقاد قلبی توسط روح القدس قرار داده شد، در حالی که اظهار ایمان صرفاً توسط جسم خود انسان ایجاد شد، که با اعلام اینکه خود را مؤمن می داند و به اشکال ظاهری صرف دین پایبند است، خود را فریب می دهد، در حالی که قلبش چنین نیست. تابع روح مسیح و شریعت خدا.

"زیرا قانون روح زندگی در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و مرگ آزاد کرده است." رام
8:2

عبارات "قانون روح" و "قانون گناه" خواننده را ملزم می کند که عمیق تر تأمل کند و موضوع فصل قبل را با دقت در نظر بگیرد تا قابل درک باشد. به گفته پطرس رسول، «پلس، طبق حکمتی که به او داده شده، رساله‌های خود را برای شما نوشت، که در میان آنها نکاتی دشوار است» 2 پطرس. 15، 14:3 این یکی از این موارد است.

بیا بید بیان "قانون روح" را تجزیه و تحلیل کنیم. قانون یک قانون است که باید رعایت شود.
بنابراین، قانون روح یک قاعده است که روح باید از آن پیروی کند، یا به آن احترام بگذارد. از آنجایی که روح از آن خداست، شریعتی که از آن پیروی می کند، شریعت خدا، ده فرمان است. بنابراین، "قانون روح" ده فرمان است.

قوانینی که در عبارات «قانون روح» و «قانون گناه» در رومیان 2: 8 ذکر شده است، همان قوانینی است که در فصل قبل ارائه شد:
«من خود شریعت خدا را با عقل خود خدمت می کنم، اما با جسم خود. من به قانون خدا خدمت می کنم، قانون گناه.» روم. 7:26 به عبارت دیگر، پولس استدلال ارائه شده در فصل 7 را ادامه می دهد - قیاس یا مقایسه ازدواج.

پولس مرد مسلمان نشده، برده را با خودخواهی خود، با زنی مقید به شوهری به نام جسم، و مرد تبدیل شده را با زنی مقایسه کرد که برای ازدواج اول خود مرد و با شوهر جدید خود - مسیح ازدواج کرد. در ازدواج اول زن مغلوب شوهرش می شود که به عنوان سرپرست خانه تعیین می کند که چه باید بکند. به همین ترتیب، مردی که ایمان نیاورده می‌تواند به تنهایی از خدا اطاعت کند، اما همیشه شکست خواهد خورد و خود را برده اراده خود (شوهر گوستی) می‌بیند. در ازدواج دوم، زن توسط شوهر خوب خود (مسیح) هدایت می شود که به عنوان رئیس خانه، او را به انجام کارهای خیر هدایت می کند. ازدواج دوم نشان دهنده مرد تبدیل شده است که توسط مسیح تقویت می شود تا بر اراده خود مسلط شود و نه آنچه را که جسمش می خواهد، بلکه اراده خدا را انجام دهد.

در مقایسه ازدواج، پولس استدلال کرد که طبق قانون خدا، زن تا زمانی که شوهرش زنده است به او وابسته است (رومیان 2: 7). نکته شریعت که زن را به شوهرش می بندد، فرمان هفتم است که می گوید: «زنا نکن». 20:14 پس در قیاس شما زن به شریعت خدا به شوهر اولش مقید است. آن را "قانون گناه" نامیدند فقط برای نشان دادن این واقعیت که او در آن زمان فرمان هفتم شریعت را برای ازدواج مجازی به کار می برد تا این آموزه را نشان دهد که مرد (زن متاهل) به بدنش مقید است. شوهر تمام زندگی اش. جسم یا اراده شما را به بردگی می کشد و شما را به گناه پیوسته راهنمایی می کند. و از آنجا که "مزد گناه مرگ است" (رومیان 6:23)، می توان گفت که در مثالی که پولس آورده است، "قانون گناه" "قانون گناه و مرگ" است. همانطور که خود ایشان در فصل قبل تاکید کردند که مشکل در قانون نیست. فرمان هفتم که می گوید "زنا نکن" نقصی ندارد، اما پولس نیروی تحقق آن را در قیاس خود به کار برد - این امر مستلزم حفظ اتحاد همسران تا زمان مرگ است. او این کار را برای نشان دادن این واقعیت انجام داد که ما تا پایان عمر به طور جدایی ناپذیری با «خود» (جسم) خود پیوند خورده ایم و تنها در صورتی از آن جدا می شویم که به خاطر خودخواهی خود بمیریم تا برای مسیح زندگی کنیم.

از آنچه در پاراگراف قبل آشکار شد، می توان نتیجه گرفت که رهایی از «قانون گناه» زمانی اتفاق می افتد که خود را تسلیم هدایت روح القدس کنیم، این عامل الهی که قلبهای ما را تغییر می دهد، ایمان به مسیح را الهام می بخشد و ما را تقویت می کند. ارباب اراده خود شوید و دیگر برده آن نباشید. رسول بیان می کند که ما به وسیله «قانون روح زندگی در مسیح عیسی» از آن رهایی یافته ایم. او در این بیان از همان قیاس با فصل 7 پیروی می کند و اکنون ازدواج دوم را ارائه می کند - ازدواجی که در آن ما با مسیح پیوند داریم. همانطور که در اولی اتفاق افتاد، در دومی نیز اتفاق می افتد. پس از تبدیل شدن به مسیح، مانند یک زن به شوهرش، مادام العمر با مسیح مرتبط می شویم. همان قانون که در مورد این اتحاد جدید اعمال می شود، تعیین می کند که هیچ چیز جز انتخاب ما برای مردن در این زندگی جدید نمی تواند ما را از مسیح جدا کند. قدرت این اتحاد جدید با تغییر ناپذیری قانون خدا که در اینجا به عنوان "قانون روح زندگی" اعلام شده است، نشان داده می شود. مسیح، «خداوند، روح است. و هر جا روح خداوند است، آزادی آنجاست» (دوم قرن).

(3:17) در مسیح به ما آزادی کامل و پایدار از گناه داده شده است. رهایی قطعی از "قانون گناه و مرگ".

"زیرا آنچه را که شریعت نتوانست انجام دهد، زیرا از طریق جسم ضعیف بود، خدا پسر خود را به صورت جسم گناهکار فرستاد، زیرا گناه گناه را در بدن محکوم کرد تا عدالت شریعت در ما تحقق یابد. که ما نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنیم." روم 4 8:3،

جمله «شریعت... از طریق جسم ضعیف بود» به این صورت درک می شود: خدا والدین اول ما، آدم و حوا را مطیع آفرید. تا زمانی که گناهی وجود نداشت، کافی بود که اراده یا شریعت او را به آنها عرضه کنیم و آنها داوطلبانه اطاعت کردند. آنها از رضایت خالق خود خوشحال شدند. بنابراین می توان گفت که قانون ابزار کافی برای سوق دادن آنها به اطاعت بود. گناه این واقعیت را تغییر داد. پس از ارتکاب آن، والدین ما دیگر قدرت یا تمایلی برای اطاعت نداشتند. آنها شروع به ترس از خدا کردند و از حضور او پنهان شدند (پیدایش 8 و 9).

در این حالت جدید، صرف ارائه خواسته های خدا دیگر برای هدایت آنها به اطاعت کافی نبود. و این وضعیت تا امروز باقی است. ارائه قانون به معنای ممنوعیت آنها، تغییری در او ایجاد نمی کند، زیرا او برده اعتیاد خود است. پولس وضعیت جدید ناتوانی قانون برای تغییر انسان به خودی خود را با ارائه ایده شخصی که بیمار است، نشان داد. کارگر وقتی مریض است در خانه می ماند و کار نمی کند. در مورد قانون خدا نیز همین اتفاق افتاد. پیش از این، ابزار کافی برای هدایت انسان به اطاعت یا «خوب کار می کرد». پس از گناه، او قادر به هدایت ما به اطاعت یا "بیمار" نشد. تمام کارهایی که شریعت برای انسان گناهکار انجام می دهد، قبل از اینکه مسیح را دریافت کند، این است که نشان دهد او یک تخطی است.

«به وسیله شریعت، معرفت گناه حاصل می شود» روم. 3:20. اما او هیچ فضیلت و قدرتی ندارد که او را تقویت کند و او را قادر به اطاعت کند. این کار برای شما غیر ممکن است.

در آیه بالا، جسم نمایانگر «خود» است، خودخواهی ما، که خود را برای زندگی در دام آن می یابیم، مگر اینکه با قدرت مسیح از آن رها شویم. تمایل آنها در مقابل ادعای شریعت خداوند است. اصلی که قانون احکام بر آن بنا شده است عشق فداکارانه است - به خدا و همسایه (لوقا 10:27) خودخواهی به رغم مصلحت خدا و دیگران، عشق به خود است. چنین اصول متضاد هرگز نمی توانند با هم وجود داشته باشند. فقط یکی در یک زمان تسلط خواهد داشت. با وام گرفتن عبارتی که پولس به کار برد، می توان گفت که انسان سقوط کرده «در جسم است»، یعنی برده خود است. حتی شریعت مقدس خدا هم نمی توانست او را از این بردگی خارج کند، زیرا او "بیمار" بود یا قادر به انجام این کار نبود. اما این یک نقص نیست. "بیماری" که برای هدایت انسان به اطاعت به قانون رسید، به تقصیر انسان رخ داد، این نافرمانی او بود که او را در شرایطی قرار داد که دیگر قانون نمی توانست به او کمک کند، مانند کسی است که به گودالی پریده است. از طول طناب آتش نشان عمیق تر است، او را نمی توان با آن نجات داد.

سپس، در حالی که انسان در وضعیت سقوط جدید خود ضعیف شده بود، خدا نقشه ای را که از ابدیت طراحی کرده بود، به اجرا درآورد (اول پطرس 20، 19:11 از آنجایی که برای شریعت غیرممکن بود که ما را به اطاعت سوق دهد، زیرا "ناتوان" بود، یا توسط جسم غیرممکن بود (به دلیل ضعف ذات سقوط کرده انسان)، خدا پسر خود را فرستاد تا مشکل را حل کند. در متن، پولس می گوید که او پسر خود را "برای گناه" فرستاد، یعنی به دلیل گناه انسان.

مسیح به «شبه بدن گناهکار» فرستاده شد تا این کار را انجام دهد. کلمه شباهت در اینجا نشان دهنده برابری به تمام معنا در جایی است که این امکان وجود دارد. مسیح "نابود شد"

خودش که به شکل یک خادم درآمده و شبیه انسانها شده است» فیل. 7:2 او «جسم شد و در میان ما ساکن شد» یوحنا. 14:1 او بدنی انسانی داشت که مملو از عواقب وراثت بود: «از آنجایی که کودکان در گوشت و خون شریک هستند، او نیز در همان چیزها شریک بود... شایسته بود که در همه چیز مانند برادرانش بود» عبرانیان 17، 14:2 از آنجایی که در این وضعیت قرار داشت، «او مانند ما از هر نظر وسوسه شد، اما گناهی نداشت». 15:4 او در طبیعت و محدودیت های جسمی و روحی ما با ما برابر بود. در حالی که در زمین سرگردان بود، گفت: "من نمی توانم کاری از خود انجام دهم" یوحنا. 30:5 فقط در موارد زیر با ما برابری نکرد: او منشأ الهی داشت (او پسر خدا بود که از ازل وجود داشت) او بود. مقدس به دنیا آمد (بدون فساد اخلاقی یا ویژگی های شخصیتی معیوب) و در گناه ما شرکت نکرد. او به این زمین «مقدس» آمد (لوقا 1:35) و به همان اندازه که به اینجا رسید به بهشت بازگشت.

اما پیروزی او در کودکی، کودکی، جوانی و بزرگسالی به عنوان یک مرد به دست آمد، با تمام محدودیت های مشترک در طبیعت انسان - که ما به خوبی می دانیم. چگونه برنده شدید؟ او، "در ایام بدن خود، با گریه و اشک فراوان، دعا و نیایش برای کسی که می توانست او را از مرگ نجات دهد، از آنچه می ترسید شنیده شد. او با وجود اینکه پسر بود، اطاعت را آموخت. از رنجی که او کشید و با کامل شدن، عامل نجات ابدی برای همه کسانی شد که از او اطاعت می کنند." عبرانیان 9:7-5 از طریق ایمان به پدر آسمانی خود و همیشه دعا، قدرتی را دریافت کرد که او را قادر ساخت تا بر جهان، خواسته های جسم و وسوسه های شیطان غلبه کنید. پولس این پیروزی را اینگونه ارائه می دهد: «او گناه را در جسم محکوم کرد.» یعنی در طول زندگی خود حتی برای یک لحظه اجازه نداد. به این ترتیب، او به تمام جهان اعلام کرد که در مواجهه با قدرتی که خداوند برای غلبه بر هر انسانی در دسترس قرار داده است، گناه قابل قبول نیست. مسیح با زندگی کامل خود گناه را غیرقانونی اعلام کرد. ، یا قابل قبول نیست، حتی در جسم انسان.

در اینجا ارزش یک مشاهده کوچک و مهم را دارد. از آنجایی که عیسی بر شرایط ما غلبه کرد و قدرتی که به وسیله آن او پیروز شد برای همه ما در دسترس است، هیچ بهانه ای برای گناه عمدی وجود ندارد. اگر انسان با دانستن اراده خدا گناه کرد، این انتخاب او بود، نه او. بنابراین، «اگر عمداً گناه کنیم، پس از اینکه معرفت حقیقت را دریافت کردیم، دیگر قربانی گناهان باقی نمی ماند، بلکه انتظار وحشتناکی از قضاوت و آتش سوزان است که دشمنان ما را خواهد بلعید» عبرانیان . 27، 26:10

با بازگشت به موضوع، دیدیم که مسیح با قدرت پدر بر گناه غلبه کرد، همان قدرتی که ما می توانیم دریافت کنیم. عیسی قول داد که او را نزد ما خواهد فرستاد. «و من از پدر دعا خواهم کرد و او تسلی دهنده دیگری به شما خواهد داد تا تا ابد با شما بماند، روح راستی که جهان نمی تواند آن را دریافت کند، زیرا او را نه می بیند و نه می شناسد، اما شما او را می شناسید، زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود.» یوحنا 17، 16:14 از طریق روح القدس، خود مسیح از نظر روحانی در ما ساکن خواهد شد.

روح ما از طریق عمل او در قلب ما زندگی مسیح در تجربه ما بازتولید می شود. بنابراین او افزود: "من شما را یتیم نخواهم گذاشت، من نزد شما خواهم آمد... در آن روز خواهید دانست که من در شما هستم." یوحنا 14:18، 20، بنابراین، درست است که بگوییم، همانطور که پولس گفت، که خدا مسیح را به دلیل گناه به جهان فرستاد و او بر آن غلبه کرد «تا عدالت شریعت در ما که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنیم، تحقق یابد». 8:3 به این معنی که با قدرت روح القدس فرستاده شده توسط مسیح، بتوانیم مطیع قانون خدا باشیم.

"زیرا کسانی که بر اساس جسم هستند به چیزهای بدن فکر می کنند، اما آنها که بر اساس روح هستند به چیزهای روحی فکر می کنند. زیرا توجه به جسم مرگ است، اما بودن ذهن جسمانی، دشمنی با خداست، زیرا نه تابع شریعت خداست و نه می تواند باشد. جسم، اما در روح، اگر روح خدا در شما ساکن است، اما اگر کسی روح مسیح را ندارد، از او نیست." رومیان 8: 5-9

کسانی که بر اساس جسم راه می روند، بنده اراده خود هستند. در زبان کتاب مقدس، آنها "اراده جسم و ذهن را انجام می دهند" اف. 2:2 و با قانون خدا همخوانی ندارد. پولس در مورد مرد تغییر نیافته گفت: "شریعت روحانی است، اما من جسمانی هستم و به گناه فروخته شده ام." روم. 7:14 بنابراین، مردانی که در جسم زندگی می کنند، خدا را خشنود نمی کنند، زیرا امیال خود را برای اطاعت سرکوب نمی کنند. شریعت اوست. و چون شریعت بیان اراده اوست، مشاهده می شود که انسانها خود را دشمن او می کنند. از شریعت تخطی می کنند و مرتکب گناه می شوند که نتیجه آن مرگ است. بنابراین مشاهده می شود که تمایل طبیعی انسان او را به سمت مرگ سوق می دهد.

وقتی انسان تسلیم هدایت روح القدس شود و به او اجازه دهد تا او را «تقویت» کند، یا او را پر از قدرت کند، وضعیت قبلی به شدت تغییر می کند. "روح با جسم می جنگد" و بر آن غلبه می کند "تا آنچه را که می خواهید انجام ندهید" Gal. 5:17 از طریق آن، انسان بر اراده خود مسلط می شود و آن را به رهنمودهای خداوند مندرج در شریعت او تسلیم می کند. و اطاعت راه حیات جاوید است. عیسی به حاکم جوان ثروتمند گفت: «اما اگر می خواهی وارد زندگی شوی، احکام را نگاه دار.»

متی 19:17 بنابراین، عمل روح القدس در زندگی انسان، او را به اطاعت از خدا، به زندگی جاودانه می کشاند. و همچنین برای صلح با او، زیرا هر که از شریعت پیروی کند با او هماهنگ است مایل بودن.

از آنچه در پاراگراف قبل بیان شد، می توان نتیجه گرفت که تنها کسانی را می توان به عنوان پیروان مسیح به حساب آورد که اجازه دادند روح القدس در قلب آنها عمل کند. همه کسانی که در برابر او مقاومت می کنند او نیستند. در این متن به «روح خدا» و «روح مسیح» اشاره شده است. هر دو

عبارات به همین روح اشاره دارد. "یک روح وجود دارد" افه. 4:4 او از خدای پدر است زیرا از او سرچشمه می گیرد (یوحنا 15:26) و این مال مسیح است زیرا پدر آن را به او داد و او نیز به نوبه خود آن را برای ما فرستاد. پطرس در این باره گفت: «خدا این عیسی را برانگیخت... به طوری که با دست راست خدا تعالی یافت و وعده روح القدس را از پدر دریافت کرد، این را که اکنون می بینید و می شنوید، بریزد. "اعمال رسولان ۳۳. ۲:۳۲،

در این مرحله شایان ذکر است که روح یک موجود یا شخص نیست، بلکه یک نشأت از خداوند است که ماهیتش تعریف نشده است و از طریق آن او زندگی معنوی خود را به انسان منتقل می کند.

«روح و آنچه برای (یوحنا ۱۴:۱۷) و جسم، شیطان و لذت روح است، ما هادها روح شویدا و نه او روح خذرا لینی بارسلوتخواه و موقرنتوان روح (حکمتنا و غفلم گوا و روح طریق نصیحت و قدرت و روحیه

علم و ترس از پروردگار. اشعیا 11:2 ثمرات یا آثار حاصل از دریافت روح همه با ده فرمان هماهنگ است: "اما ثمره روح محبت، شادی، صلح، صبر، مهربانی، نیکی، ایمان، ملایمت، اعتدال است. در برابر این چیزها شریعت وجود ندارد" غل. 23، 22:5 از آنجایی که روح القدس از خدا نشأت می گیرد، پرستش آن خطای بزرگ و حتی گناه است، زیرا در این صورت ما نه خدا، بلکه آنچه را که از او می آید، می پرستیم. کل جهان نمی تواند سقوط کند و فقط پدر و پسر را پرستش کند. (Apoc. 5:13)

«و اگر مسیح در شما باشد، بدن به خاطر گناه مرده است، اما روح به خاطر عدالت زنده می شود.» رومیان 8:10

وضعیت کسی که در زندگی او کار روح القدس انجام می شود این است: بدن در برابر گناه مرده است، به این معنا که ذهن از آن برای انجام بدی استفاده نمی کند.

ذهن ما بدن را کنترل می کند. این ابزاری است که از طریق آن اراده خود را اعمال می کنیم. ما قبلاً در مطالعه فصل 6 دیدیم که این به ما بستگی دارد که اعضای خود را برای عمل به عدالت به خدا معرفی کنیم (رومیان 6:13) و وقتی وسوسه می شویم، این امتیاز را داریم که به مسیح روی آوریم و برای غلبه بر قدرت الهی التماس کنیم. او ما را دعوت می کند: «از قوت من بگیر و با من صلح کن.» عیسی 27:5 برای همه کسانی که چنین می کنند، این وعده مسلم است: «گوسفندان من هرگز هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از آنها نخواهد گرفت. دستان من» یوحنا 28. 10:27، با زندگی کردن در این تجربه، بدن شما در برابر گناه مرده خواهد بود (یعنی آن را انجام نمی دهید)، در حالی که روح (ذهن) شما زنده یا مطیع قانون و خدا خواهد بود. به خاطر عدالت مسیح که در پاسخ به دعای ایمان به او ابلاغ شد.

«و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید بدنهای فانی شما را نیز به وسیله روح خود که در شما ساکن است زنده خواهد کرد.»
رومیان 8:11

خدای پدر ما را در شرایط زندگی روحانی نگه می دارد، حتی زمانی که ما در وضعیت فانی خود زندگی می کنیم، با کار در ما از طریق روح القدس خود. عیسی گفت: "پدري که مرا فرستاد، او به من فرمان داد... و می دانم که فرمان او حیات جاودانی است." یوحنا 50، 12:49 بنابراین، کسی که احکام را اطاعت می کند، حیات روحانی دارد. اما این فقط است. از طریق عمل روح خدا در زندگی ما امکان پذیر است. پل به افسسیان گفت که خدا "شما را زنده کرد، هر چند در گناهان و گناهان مرده بودید" افسسیان. 1:2 به عبارت دیگر، آنها را از حالت بی وفایی خود خارج کرد و به افرادی مطیع ده فرمان تبدیل کرد. آیه روم نیز همین واقعیت را نشان می دهد. با روح خود، خدا به ما حیات روحانی می بخشد، ما را وادار می کند که از قانون خود پیروی کنیم.

«پس ای برادران، ما بدهکار هستیم، نه اینکه بر اساس بدن زندگی کنیم، زیرا اگر بر اساس جسم زندگی کنید، خواهید مرد، اما اگر به وسیله روح اعمال بدن را بکشید، برای همه کسانی که توسط روح خدا هدایت می شوند، اینها فرزندان خدا هستند. زیرا شما روح بردگی را دریافت نکردید تا دوباره در ترس باشید، بلکه روح فرزندخواندگی را دریافت کردید که ما به وسیله آن گریه کن ابا، پدر.» رومیان 15-12:8:

هرکسی که بدهکار است باید بدهی خود را بپردازد. کسانی هستند که به همسایه خود لطف دارند. بنابراین، وقتی از شما چیزی می خواهد، خود را موظف به انجام آن می دانید. پل می گوید این مورد ما نیست. ما بدهکار نیستیم با ایمان به مسیح ما فرزندان خدا می شویم و به این ترتیب به اراده خودخواهانه خود بدهی نداریم. ما هیچ دلیلی نداریم که آن را به "زندگی بر اساس جسم" راضی کنیم، زیرا اگر این کار را انجام دهیم، گناه می کنیم، و گناه، پس از تکمیل، مرگ را ایجاد می کند (یعقوش. 1:15) به عنوان کودک، ما این امتیاز را داریم که توسط روح او هدایت شویم، که از آن به عنوان "روح فرزندخواندگی" یاد می شود، سندی که حق ما را برای تعلق به این خانواده ثابت می کند. روح القدس «وثیقه میراث ما» افس. 14، 13:1 است. و بزرگترین میراث ما خود مسیح است که خود را برای ما داد (غلاطیان. 2:20) خداوند در مورد لایوان شهادت داد: «کاهنان لای، تمام سبط لای، در اسرائیل هیچ سهم و میراثی نخواهند داشت... در میان برادران خود هیچ میراثی نخواهند داشت. خداوند میراث توست» تثیبه.

2، 1:1 این کاهنان شخصیتی از قوم خدا، از ایمانداران به مسیح بودند، که بعداً قوم کاهنان نامیده شدند: «شما نسل برگزیده، کاهنان سلطنتی، امت مقدس هستید،

قوم اکتسابی، تا ستایش او را که شما را از تاریکی به سوی نور شگفت انگیز خود فراخواند، اعلام کنید... اکنون شما قوم خدا هستید.» 2 پت. 10، 2:9
پس مسیح خداوند، پسر خدا، میراث ماست. در نتیجه، پدرش ما را به عنوان فرزند می شناسد، زیرا ما پسر او را در قلب خود داریم. «و چون شما پسر
هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های ما فرستاده که ندا می دهد، ایا، پدر.» (غلاطیان، 4:6)

"همین روح با روح ما شهادت می دهد که ما فرزندان خدا هستیم. و اگر فرزندان هستیم، وارث نیز هستیم، وارث خدا و مشترک با مسیح، اگر درست
است که با او رنج می بریم، تا ما نیز با او جلال می‌یابیم زیرا من فکر می‌کنم که مصائب این زمان با جلالی که در ما خواهد بود قابل مقایسه نیست.

آشکار شد.» رومیان 18-16:8

ما متوجه می شویم که چه زمانی با خدا در صلح هستیم. روح او به وجدان ما آرامش و آرامش می بخشد. پولس در مورد تجربه خود و
همکارانش گفت: «ما متقاعد شده‌ایم که وجدان پاکی داریم و می‌خواهیم در همه چیز شایسته زندگی کنیم.» عبرانیان 13:18 این یقین اعتقاد ما را
تقویت می کند که زمین جدید را به ارث خواهیم برد، تجدید شده، بدون لکه گناه. " 2 حیوان خانگی 13:3 مسیح توسط خدا وارث همه شد (عبرانیان
(2، 1: 1 و اگر مسیح در ما زندگی می کند، با ایمان در میراث او شرکت می کنیم، و به همین دلیل است که روح خدا این اعتقاد را در ذهن ما قرار می
دهد. اما کسانی که پادشاهی را با مسیح به ارث خواهند برد، گام های او را در مسیر حقارت، به خاطر حقیقت، روی زمین دنبال خواهند کرد. کتاب
مقدس در مورد کسانی صحبت می کند که "بره را هر کجا که می رود دنبال می کنند" Apoc. 14:4 و مسیح به عنوان بره صلیب را حمل کرد و به جایی
رفت که جان خود را برای ما فدا کرد. او جان خود را برای ما فدا کرد و ما باید جان خود را برای برادرانمان فدا کنیم.» اول یوحنا 3:16 یعنی، ما باید زندگی
خود را وقف این هدف کنیم که اطمینان حاصل کنیم که همه برادران انسانی ما پیام انجیل را دریافت می کنند.

عیسی وعده داد که همه کسانی که از او در مسیر انکار و فداکاری در زمین پیروی می کنند، با او در بهشت جلال خواهند یافت. او گفت: «و هر که به
خاطر نام من خانه، یا برادر، یا خواهر، یا پدر، یا مادر، یا همسر، یا فرزند یا زمین را ترک کند، صد برابر خواهد شد و وارث حیات جاودانی خواهد شد.»
متی 19:29

"زیرا انتظار مشتاق مخلوق در انتظار ظهور فرزندان خداست. زیرا خلقت نه به میل خود، بلکه به خاطر کسی که آن را در جهان تسلیم کرد، در معرض
بطالت قرار گرفت.

امید است که همین موجود نیز از اسارت فساد رهایی یابد و به آزادی جلال فرزندان خدا برود.» رومیان 21-19:8

روزی که خداوند آدم و حوا را آفرید، او را بر تمام مخلوقات روی زمین مسلط کرد. فرمود: بارور شوید و زیاد شوید و زمین را پر کنید و آن را مسخر کنید. و بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر موجود زنده‌ای که روی زمین حرکت می‌کند تسلط داشته باشید.»

1:28 بنابراین، برکاتی که آنها دریافت کردند در حالی که مطیع بودند، به حوزه آنها نیز تعمیم خواهد یافت. وقتی والدین اول ما به گناه افتادند آنها را از دست دادند. در نتیجه، آفرینش تحت سلطه آنها نیز همراه با آنها آسیب دید. از طریق گناه، مرگ - نه تنها برای انسان - بلکه به حیوانات و گیاهان نیز وارد شد. اما خلقت نه به خاطر اراده خود، بلکه به دلیل اراده حاکمانش در معرض مرگ قرار گرفت. بنابراین، هنگامی که انسان‌ها از اسارت گناه رهایی یافتند و خداوند آسمان‌های جدید و زمینی جدید ساخت، گیاهان و حیوانات نیز سود خواهند برد. ما تجلیل خواهیم شد و مخلوقات تحت فرمانروایی ما از همه آثار نفرین گناه پاک خواهند شد و تا ابد زندگی خواهند کرد. به قول پولس، "مخلوق از اسارت فساد رها خواهد شد، به آزادی جلال فرزندان خدا." و دیگر مرگ و ماتم و فریاد و درد نخواهد بود. زیرا اولین چیزها گذشته است.» Apoc. 21:4

"زیرا می‌دانیم که تا کنون کل خلقت ناله می‌کند و در درد زایمان است. و نه تنها آن، بلکه خود ما که اولین ثمرات روح را داریم نیز در درون خود ناله می‌کنیم و منتظر فرزندخواندگی و حتی رستگاری هستیم. بدن ما، زیرا به امید نجات یافته‌ایم، امیدی که دیده می‌شود امید نیست، زیرا آنچه را که انسان می‌بیند چگونه منتظر آن باشد؟ اما اگر به چیزی امیدوار باشیم که نمی‌بینیم، صبورانه منتظر آن هستیم. روم 8:22-25

اکنون که به مسیح ایمان داریم و می‌دانیم که زمین جدید برای ما محفوظ است، همراه با بهشتی از برکات که «چشم ندیده، گوش نشنیده و به قلب انسان وارد نشده است» (اول قرنتیان 9: 2) زندگی ما بر روی زمین برای ما چیزی شبیه به هیچ چیز نیست، وقتی می‌بینیم گناه در همه جا فراوان است، ناله می‌کنیم و نتایج فاجعه بار خود را از جمله رنج، بدبختی و نابودی برای انسان‌ها و خلقت خدا به همراه می‌آورد، چنین اندوه و اندوهی با دردهای تولد قابل مقایسه است. .

نه تنها ما، بلکه تمام خلقت رنج می‌برند - یا به قول پولس، به معنای مجازی «نالیده می‌شود». اما ما به امید ناله می‌کنیم، زیرا معتقدیم که وعده‌های خدا قطعی است. مسیح گفت: "دل‌تان مضطرب نشود، به خدا ایمان بیاورید، به من نیز ایمان بیاورید. در خانه پدرم عمارت‌های زیادی است، اگر اینطور نبود، به شما می‌گفتم. برای شما مکانی آماده خواهد کرد. وقتی من میرم و تو

مکانی را آماده کنید، من دوباره خواهم آمد و شما را نزد خود خواهم برد تا جایی که من هستم شما نیز باشید.» یوحنا 14:1 دردهای ما زیاد طول نمی کشد.

مسیح گفت: "اینک من به سرعت می آیم"

آپوک 22:12 و او به ما یقین داد: "دوبار مشکل پیش خواهد آمد" ناحوم 9: 1 پس از غلبه، شر دیگر هرگز ظهور نخواهد کرد. گناه و گناهکاران برای همیشه نابود خواهند شد. ما به زودی هر آنچه به ما وعده داده شده بود را دریافت خواهیم کرد.

«و به همین ترتیب روح نیز به ضعفهای ما کمک می کند، زیرا نمی دانیم چگونه باید برای چه چیزی دعا کنیم، اما خود روح با ناله هایی که قابل بیان نیست برای ما شفاعت می کند. نیت روح این است و اوست که به موجب خدا برای مقدسین شفاعت می کند.» رومیان 27، 26:8

روشی که روح «ما را در ضعفهایمان یاری می دهد» از طریق مبارزه با خواسته های شیطانی است که به طور طبیعی داریم، وجدان خود را لمس می کنیم تا به خود نه بگوییم و ما را تقویت می کند تا در صورت تصمیم به اطاعت از خدا بر خود مسلط شویم. در کلمات کتاب مقدس: روح با جسم می جنگد" Gal. 5:17 "ما... روحی را دریافت کردیم که از جانب خدا می آید، تا بتوانیم آنچه را که خدا به طور رایگان به ما داده است، بدانیم"، یعنی تا بتوانیم تجربه داشته باشیم. اطاعت از خدا (دوم قرن بیان 12: 2) با توجه به این واقعیت، بدیهی است که عمل روح القدس در ذهن ما رخ می دهد. ما نمی توانیم آن را کاملاً با کلمات بیان کنیم. فقط باید باور کنیم که مسیح از طریق روح خود در ما عمل می کند و در وجدان ما با «نال های غیرقابل بیان» شفاعت می کند. ما از طریق روح او ما را به اطاعت از اراده خدا هدایت می کند. مسیح برای ما شفاعت می کند و اراده پدر را انجام می دهد. "این مسیح است که مرد... و همچنین شفاعت می کند

ما «رام. 8:34

"و ما می دانیم که همه چیز با هم برای نیکی برای کسانی که خدا را دوست دارند، برای کسانی که بر اساس هدف او خوانده شده اند، عمل می کند. زیرا او از پیش تعیین کرده بود که به صورت پسر خود مطابقت یابد تا نخست زاده در میان باشد. بسیاری از برادران را و کسانی را که از پیش تعیین کرد، آنها را نیز خواند، و هر که را خواند، عادل ساخت و هر که را عادل کرد، جلال داد.» روم 8:28-30

مسیح به عنوان نجات دهنده تمام جهان فرستاده شد (یوحنا 4:42؛ 3:16 بنابرین، همه "دعوت کردند". ما از قبل از پیدایش جهان توسط خداوند شناخته شده ایم. و او ما را مقدر کرد که با تصویر اخلاقی مسیح مطابقت داشته باشیم. کلام الهی: « تو را با عشق جاودانه دوست داشتم، پس با مهربانی تو را جلب کردم» خطاب به همه انسانها بود (ار).

(3:31 خداوند هر یک از ما را تنها فرزند خود می داند. او شادی ما را از ابدیت برنامه ریزی کرده است - به شرطی که مسیری را که او اشاره می کند دنبال کنیم. از این رو، در طول زندگی ما، پیام دعوت انجیل را برای ما به ارمغان آورد: «کسانی را که از پیش مقدر کرده بود نیز فراخواند.» هدف او این بود که ما را توجیه کند، یعنی در عین حال ما را ببخشد و ما را به نیکی تبدیل کند. و بعداً، اگر ما وفادار باشیم، او می خواهد ما را به مناسبت آمدن دوم مسیح جلال دهد. و کسانی که عدالت را به بسیاری تعلیم می دهند، مانند ستارگان تا ابدالابد.» دان.

12:3.

اما در حالی که جبر به سعادت و دعوت خداوند برای همه است، عادل و جلال به انتخاب ما بستگی دارد. اگر مسیح را به عنوان نجات دهنده و خداوند زندگی خود رد کنیم، عادل نخواهیم شد. اگر از راه رفتن با او امتناع کنیم، از اطاعت او دست برداریم و سرکشی کنیم، جلال نخواهیم یافت. قول مشروط این است: «تا مرگ وفادار باش و تاج حیات را به تو می‌دهم». 2:10 در کلمات این آیات از رومیان، پولس آرمان خدا را برای همه ارائه می دهد، که بسته به اینکه به او اجازه دهیم کار را در ما انجام دهد، از طریق مسیح، می تواند برآورده شود یا خیر. باشد که همه ما به او این اجازه را بدهیم!

"پس به این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا با ما است، چه کسی می تواند بر علیه ما باشد؟ آن که پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را به خاطر همه ما تسلیم کرد، چگونه با او همه چیز را به ما نخواهد داد.؟" روم 30، 29:8

چه تسلی، چه قدرتی در این حرف هاست! "خدا آنقدر جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد" یوحنا 3:16 او را به همه ما داد. و چون آن را داد، هر چه از او بود با او داد. اما همه چیز به واسطه مسیح خلق شد. «بدون او هیچ چیز ساخته نشد.» همه چیز توسط او و برای او آفریده شد" (یوحنا 3: 1؛ 1: کول. (16: 1؛ پس وقتی خدا مسیح را به ما داد، او نیز همه چیز را به ما داد و ما را وارث همه چیز قرار داد. کلماتی که زمانی به آدم و حوا گفته شد متعلق به ماست: «خداوند آنها را برکت داد و خداوند به آنها گفت: بارور شوید و زیاد شوید و زمین را پر کنید و آن را مسخر کنید و بر ماهیان دریا و بر پرندگان تسلط داشته باشید. دریا، آسمانها، و بر هر حیوانی که روی زمین حرکت می کند.» پیدایش 28:11 اگر فقط به این ایمان داشته باشیم، خواهیم دید که تا زمانی که در اراده خدا باقی بمانیم، هیچ چیز برای ما غیرممکن نخواهد بود. از اعتقاد به این واقعیت که مسیح گفت: "به راستی به شما می گویم، اگر مانند دانه خردل ایمان دارید،

به این کوه خواهی گفت: از اینجا به آن طرف حرکت کن و خواهد گذشت. و هیچ چیز برای شما غیر ممکن نخواهد بود.» متی 17:20
پولس در این مورد گفت: «وقت ندارم از جدعون و باراک و سامسون و یفتاح و داوود و سموئیل و انبیایی بگویم که با ایمان بر پادشاهی
ها غلبه کردند، عدالت. عهد گرفتند، دهان شیران را بستند، نیروی آتش را فرو نشانند، از لبه شمشیر رهایی یافتند، از ضعف نیرو
گرفتند، در جنگ کوشیدند، لشکر بیگانگان را فراری دادند» عبری 34-32:11 همه چیز به کسانی داده خواهد شد که به مسیح ایمان
دارند.

"چه کسی برگزیدگان خدا را متهم می کند؟ این خداست که آنها را عادل می کند. چه کسی آنها را محکوم می کند؟ زیرا این مسیح است
که مرد، یا بهتر است بگویم که از مردگان برخیزد، که در دست راست خدا است و همچنین شفاعت می کند. برای ما" روم 8:33، 34

در این سخنان ما یک وعده ارزشمند دیگر داریم. یقین به اینکه خداوند ما را می بخشد و تایید می کند، بزرگترین نعمتی است
که می توانیم دریافت کنیم. او در زمان هایی که به زودی فرا خواهد رسید حتی ارزشمندتر خواهد بود. عیسی گفت: "زیرا آنها شما را
به شوراها خواهند سپرد و در کنیسه های خود تازیانه خواهند زد و به خاطر من به حضور فرمانداران و پادشاهان آورده خواهید شد تا
برای آنها و غیریهودیان شهادت دهید... برادر برادر را به مرگ تسلیم خواهد کرد و پدر پسر خود را و فرزندان بر علیه والدین خود قیام
کرده و آنها را خواهند کشت و همه به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت." متی 22، 21:10 همانطور که با مسیح کردند. آنها
شاهدان دروغین برای محکوم کردن بسیاری از ما خواهند بود و به نظر می رسد که ما بدترین جنایتکاران هستیم. حافظان ده فرمان به
عنوان دشمنان قانون و نظم اجتماعی محکوم خواهند شد. اما ما می توانیم همه اینها را با صبر تحمل کنیم. مسیح برای ما که به او
ایمان داریم شفاعت می کند و پدر خالق ما و حاکم جهان ما را با خون عیسی پاک و با زندگی مسیح عادل اعلام می کند. ما می توانیم
در حضور بزرگان روی زمین، آرام و در صلح با خدا باقی بمانیم، حتی در میانه آزمایش هایی که فقط شبیه سازی عدالت هستند که طبق
روایات نادرست و با هدف قبلی بدنام کردن انجام می شوند. و محکوم کردن بی گناهان

"چه کسی ما را از محبت مسیح جدا خواهد کرد؟ مصیبت یا پریشانی یا جفا یا قحطی یا برهنگی یا خطر یا شمشیر؟ همانطور که
مکتوب است: به خاطر تو تمام روز به مرگ تسلیم شده ایم. برای ذبح گوسفندان شمرده می شوند. اما در همه این چیزها ما به واسطه
ی او که ما را دوست داشت بیش از پیروز هستیم. زیرا من متقاعد شده ام که نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه حکومت ها، نه قدرت
ها، نه حال و نه چیزهای آینده. ، نه

ارتفاع و عمق و هیچ موجود دیگری نمی تواند ما را از عشق خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا کند. 8:35-39:

موضوع اصلی نامه به رومیان، ارائه انجیل است، که شامل بخششی است که خدا از طریق قربانی کردن پسر یگانه خود، عیسی مسیح، به همه مردم داده است. فقط عشق می تواند خدا را برانگیزد تا چنین قربانی را برای ما انجام دهد، به ویژه با توجه به این که ما به عنوان مخلوقات او نمی توانیم چیزی برای جبران این قربانی به او بدهیم. بنابراین، آشکار است که انجیل محبت خدا را آشکار می کند. و همچنین عشق مسیح که جان خود را برای ما فدا کرد. و "ما او را دوست داریم زیرا او ابتدا ما را دوست داشت." اول یوحنا 4:19. این پیوند عشق گسست ناپذیر است. عشق الهی ما را تقویت می کند تا در برابر عشق به مسیح هر آزمایشی را تحمل کنیم. آخرین کلمات فصل 8 رومیان بیان این اطمینان است که پولس از آن برخوردار بود. و آنها برای ما ثبت شدند زیرا این امتیاز ما نیز است که آن را داشته باشیم. بیایید و مسیح را برای خود ببینید؛ قربانی پدر و پسر را برای خود ببینید، گناهکار، همانطور که در کلام او آشکار شده است. پرتوهای خورشید هر کسی را که در خیابان بیرون می رود روشن می کند، بدون اینکه کسی غایب باشد، روح عشق خدا به وفور وجود دارد که قلب همه کسانی را که مایل به دریافت آن هستند پر می کند!

رومیان 9

"در مسیح راست می گویم، دروغ نمی گویم (وجدانم به روح القدس شهادت می دهد) که اندوه بزرگ و درد مداوم در قلبم دارم. برادران من که برحسب جسم خویشاوندان من هستند و بنی اسرائیل که فرزندخواندگی و جلال و عهد و شریعت و عبادت و وعده ها از آنهاست و از آنها پدران است. و مسیح بر حسب جسم که بالاتر از همه است از اوست.

تا ابد ستایش خدایی را که برتر از همه چیز است! رومیان 5-1: 9:

یوحنا از الهام گرفته شد تا بنویسد: "می دانیم که از مرگ به زندگی رسیده ایم، زیرا برادران خود را دوست داریم" اول یوحنا 3:14. این کلمات تنها به عشق به کسانی اشاره نمی کند که در ایمان ما شریک هستند، زیرا مسیح گفت: "دشمنان خود را دوست بدارید... برای کسانی که با شما بدرفتاری می کنند و شما را آزار می دهند دعا کنید تا فرزندان پدری باشید که در آسمان است. برای اگر آنها را دوست داشته باشید

چه کسی شما را دوست دارد، چه پاداشی خواهید داشت؟ و اگر فقط به برادران خود سلام کنید، چه کار دیگری انجام می دهید؟» متی 44-5:44 پولس از عشق مسیح نسبت به یهودیان هموطن خود آغشته بود، اگرچه بسیاری از آنها سرسخت ترین دشمنان و جفاگران او بودند. با این حال، رسول می گوید که ممکن است بخواهد از سوی مسیح «محرم» یا محکوم شود، اگر این امر باعث می شود که آنها شادی نجات روح را بیابند. او دریافت که بنی اسرائیل از بسیاری جهات نسبت به سایر ملل مورد توجه خاص قرار گرفته اند. از آنان موسی آمد که خداوند جداول شریعت و مکتوب اراده خود را به او سپرده بود. و خدا به او و سایر پیامبرانی که از او پیروی کردند، مکاشفه هایی داد که باعث پیدایش کتاب مقدس شد، که حاوی انجیل عهد او با مردم بود.

آنها همچنین حاوی دستورالعمل هایی در مورد اشکال پرستش واقعی و همچنین سایر مواردی بودند که می توانست آنها را به تجربه زندگی به عنوان فرزندان خدا آزاد از گناه در این زمین و شرکت در جلال جاودانه آینده سوق دهد. و از همه مهمتر: آنها آمدن مسیحا، پسر خدا، نجات دهنده جهان، کسی که از طریق او تمام وعده های داده شده به مردم محقق خواهد شد، خبر دادند (یوحنا 2؛ 39:5 قرن تیان .). (20، 1:19 خود مسیح از مریم، از نسل ابراهیم، یهودا و داوود مجسم شد و متولد شد. اما بنی اسرائیل با طرد مسیح، تمام نعمت هایی را که همراه او بود، رد کردند. و همچنین آیات الهی را که به آمدن مسیح اشاره می کرد و به عنوان امانتی برای دنیا به آنها سپرده شده بود، رد کردند.

آگاهی از این واقعیت قلب پائولو را پر از غم و اندوه و درد کرد، تا جایی که او حاضر بود هر کاری که ممکن است برای برگرداندن وضعیت انجام دهد.

مثال رسول در این روزهای آخر با ادونتیست های روز هفتم مشابهت دارد. این افراد مانند بنی اسرائیل یک سری امتیازات را دریافت کردند. هنگامی که آنها به عنوان یک مردم ظهور کردند، در سال 1844 آنها مکاشفه دریافت کردند که مسیح برای بشریت در پناهگاه آسمانی، جایی که تاج و تخت خدا است، خدمت کرد، و او ده فرمان را به عنوان اساس حکومت دارد. در این زمان مسیحیت به طور کلی اطاعت از دیکالوگ را ضروری نمی دانست. بنابراین، وحی به عنوان یک تحویل جدید از قانون به عنوان سپرده برای توزیع در جهان در قالب یک پیام ظاهر شد. با آن مکاشفه های پی در پی ارائه شد که توسط وزارت نبوی ارائه شد، همه شبیه به آنچه به موسی داده شد و در کتاب های خروج تا تثنیه ثبت شده است: پیام های مربوط به مراقبت های بهداشتی، شامل رژیم غذایی، روش های درمان طبیعی بیماری ها و دستورالعمل هایی برای ایجاد آسایشگاه ها. ; اصول تعلیم و تربیت واقعی، شامل مراقبت از کودکان در خانه و توصیه برای تأسیس مدارس. و به عنوان یک مکاشفه اوج، رساندن پیام عادل شمرده شدن از طریق ایمان، همسو با نوری است که به رومیان ارائه شده و در این کتاب آشکار شده است. هدف آن این است که مردم را به راه رفتن بدون گناه بر روی این زمین هدایت کند و با ایمان بر تمام وسوسه های جهان غلبه کند (اول یوحنا .4)؛ 5:4 با این حال، مانند بنی اسرائیل قدیم، ادونتیست ها خود مسیح را در پیام خود رد کردند و دشمن و جفا شدند.

از کسانی که آن را پذیرفتند و آنان را از خطایشان برحذر داشتند. همان عشقی که در گذشته قلب رسول را پر می کرد، باید ما را نیز مملو از ترحم برای جفاگران کنونی و اشتیاق خالصانه برای نجات آنها کند. دعای ما باید برای آنها قیام کند تا چشم بند از چشمشان بیفتد.

«نه اینکه کلام خدا شکست خورده است، زیرا نه همه کسانی که از اسرائیل هستند بنی اسرائیل هستند، و نه به این دلیل که آنها از نسل ابراهیم هستند همه آنها فرزندان هستند، بلکه: در اسحاق فرزندان شما خوانده می شوند. یعنی آنها فرزندان نیستند. از جسم که فرزندان خدا هستند، اما فرزندان موعود

به عنوان نسل شمرده می شوند.» رومیان. 8-6: 9

نام اسرائیل به معنای "برنده" است. وقتی پدرسالار یعقوب خود را بر مسیح افکند، با ایمان فریاد زد: "من تو را رها نمی کنم، مگر اینکه مرا برکت دهی. و به او گفتم: "نام تو چیست؟" و او گفت: "یعقوب". سپس گفت: "او خواهد کرد." دیگر نام تو یعقوب نامیده نشود، بلکه اسرائیل است، زیرا تو به عنوان شاهی با خدا و با مردم جنگیده ای و پیروز شده ای.» پیدایش 28-26: 32 نام یعقوب به معنای «فریبنده» است.

این نشان دهنده این بود که یعقوب تا آن مرحله از زندگی خود را چگونه می دید. وقتی جوانتر بود، پدرش را فریب داده بود تا به او برکت اولادی بدهد که میخواست آن را به برادرش عیسو بدهد و در نتیجه برادرش نقشه‌ای کشید تا او را بکشد. به همین دلیل به سرزمین خانواده اش در فاصله هزار کیلومتری گریخت و سال ها در آنجا ماند.

سرانجام از خداوند دستور گرفت که به وطن خود بازگردد. اما به یاد خشم برادرش افتاد. پس فرستادگانی را با هدیه ای برای او پیشاپیش فرستاد، به این امید که او را آرام کند. اما او پاسخ داد که عیسو با چهارصد نفر به ملاقات او می آید.

او ناامید به جستجوی خدا رفت و در آنجا مسیح را یافت که شانه او را لمس کرد. اما چون شب بود او را نشناخت و تمام شب با او جنگید. در پایان مبارزه، رسول الهی با دست زدن به ران او شخصیت خود را آشکار کرد و او را لنگید. با شناخت منشأ الهی بازدیدکننده، خود را بر رحمت او افکند. پس پذیرفته شد. گناهایش بخشیده شد و قدرت یافت تا زندگی جدیدی داشته باشد. کتاب مقدس می گوید که ناجی «در آنجا او را برکت داد» پیدایش 32: 29 و نام او را به اسرائیل تغییر داد.

بنابراین معنای معنوی نام اسرائیل، آمرزش و پیروزی بر گناه است.

پولس بر اساس این اعتقاد گفت که «همه اسرائیلی ها اسرائیلی نیستند». فریسیان که مسیح را رد کردند، بخشش او و پیروزی بر گناه را که او انجام داد، در واقع «اسرائیل» نبودند. فریسیان آزاردهنده فقط اسرائیلیان بر حسب جسم بودند، یا به قول پولس «فرزندان جسم» بودند. نه به این دلیل که آنها از نسل ابراهیم بودند، بلکه فرزندان خدا بودند. در مسیح و احکام

آنها وعده هایی هستند که در زندگی مؤمنان تحقق می یابند تا مطیع شوند. اما از آنجایی که وعده های خدا از طریق مسیح تحقق می یابد (دوم قرن تیان، 20، 1:19 پس فقط کسانی که به مسیح ایمان دارند و تسلیم او هستند فرزندان وعده هستند. ابراهیم دو پسر داشت: یکی از اعمال خود و دیگری به خاطر ایمان. اسحاق پسر ایمان بود. به همین دلیل است که رسول می فرماید: «در اسحاق نسل تو خوانده خواهد شد». ابراهیم را «پدر ایمان» نامیدند (روم).

(4:16 بنا بر این، آنها فرزندان ابراهیم، به معنای روحانی، همه کسانی هستند که به مسیح و وعده هایی که خدا از طریق او داده است، ایمان دارند.

«زیرا کلام وعده این است: در این زمان من خواهم آمد و سارا صاحب پسری خواهد شد. با این حال به دنیا آمده بود، و نه خوب بود یا بد (تا هدف خدا، بر اساس انتخاب، ثابت بماند، نه به خاطر اعمال، بلکه به خاطر او که دعوت می کند)، به او گفته شد: بزرگترین آنها به کوچکترین ها خدمت خواهند کرد. نوشته شده است: من یعقوب را دوست داشتم و از عیسو متنفرم، پس چه بگویم که از جانب خدا ظلم شده است؟ رحمت بر او که رحمت خواهم کرد، پس این نه به آنچه می خواهید و نه به آنچه می دويد بستگی دارد، بلکه به خدایی که رحم می کند» رومیان 9-16: 9

خلاصه مطالب فوق این است: خداوند برای تحقق وعده هایش به خودش وابسته است. در آیات قبل، رسول بیان کرد که بنی اسرائیل کسانی هستند که به وعده های خدا ایمان دارند. اکنون او با نشان دادن اینکه فرزند خدا بودن به کاری که انسان انجام می دهد یا از والدین جسمانی خود می گیرد، برهان را گسترش می دهد. نه به آنچه می خواهید و نه به آنچه می دويد بستگی دارد، بلکه به خدای مهربان بستگی دارد. پولس برای اثبات این استدلال از دو مثال استفاده می کند. اولی مربوط به سارا است که در سنین پیری صاحب پسری شد، در حالی که هیچ کاری از دستش بر نمی آمد. او تنها به این دلیل صاحب فرزند شد که خداوند از قدرت خود استفاده کرد و به وعده خود در زمان تعیین شده عمل کرد. دوم یعقوب و عیسو، خداوند مقرر کرد که عیسو قبل از تولد یعقوب در خدمت آنها باشد، که نشان می دهد وفای به وعده او حتی به شرایط تولد او بستگی ندارد. این مثال دوم این آموزه را تقویت می کند که تولد آنها به عنوان بنی اسرائیل آنها را فرزندان خدا نمی کند. این ایمان به وعده های کلام خدا است که از طریق مسیح داده شده است که ما را به خانواده روحانی الهی، یعنی اسرائیل روحانی واقعی وارد می کند.

پولس در استدلال خود گزیده ای از ملاکی نبی ارائه می کند که می گوید: «یعقوب را دوست داشتم و از عیسو متنفر بودم.» اما خدا قبل از تولد از عیسو متنفر نبود.

این قسمت نشان می دهد که خداوند این را مدت ها پس از تولد عیسو گفته است، و او این را گفته است زیرا اعمال او و فرزندانش شیطانی بوده اند. به عبارت دیگر، خداوند او را به هلاکت مقدر نکرده است. «خدا... می خواهد که همه نجات یابند و به معرفت حقیقت بیایند» (اول تیم. 2: 3، 4) بیایید گزیده را بخوانیم

در ملاکی نقل شده است: «از عیسو متنفرم و کوه‌هایش را ویران کردم و میراث او را به شغال‌های بیابان دادم. اگر چه ادوم می‌گوید ما فقیر شده‌ایم، اما ویران‌ها را دوباره می‌سازیم؛ خداوند چنین می‌گوید. لشکرها خواهند ساخت و من ویران خواهیم کرد و آنها را سرزمین شرارت و قومی که خداوند بر آنها تا ابد خشمگین خواهد نامید.» مل.

توجه داشته باشید که خداوند به تصمیمات فرزندان عیسو اشاره می‌کند، زیرا کلمات او را به صورت جمع نقل می‌کند: "ما فقیر شده ایم". این ثابت می‌کند که عیسو در زمان زایمان او قبلاً متولد شده بود.

پیام

ملاکی نوشت که خدا از عیسو متنفر بود، زیرا عیسو نعمت او را تحقیر کرد و بد رفتار کرد و توبه نکرد. داستان از این قرار است که عیسو به‌عنوان بزرگترین برادر، از حق اولاد برخوردار بود، امتیازی که شامل نقش کشیش در خانه و حفظ دانش انجیل مسیحا و شریعت در خانواده بود. اما او نعمت خدا را تحقیر کرد: «عیسو از مزرعه وارد شد و خسته شد و عیسو به یعقوب گفت: از این خورش سرخ بخورم، زیرا خسته شده‌ام، به همین دلیل او را ادوم نامیدند. سپس به یعقوب گفت: «امروز حق اولیت خود را به من بفروش.» و عیسو گفت: «اینک من در آستانه مرگ هستم، حق اولیت من چه سودی برای من خواهد داشت؟... و او حق اولیت خود را به یعقوب فروخت... پس عیسو حق اولاد خود را تحقیر کرد.» پیدایش 34-30:25 و خود پولس به عبرانیان تأکید می‌کند که عیسو «توبه نکرد» عبرانیان 12:17.

اگرچه جملات "بزرگترین به کوچکترین ها خدمت خواهد کرد" و "من یعقوب را دوست داشتم و از عیسو متنفر بودم" در زمان‌های مختلف گفته شد، این واقعیت که پولس آنها را به ترتیب ارائه می‌کند می‌تواند خواننده بی‌دقت را متوجه شود که هر دو قبل از تولد عیسو بیان شده‌اند. اگر چنین باشد، آنها از این ایده حمایت می‌کنند که خدا برخی را از قبل برای نجات و برخی دیگر را برای هلاکت تعیین کرده است. (و فیض نجات دهنده خدا بر همه انسانها آشکار شد (تیطوس 2:11) پس از توضیح متن، داریم که پولس برای جلوگیری از اشتباه در تفسیر، افزود: "پس چه بگوییم؟ اینکه ظلمی از طرف خدا هست؟

به هیچ وجه! زیرا به موسی می‌گوید: به هر که رحم کنم رحم خواهیم کرد و به هر که رحم کنم رحم خواهیم کرد. بنابراین، این نه به آنچه او می‌خواهد و نه به آنچه که می‌خواهد بستگی دارد، بلکه به خدای مهربان بستگی دارد.» به عبارت دیگر، وی تصریح کرد که محور سخنانش این بود که نشان دهد وعده وفا می‌شود زیرا خداوند به آن عمل می‌کند. آن را بدون توجه به عمل انسان انجام دهد.

موضوع اصلی نامه به رومیان، ارائه انجیل بخشش (یا عادل شمرده شدن) است که توسط خدا از طریق عیسی مسیح ارائه شده است. با نشان دادن کامل اینکه این خداوند است که به وعده خود عمل می‌کند، بدون اینکه به هیچ وجه به انسان وابسته باشد، به همه ما ثابت می‌کند که عمل بخشیدن ما یک کار کاملاً الهی بوده است. او برای انجام آن به هیچ وجه به انسان وابسته نبود. در واقع، انسانها به خود اجازه دادند که تحت تأثیر شیطان قرار گیرند تا عیسی مسیح را برای شکست وسوسه کنند.

از او دعوت کرد: "از صلیب پایین بیا!" اما علیرغم تمام تلاش‌های مردم برای ممانعت و ممانعت، خدا و مسیح کار را به پایان رساندند. فداکاری به پایان رسید. بنابراین، بخشش خداوند برای گناهان من و شما یک یقین تغییر ناپذیر است، زیرا آنچه تا کنون بودیم، هستیم یا انجام داده‌ایم، کاری را که خدا و مسیح انجام داده‌اند تغییر نمی‌دهد. این یقین، ترس از پذیرفته نشدن، شرمساری از اشتباهاتمان یا تردید در اینکه آیا ما فرزندان خدا هستیم را از بین می‌برد. ما فرزندان او هستیم زیرا او پسرش را قربانی کرد تا ما را ببخشد. عیسی تضمین کامل و کامل ما برای بخشش و زندگی ابدی است. و از آنجایی که بخشش خداوند همیشه با قدرتی همراه است که زندگی مؤمن را تغییر می‌دهد، این نیز درست است که امروز ما از قبل قدرت بی پایان خدا را داریم که در ما برای اطاعت عمل می‌کند. مسلم است که فردا بر همه وسوسه‌ها غلبه خواهیم کرد، زیرا مسیح با ماست. کاری که به ما پیروز می‌شود همه از جانب خدا خواهد بود. او برای غلبه بر جسم، جهان یا شیطان، به قدرت ما وابسته نیست.

ما نه با کارهایمان توجیه می‌شویم، نه با شرایط تولدمان و نه با تعلق داشتن به یک قوم یا کلیسا. «بنابراین نتیجه می‌گیریم که انسان با ایمان عادل می‌شود»

رومیان. 3:28-29: «ما باید چه کار کنیم؟» «به خداوند عیسی ایمان بیاورید و نجات خواهید یافت» اعمال رسولان. 16:31-32: انتخاب کنید که این حقیقت انجیل را باور کنید و در زندگی شما به واقعیت تبدیل خواهد شد.

«زیرا کتاب به فرعون می‌گوید: «به همین منظور تو را برانگیختم تا قدرت خود را در تو نشان دهم و نام من در تمام زمین اعلام شود.» پس به هر که بخواهد رحمت می‌کند و او هر کس را که بخواهد سخت می‌کند، آنگاه به من می‌گویی: چرا او هنوز شکایت می‌کند، زیرا چه کسی در برابر اراده او مقاومت کرده است، اما ای انسان، تو کیستی که به خدا پاسخ می‌دهی، شاید آن چیزی که شکل می‌گیرد به او که شکل می‌دهد بگوید. این: با من چه کردی؟ یا سفالگر بر گل قدرت ندارد که از همان توده ظرفی برای عزت و دیگری برای رسوایی بسازد و اگر خدا بخواهد خشم خود را نشان دهد چه خواهی گفت؟ و قدرت خود را بشناسان، ظروف غضب را که برای نابودی آماده شده بود، با شکیبایی بسیار متحمل شد، تا غنای جلال خود را نیز در ظروف رحمت که قبلاً برای جلال آماده کرده بود، آشکار سازد، که ما هستیم، که او نیز ما هستیم. نه تنها از میان یهودیان، بلکه در میان غیریهودیان نیز خوانده شده است؟» رومیان. 24-17: 9

فرعون مصر با اراده الهی سخت نشد. گزارش حاکی است که او ترجیح داد به کلام خدا ایمان نیاورد و تسلیم آن نباشد. هنگامی که موسی به او دستور داد که بنی اسرائیل بروند و او را در بیابان عبادت کنند، او پاسخ داد: «خداوند کیست که به صدای او گوش دهم تا اسرائیل برود؟ من خداوند را نمی‌شناسم و اسرائیل را رها نمی‌کنم. 2: 5

سخنان او "من خداوند را نمی‌شناسم" درست نبود. او او را می‌شناخت زیرا می‌دید که بندگان اسرائیلی او را می‌پرستند. با این حال، او از نشان دادن ایمان به کلام او با اطاعت از آن خودداری کرد. خداوند فرعون را برای نابودی مقدر نکرده است و این نیز تعلیم پولس نیست

در این قسمت به هر حال، رسول دقیقاً برای اثبات خلاف آن نوشته است - همانطور که در زیر خواهیم دید.

کتاب مقدس بیان می‌کند که خداوند فرعون را برانگیخت تا «قدرت خود را در تو نشان دهم». خداوند می‌خواست با تغییر قلب فرعون قدرت خود را نشان دهد. او می‌خواست او را تغییر دهد و او را از پادشاهی دلسوز و خیرخواه تبدیل کند. به همین دلیل به او دستور داد که غلامانش را برای پرستش به صحرا بگذارد. اطاعت از این دستور عملی از رحمت است که قلب فرعون را خوب می‌کند. اگر از خدا اطاعت می‌کردند، بنی اسرائیل علاوه بر بهره‌مندی از عبادت، دوره‌هایی و استراحت از بندگی سخت را نیز دریافت می‌کردند. اما آن قلب خودخواه حاضر به تسلیم شدن در برابر دعاها و برای رحمت نشد. بنابراین خدا باید قدرت خود را در او به طریق دیگری - بسیار دردناک تر - با فرستادن بلاها بر مصر نشان می‌داد. و سرانجام پسرش را کشت. در رابطه با این بلای آخر، شایان ذکر است که این انتقام، به همان اندازه، برای جنایتی بود که مصریان سالها قبل مرتکب شده بودند، و همه پسران اسرائیلی را کشتند (خروج، 22: 1).

پولس سپس استدلال می‌کند که خدا «به هر که بخواهد رحم می‌کند و هر که را بخواهد سخت می‌گیرد.» با این سخنان او تصریح می‌کند که او در تصمیم‌گیری‌هایش مسلط است، یعنی آنچه را که می‌خواهد انجام می‌دهد بدون اینکه کسی بتواند جلوی او را بگیرد. از قدرت خود برای نجات انسان استفاده می‌کند «خدا... می‌خواهد همه انسان‌ها نجات یابند.» اول تیم. 4: 2 بنابراین، اگر انسان از تسلیم شدن به تأثیر روح خود امتناع می‌ورزد، این اتفاق می‌افتد که هر چه خدا اصرار بیشتری بر صحبت کردن در روح خود داشته باشد. وجدان هر چه سخت‌تر می‌شود همان روحی که تسلیم محبتش می‌شود و خود را به مسیح می‌سپارد باعث سخت شدن آدمی می‌شود که به شر می‌چسبد تقصیر خدا نیست همان خورشیدی که یخ را نرم می‌کند خاک رس را سخت می‌کند.

رسول همچنان در پی متقاعد کردن هر کسی که ممکن است تفسیر کرده باشد که خداوند برخی را به رستگاری و برخی دیگر را به هلاکت مقدر کرده است، می‌افزاید: "پس به من خواهی گفت: چرا او هنوز شکایت می‌کند؟ زیرا چه کسی در برابر اراده او مقاومت کرده است؟ اما ای انسان، تو کی هستی که جواب خدا را می‌دهی شاید آن چیزی که ساخته شده به سازنده بگویی: چرا مرا اینگونه آفریدی یا اینکه سفالگر بر گل قدرت ندارد که از همان توده یک ظرف بسازد. ما می‌توانیم او را موجودی خودخواه ببینیم که «روبات‌هایی» می‌سازد که آماده ستایش او هستند و همیشه اراده او را انجام می‌دهند تا خود را خشنود کنند. اما وجود شورشیان نشان می‌دهد که او انسان‌ها را آفریده است. با توانایی انتخاب آزاد آنها می‌تواند آنچه را که می‌بینند در نظر بگیرند، آن را تجزیه و تحلیل کند و سپس تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند. آنها حتی ممکن است تصمیم بگیرند که در برابر تمام شواهد حضور او، در آثار آفریده شده‌ای که آنها را احاطه کرده‌اند، مقاومت کنند و ادعا کنند که وجود او را باور ندارند. خداوند آزادی‌اندیشه را به همه انسانها داده است. اما تا حدی که آنها تصمیم به تسلیم یا عدم تسلیم به توصیه‌های او می‌کنند، آنها را انتخاب می‌کنند

آنها تبدیل به یک نعمت یا نفرین برای جامعه می شوند. به قول پولس، آنها «ظرفی برای افتخار یا برای رسوایی» می شوند.

در مرحله بعد، رسول به این واقعیت می پردازد که خدا همه را هدایت می کند تا نسبتی را که فیض او در دل کسانی که تسلیم مسیح شده بودند را آشکار کند. برای این منظور، خداوند برای مدت طولانی شریران را تحمل می کند و به آنها اجازه می دهد که موقتاً بر صالحان پیروز شوند. بیش از هزار سال است که مؤمنان بی گناه توسط افراد غیر خدا در مناصب قدرت دستگیر، محاکمه، محکوم و کشته شده اند. بدترین شکنجه ها را با صبر و نرمی متحمل شدند. کلام خدا این دسته از مردم را به عنوان "مردانی که جهان شایسته آنها نبود" گزارش می دهد. 11:38

آنها تحت بی رحمانه ترین بدرفتاری ها، مهربانی و خیرخواهی را که لطف خدا بر دل هایشان ارزانی داشت، آشکار کردند. مثلاً شهید استیفان را در نظر بگیریم که درست قبل از مرگش هنگام سنگسار گفت: "خداوند، این گناه را بر آنها مگذار و چون این را گفت، به خواب رفت" اعمال رسولان 7:60. سخنان او مطابق با سخنان خود مسیح است که هنگام مصلوب شدن گفت: "ای پدر، آنها را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند." در ایمانداران واقعی به عیسی مسیح انجام می دهد، خدا عدالت را انجام می دهد. او خشم خود را بر شریران می ریزد و آنها را بر اساس اعمالشان جبران می کند. کتاب مقدس به عنوان نمونه ای از این، پایان هیروودیس را گزارش می دهد. او به یوحنا نبی دستور داده بود. باپتیست را سر بریدند و بعداً عیسی را مسخره کردند. در یک روز معین، هیروودیس در حالی که ردای سلطنتی بر تن داشت در دادگاه نشست و تمرینی را برای آنها انجام داد. و مردم فریاد زدند: صدای خدا، نه از انسان. و در همان لحظه فرشته خداوند او را زد... و کرم خورده، جانش را از دست داد.

اعمال رسولان 12:21-23 در مواردی از این دست، سخنان پولس خطاب به رومیان محقق می شود: «خدا که می خواست خشم خود را نشان دهد و قدرت خود را آشکار سازد، ظروف خشم را که برای نابودی آماده شده بود، با صبر و شکیبایی بسیار تحمل کرد تا او نیز آن را بشناساند. ثروت جلال خود را در ظروف رحمت، که قبلاً برای جلال آماده کرده بود، ما هستیم، که او ما را نیز نه تنها از میان یهودیان، بلکه از میان غیریهودیان نیز فرا خواند.»

همانطور که در هوشع نیز آمده است: قوم خود را خواهیم خواند که قوم من نبودند و کسانی را دوست داشتند که مورد محبت قرار نگرفتند. فرزندان خدای زنده نامیده خواهند شد. اشعیا نیز در مورد اسرائیل فریاد می زند: اگر تعداد بنی اسرائیل مانند ریگ دریا باشد، باقیمانده نجات خواهد یافت. زیرا او کار را کامل کرده و آن را خواهد ساخت. در عدالت کوتاه است، زیرا خداوند کار را بر روی زمین تسریع خواهد کرد. «و همانطور که اشعیا قبلاً گفت: اگر خداوند صباپوت از ما نسل باقی نمی گذاشت، مانند سدوم می شدیم و مانند غموره می شدیم. پس آیا بگوییم که غیریهودیان که در جستجوی عدالت نبودند عدالت را به دست آوردند؟ بلی، اما عدالتی که از طریق ایمان است. اما اسرائیل که به دنبال شریعت عدالت بود، شریعت عدالت را به دست نیاورد، چرا؟ این از راه ایمان نبود، بلکه از طریق اعمال شریعت بود، زیرا بر سنگ لغزش لغزش کردند، چنانکه مکتوب است، اینک، من دراز می کشم.

در صهیون سنگ لغزش و سنگ گناه. و هر که به آن ایمان بیاورد شرمنده نخواهد شد.» رومیان. 25-33: 9

افرادی که به قوم اسرائیل تعلق نداشتند غیریهودیان نامیده می شدند. خدا از طریق هوشع نبی، تبدیل آنها را از طریق موعظه انجیل پیش بینی کرده بود. به همین دلیل گفتم: «قوم خود را کسانی خواهیم خواند که قوم من نبودند... و در جایی که به آنها گفته شد: شما قوم من نیستید، چنین خواهد شد. در آنجا فرزندان خدای زنده خوانده خواهند شد.» غیریهودیان، از طریق ایمان به مسیح، به اعضای کلیسا، عروس مسیح، که به قول هوشع، «محبوب» خوانده می شد، تبدیل می شدند. در عین حال، در مورد بنی اسرائیل، واقعیت غم انگیز این است که تعداد کمی از آنها منجی را پذیرفتند. اکثریت با دروغ هایی که درباره او و انجیل فیض خدا که توسط رهبران منتشر شده بود، برده شدند. نسبت اسرائیلی هایی که مسیح را پذیرفتند به اندازه ای کم بود که بتوان آن را با «باقیمانده» مقایسه کرد. و اگر آنها نبودند، تمام قوم در گناهان و گناهان خود هلاک می شدند، درست مانند آنچه در سدوم و عموره رخ داد. و این به این دلیل اتفاق افتاد که اگرچه بنی اسرائیل فخر می کردند که شریعت خدا را در ده فرمان دارند و از آن اطاعت می کردند، اما در حقیقت آن را اجرا نکردند. پولس بیان می کند که اسرائیلی هایی که «شریعت عدالت را جست و جو کردند، قانون عدالت را به دست نیاوردند»، زیرا می کوشند از طریق تلاش های خود و نه از طریق ایمان به مسیح از آن اطاعت کنند. "عادل با ایمان زندگی خواهند کرد" روم. 1:17 هنگامی که به مسیح ایمان دارید، روح القدس را به عنوان نیرویی که شما را قادر به اطاعت می کند دریافت خواهید کرد. «به هر کس که او را پذیرفت، به کسانی که به نام او ایمان دارند، قدرت داد تا فرزندان خدا شوند» یوحنا 1:12 اما «کسی که ایمان نیاورد قبلاً محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان ندارد» یوحنا 3:18 بنی اسرائیل چنان فریب رهبران خود را خوردند که فکر کردند و حتی معتقد بودند که عیسی "مشکل" است، در حالی که در واقع او راه حل است. قیافا در مورد او گفت: "برای ما مصلحت است که یک نفر برای مردم بمیرد و تمام قوم هلاک نشوند." یوحنا 11:50 سپس، از نظر آنها، مسیح آنها را در مسیر دستیابی به عدالت باز خواهد داشت. این یک "سنگ مانع" بود.

و آنها توسط او رسوا شدند و استدلال کردند که تشخیص اینکه کسی که در میان آنها بزرگ شده می تواند نجات دهنده آنها باشد، پوچ است (مرقس 3: 6: بنابراین، مسیح نیز برای آنها «سنگ گناه بود.» با این حال، هر کس به او ایمان آورد، خواه اسرائیلی باشد یا غیر یهودی، از جانب خدا شرمنده نخواهد شد، او نجات خواهد یافت.

واقعیت غم انگیز بنی اسرائیل در گذشته امروز و به شکلی گسترده در مسیحیت ادعایی تکرار می شود. همانطور که پولس پیش بینی کرد: «در روزهای آخر زمان های سختی خواهد آمد.

زیرا مردانی خواهند بود که خود را دوست دارند، طمع، فخر فروش، متکبر، کفر گو، نافرمان پدران و مادران... دوستدار خوشی ها تا خدا دوست هستند، و دارای نوعی خداپرستی هستند، اما قدرت آن را انکار می کنند.» دوم تیموس 5 - 1:3 بسیاری از مردان شکل انجیل را دارند - آنها کتاب مقدس را به عنوان کلام خدا می شناسند، او را ستایش می کنند و در مراسم شرکت می کنند. اما آنها از نیروی روح بی بهره هستند که به تنهایی می تواند آنها را مطیع کند. و این به این دلیل است که نه

ایمان زنده به مسیح داشته باشید تنها چیزی که آنها می توانند به عنوان دلیلی برای پذیرفته شدن از سوی خداوند بیاورند، پیوندها و تعهداتشان به «کلیسا» است. کسانی که این کار را انجام می دهند، بار دیگر مسیح را به عنوان سنگ مانع و سنگ رسوایی می دانند.

کلمه الهامی که گناهان آنها را سرزنش می کند - آنها آن را دوست ندارند. آنها آن را با "آموزه های کلیسای خود" جایگزین می کنند، که بسیاری از آنها به وضوح با احکام خدا در تضاد هستند. و از آنها راضی هستند. آموزه هایی که خارج از حدود آموزه هایشان است آنها را رسوا می کند. بنابراین مسیح، الهام دهنده کتاب مقدس، برای آنها عملاً «سنگ رسوایی» است.

همه ایمانداران صادق به مسیح که این واقعیت غم انگیز را در کلیسای خود می بینند، توسط خدا فراخوانده می شوند تا از این سخنان اطاعت کنند: "ای قوم من از او بیرون بیاید تا در گناهان او شریک نباشید و دچار او نشوید. بلاها» مکاشفه 4: 18 همان طور که اورشلیم پس از طرد مسیح (در سال 70 پس از میلاد) ویران شد، این کلیساهای سقوط کرده به همراه رهبران و اعضای خود نیز ویران خواهند شد. آنها ایمان واقعی به مسیح را برای رهایی از گناهان خود و زندگی با اطاعت و نجات خواهند پذیرفت. کل این کلیساهای سقوط کرده در نتیجه گناهانش کاملاً ویران خواهد شد، مانند سدوم و گومورا.

اما باز هم هر که این کلام را باور کند و اطاعت کند شرمنده نخواهد شد.

رومیان 10

"ای برادران، آرزوی قلب من و دعای من با خدا برای اسرائیل برای نجات آنها است. زیرا شما شهادت می دهید که آنها برای خدا غیرت دارند، اما نه با درک، زیرا عدالت خدا را نمی دانند و در پی استواری هستند. با عدالت خود، خود را تسلیم عدالت خدا نکردند، زیرا غایت شریعت مسیح است برای عدالت برای هر که ایمان دارد." رومیان

10:1-4

آرزوی هر مسیحی واقعی این است که همه نجات یابند. این با خود خدا همسو است (دوم تیم. 4: 3، 2 و دلیلی بر این است که صاحب آن فرزند اوست. پولس متوجه شد که یهودیان قصد رضایت خدا را دارند. با این حال، با عدم شناخت مسیح به عنوان عدالت خود، به او ایمان نیاوردند یا تسلیم او نشدند.

به نیاز او به یک نجات دهنده پی ببرید و او را وادار کنید که او را بپذیرد: «هر آنچه که قانون می گوید، می گوید، تا هر دهانی بسته شود و تمام جهان در پیشگاه خدا محکوم شود.

بنابراین هیچ جسمی در حضور او با اعمال شریعت عادل شمرده نخواهد شد، زیرا از طریق شریعت شناخت گناه حاصل می شود.» روم. 20، 3:19 هنگامی که گناهکار به این واقعیت متقاعد شد، می تواند تصمیم بگیرد که «عدالت خدا را از طریق ایمان به عیسی مسیح» دریافت کند، روم. مردان گناهکار، باید آنها را به مسیح هدایت کند تا عدالت را دریافت کنند.

«الان موسی عدالتی را که به وسیله شریعت است توصیف می کند و می گوید: «هر که این کارها را انجام دهد به آنها زندگی خواهد کرد. اما عدالتی که از راه ایمان است چنین می گوید: «در دل خود مگو کی به آسمان بالا خواهد رفت؟» (یعنی مسیح را از بالا بیاور) یا: چه کسی به ورطه فرود می آید؟ (یعنی مسیح را از مردگان باز می گرداند. اما چه می گوید؟ کلام با تو، در دهان و در قلب توست. کلام ایمانی که ما موعظه می کنیم، یعنی: اگر با دهان خود به عیسی خداوند اعتراف کنی و در دل خود ایمان بیاوری که خدا او را از مردگان برخیزاند، نجات خواهی یافت. اعتراف با دهان برای نجات است زیرا کتاب مقدس می گوید هر که به او ایمان بیاورد شرمنده نخواهد شد.» رومیان 10:5-11

آدم و حوا، وقتی خلق شدند، از عدالتی برخوردار بودند که به موجب شریعت است. تا زمانی که از او اطاعت می کردند، با او زندگی می کردند. اما گناهکار فقط از طریق ایمان به مسیح می تواند عدالت را بدست آورد. کسانی هستند که معتقدند ایمان ندارند و رسیدن به آن مانند جستجوی گنج بسیار دور است. اما واقعیت این است که ایمان دائماً در دل ما را می زند و دخول می خواهد. مسیح «نویسنده» ایمان است (عبرانیان 2:12 و او می گوید: «اینک، من بر در ایستاده ام و در می زنم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند، داخل خواهیم شد. 20:13 اگر در مقابل نفوذ او مقاومت نکنیم، ایمان خواهیم داشت. پولس توضیح می دهد که مسیح از ما دور نیست، چه در بهشت و چه در میان مردگان. او زنده است و با ما است. او کلمه است. وقتی یحیی به زمین آمد، گفت: «و کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد». یوحنا 1:14 و این کلمه به شما رسیده است - شما آن را می خوانید، حتی اکنون، در این کتاب. پولس گفت: «کلمه با تو است، در دهان و در دل تو، این کلام ایمان است که ما موعظه می کنیم.» و می گوید: «اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان بیاوری. که خداوند او را از مردگان زنده کرد، نجات خواهی یافت.» دهان از فراوانی قلب سخن می گوید (مت).

(12:34 در مورد مسیحی که قلب شما را پر می کند صحبت کنید، در مورد اعتقادی که به ذهن شما خطور کرد صحبت کنید، که او نجات دهنده شماست، که از مردگان برخاست و زندگی می کند تا به شما زندگی روحانی بدهد. اوست که شما را به اعتراف به او هدایت می کند. در صداقت خود شک نکنید، زیرا "هیچ کس نمی تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر به وسیله روح القدس" اول قرنتیان 12:3. شما او را به عنوان پروردگار زندگی خود می شناسید تنها به این دلیل

روح او شما را به انجام این کار سوق می دهد. و این دلیلی است بر این که تو از او هستی، تو فرزند خدا هستی. و هر که به او ایمان آورد، شرمنده نخواهد شد.

"زیرا بین یهودی و یونانی فرقی نیست، زیرا یکی پروردگار همه است، و برای همه کسانی که او را می خوانند ثروتمند است، زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت."

رومیان 13، 10:12

همه مردم، صرف نظر از ملیت یا عقیده خود، تنها با ایمان به خداوند عیسی مسیح، پسر خدا، می توانند نجات یابند. زیرا او برای گناهان و زندگی های ما مرد تا ما را تقدیس کند و ما را قادر سازد تا در جمع موجوداتی که هرگز گناه نکرده اند برای ابد زندگی کنیم. به همین دلیل است که عیسی "نجات دهنده جهان" یوحنا 4:42 است. سپس، هرکسی که با صدا زدن نام او برای نجات از گناهان خود به سوی خدا فریاد بزند، نجات خواهد یافت.

«پس چگونه کسی را که به او ایمان نیاورده اند بخوانند و چگونه به کسی که از او نشنیده اند ایمان بیاورند؟ بشارت سلامتی را بشارت دهند. انجیل، زیرا اشعیا می گوید: «خداوند، چه کسی به موعظه ما ایمان آورد؟ پس ایمان از شنیدن و شنیدن از کلام خدا حاصل می شود.»

رومیان 17-14:10

کارکرد پیام انجیل این است که مردم را در مورد نجاتی که قبلاً از طریق قربانی و شفاعت عیسی مسیح دریافت کرده اند روشن کند - این خبر خوب است. اما آنها از این موضوع غافل هستند. پس لازم است که او به آنها اعلام شود. خوشا به حال کسانی که خود را متعهد به این کار می کنند. بهشت از دیدن کار آنها که حامل پیام گرانبها هستند خرسند است و فرشتگان از همکاری با رسولان بشر خوشحال می شوند و قلب مردم را تحت تأثیر قرار می دهند.

اونجا قبول کن

با این حال، واقعیت غم انگیز این است که بسیاری باور نمی کنند. از این رو این سؤال مطرح می شود: "چه کسی موعظه ما را باور کرد؟" تنها چیزی که ما را از همه برکات اعلام شده توسط انجیل باز می دارد، بی ایمانی است. با این حال، بسیاری به آن می چسبند و در برابر تأثیر قدرتمندی که در ذهنشان ایجاد می کند مقاومت می کنند، مانند کسی که در طول طوفان به درختی می چسبد و نمی خواهد باد او را با خود بردارد. استیفان به یهودیان گفت: "شما همیشه در برابر روح القدس مقاومت می کنید." اعمال رسولان 7:51. برای اینکه این اتفاق نیفتد، خداوند به ما توصیه می کند: "امروز، اگر صدای او را می شنوید، خود را سخت نگیرید."

قلیها» عبری. 3:15 هر کس در برابر تأثیر روح القدس مقاومت نکند، عطای ایمان را دریافت خواهد کرد. وقتی سخنان خدا را می شنویم، روح او ما را به ایمان دعوت می کند. ایمان با شنیدن کلام خدا به وجود می آید. و از طریق آن نجات می یابیم (افسیسیان 8: 2: بنابراین، هر بار که کلام را می شنویم، دعوت نجات را دریافت می کنیم. مسیح با اشاره به نگرش ما نسبت به آن گفت: "کسی که گوش دارد، آنچه را که روح می گوید بشنود" مکاشفه 13: 13: اگر با دقت به آن گوش دهیم، به آن توجه کنیم، نجات خواهیم یافت. ما آن را به عنوان راهنمای زندگی خود می پذیریم و تسلیم می شویم

اراده ما نسبت به او

"اما من می گویم: "آیا آنها نشنیدند؟ آری، در واقع، زیرا صدای آنها در سراسر زمین و سخنان آنها به اقصی نقاط جهان رسید. اما من می گویم: "آیا اسرائیل نمی دانست؟ اول موسی می گوید، من خواهم گذاشت. در حسادت با کسانی که قوم نیستند، تو را با مردم احمق به خشم خواهم آورد و اشعیا با جرأت می گوید: من را کسانی یافتند که مرا نخواستند، به کسانی که مرا نخواستند وحی شدم. به اسرائیل می گوید: تمام روز دستانم را به سوی قوم سرکش و متضاد دراز کردم. رومیان 10:28-31

انجیل ابتدا برای یهودیان موعظه شد. اما آنان او را رد کردند و فرستادگان را بیرون کردند. پس از کشتن استیفان، «در آن روز آزار و شکنجه شدیدی بر کلیسای که در اورشلیم بود روی داد. و همه آنها در سرزمین یهودیه و سامره پراکنده بودند، به جز رسولان... اما پراکنده شدگان به همه جا رفتند و کلام را اعلام کردند.» اعمال رسولان 4، 1:8: سپس انجیل جهان را تا آنجا غلبه کرد که قبلاً در آن زمان «به همه موجودات زیر آسمان موعظه شده بود» کول 23: 1 از این رو، تمامی بنی اسرائیل او را شنیده بودند، اما دل‌های خود را سخت کردند. انجیل (اعمال رسولان 13:45) که خود را مذهبی می خواندند، علیه مؤلف و مرکز کل نظام دینی خود قیام کردند. در همین حال، مسیح به غیریهودیان شناخته شد - که او را جستجو نکردند زیرا قبلاً درباره او نشنیده بودند. هنگامی که مژده را شنیدند با خوشحالی او را پذیرفتند و این حسادت بنی اسرائیل را برانگیخت. ما نمونه‌ای از این واقعیت را در داستانی که در اعمال رسولان گزارش شده است می یابیم: «بسیاری از یهودیان و مسیحیان مذهبی از پولس و برنابا پیروی کردند. که با آنها صحبت کرد و آنها را به ماندن در رحمت خدا تشویق کرد. و شنبه بعد، تقریباً تمام شهر برای شنیدن کلام خدا جمع شدند. آنگاه یهودیان چون جمعیت را دیدند، حسادت کردند و با کفرگویی، سخنان پولس را مخالفت کردند.

اما پولس و برنابا با شهادت گفتند: لازم بود که کلام خدا ابتدا به شما موعظه شود. اما از آنجا که شما آن را رد می کنید و خود را لایق زندگی جاودانی نمی دانید، اینک ما به غیریهودیان روی می آوریم. زیرا خداوند به ما چنین امر فرمود: من تو را برای امتها نور قرار دادم تا تا اقصی نقاط جهان برای نجات باشی. و چون غیریهودیان این را شنیدند، شاد شدند و

آنها کلام خداوند را تجلیل کردند. و همه کسانی که به زندگی جاودانی منصوب شده بودند ایمان آوردند. و کلام خداوند در سراسر آن استان پخش شد. اما یهودیان برخی از زنان مذهبی و درستکار و حاکمان شهر را تحریک کردند و پولس و برنابا را مورد آزار و اذیت قرار دادند و آنها را از مرزهای خود بیرون کردند. اما با تکان دادن گرد و غبار از روی پای خود، به سمت ایکنیوم حرکت کردند. و شاگردان از شادی و روح القدس پر شدند. «اعمال رسولان 13: 43-52 بدین ترتیب سخنان اشعیا نبی محقق شد: "من را کسانی یافتند که من را نخواستند، برای کسانی که من را نخواستند ظاهر شدم. اما به اسرائیل می گوید: "تمام روز. دستان خود را به سوی قوم سرکش و متضاد دراز کردم." اگر یهودیان به معنای این کلمات توجه می کردند، می توانستند از ایفای این نقش اجتناب کنند.

امروزه، مانند گذشته، بسیاری از ادونتیست‌ها زحمت می‌کشند تا با حقایقی که بندگان واقعی خدا موعظه می‌کنند، مخالفت کنند. آنها با این توضیح واقعی انجیل در رومیان که در این کتاب توضیح داده شده است، در تضاد هستند، مانند وجود «خدای واحد، پدر» اول قرن‌تین 6:8 آنها با مکاشفه کتاب مقدس که قوم خدا با فیض بی‌پایان او تقویت شده‌اند، می‌توانند و بدون اینکه مرتکب خطا یا گناهی شوند، روی زمین راه بروند، در تضاد هستند. خداوند دست خود را به سوی آنها دراز می کند و این پیام را ارائه می دهد. اما مانند یهودیان قدیم از گوش دادن خودداری می کنند.

در همین حال، بسیاری از غیر ادونتیست‌ها، از ادیان و مذاهب مختلف، با خوشحالی می پذیرند.

پیام.

رومیان 11

"بنابراین می گویم آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ اصلاً، زیرا من نیز اسرائیلی هستم از نسل ابراهیم از قبیله بنیامین. خدا قوم خود را که از قبل می شناخت رد نکرده است. یا نمی دانید کتاب مقدس در مورد الیاس چه می گوید، در حالی که او با خدا بر ضد اسرائیل صحبت می کند و می گوید: خداوند، پیامبران تو را کشتند و قربانگاه های تو را ویران کردند و من تنها مانده ام و آنها جان من را می جویند؟ اما پاسخ الهی به تو چه می گوید هفت هزار مرد را برای خود ذخیره کرده‌ام که به بعل زانو نزده‌اند، پس اکنون نیز در این زمان، بر حسب انتخاب فیض، باقی‌مانده‌ای باقی مانده است. ؛ وگرنه فیض دیگر فیض نیست، اما اگر به واسطه اعمال باشد، دیگر فیض نیست وگرنه کار دیگر نیست.

سایت ساخت و ساز. " رومیان. 11: 1-6

هنگامی که موضع خصمانه بنی اسرائیل در قبال مسیح و پیام او را در نظر می گیریم، خواننده رومیان ممکن است فکر کند که خدا تمام بنی اسرائیل را کاملاً طرد کرده است. چنین

فکر منطبق بر عکس العمل طبیعی انسان یعنی کینه و انتقام خواهد بود، اما نه با شخصیت خدا. «غضب انسان عدالت خدا را عملی نمی‌کند» (یعقوب 1:20) او می‌گوید: «آیا زنی می‌تواند فرزندی را که بزرگ می‌کند آن‌قدر فراموش کند که بر او و بر فرزندش دلسوزی نکند. رحم؟»

اما حتی اگر او را فراموش کرد، من شما را فراموش نمی‌کنم.» هست یک. 49:15 مسیح هم همینطور. حتی پس از طرد شدن از سوی ملت به طور کلی، او همچنان به شفاعت آنها در بهشت ادامه داد. و به روح او در دل همه بنی اسرائیل شفاعت کن. و تعداد اندکی از آنان به نام باقی مانده بودند که دعوت فیض او را پذیرفتند. اینان عدالت خود را که توسط اعمال خود تشکیل شده بود، کنار گذاشتند تا شریعت را انجام دهند و خدا را خشنود سازند، و نجات دهنده را با عدالت خود پذیرفتند. سپس روح‌القدس را با او دریافت کردند، عاملی که قلب‌هایشان را متحول کرد و آنها را نگهبانان واقعی احکام قرار داد.

آنها در زندگی خود به واقعیت این کلمات پی بردند: "زیرا به فیض از طریق ایمان نجات یافته اید، و این از خود شما نیست، بلکه هدیه خداست" افسسیان 8: 2

سخنان این قطعه از رومیان نیز روشن است که بنی اسرائیل به هیچ وجه نمی‌توانند با آثار نجات یابند. بقایای بنی اسرائیل بر اساس انتخاب فیض با خدا مرتبط ماندند. «اما اگر از روی فیض باشد، دیگر از طریق اعمال نیست.» نجات «از اعمال نمی‌آید تا هیچ‌کس (حتی بنی اسرائیل) نتواند به خود ببالد» افسس. 2:9 هر کس تنها با فیض خدا می‌تواند نجات یابد، با ایمانی که در هنگام دریافت کلام او به عنوان هدیه دریافت می‌کند و در برابر آن مقاومت نمی‌کند.

کارهای آنها در رستگاری شرکت نمی‌کند. اگر نجات با اعمال بود، دیگر از طریق فیض نبود. «فیض» و «کارها»، در زمینه رومیان، 11 متضاد هستند. آثار شامل هر چیزی است که انسان انجام می‌دهد یا می‌تواند انجام دهد. در حالی که فیض کاری است که فقط خدا بدون کمک انسان انجام می‌دهد. آموزش گناهان و قدرت تغییر در قلب ما و توانمند ساختن ما برای اطاعت تنها از جانب خداست. آنها در بسته "فیض الهی" هستند که توسط بهشت و از طریق عشق پدر آسمانی به ما داده شده است.

همه کسانی که در آینده زندگی ابدی را به ارث می‌برند، از جمله بنی اسرائیل، در آنجا خواهند بود زیرا فیض خدا را در قلب خود دریافت کرده و آن را گرامی می‌دارند.

همانطور که در آیات قبل توضیح داده شد، سخنان رومیان در مورد قوم بنی اسرائیل به همان اندازه در مورد ادونتیسیم صدق می‌کند. اگرچه کلیسای ادونتیسیت به عنوان یک نهاد دعوت خدا را رد کرده و به چندین آموزه نادرست مانند اعتقاد به تثلیث چسبیده است، مسیح هنوز اعضای آن را فرا می‌خواند و می‌گوید: "اینک، من بر در ایستاده ام و می‌گویم، اگر کسی باشد. صدای مرا می‌شنود و در را می‌گشاید، به خانه او وارد خواهیم شد و با او شام خواهیم خورد و او با من." مکاشفه 3:20 و کسانی که صدای او را می‌شنوند، باقیمانده ای را خواهند ساخت که به جمعیت خواهند پیوست. مردم، از میان همه عقاید دیگر، که حقیقت کتاب مقدس را می‌پذیرند.

آنچه را که اسرائیل می خواستند به دست نیاوردند، اما برگزیدگان آن را به دست آوردند و بقیه سخت شدند. چنانکه مکتوب است: خداوند به آنها روح خوابی عمیق عطا کرد، چشمانی که نبینند، و گوشهایی که نبینند. تا روز امروز نتوانستند بشنوند و داوود میگوید: بگذار سفره‌شان دام و دام و سنگ‌الغز شود برای عقوبتشان و چشم‌هایشان تاریک شود تا نتوانند ببینند.

پشتشان مدام خم شود.» رومیان 10-7: 11

مدافعان رعایت شریعت خدا، یا «اهل شریعت»، چه اسرائیلی‌ها در گذشته و چه ادونت‌یست‌ها در حال حاضر، موعظه می‌کنند و به دنبال اطاعت هستند، اما خود را در برابر پیام فیض خدا در مسیح عیسی سخت گرفته‌اند. فقط کسانی در میان آنها که خود را فروتن کردند و جانهای درمانده خود را تسلیم مراقبت منجی کردند، رحمت او را دریافت کردند و با فیض او تقویت شدند تا اطاعت واقعی -اطاعت قلبی دگرگون شده -را به ارمغان آورند.

بقیه پر از تعصب بودند و به خود متقاعد شده بودند که چیزی برای یادگیری از واعظان انجیل که به فرقه آنها تعلق ندارند ندارند. بنابراین، "گوش دارند، اما نمی شنوند" - زیرا آنها نمی خواهند. آنها همچنین شواهدی را پیش روی خود دارند که نشان می دهد خدا از طریق واعظان انجیل واقعی کار می کند و زندگی آنها بر آن گواهی می دهد - آنها چشم دارند - اما نمی خواهند ببینند. نان روحانی را که ممکن است دریافت کنند -آموزه نابی که روح آنها را اصیل می بخشد و نجات می دهد - این نان را تحقیر می کنند - زیرا این نان از منبرهای کلیسای آنها یا از مردان تأیید شده توسط مؤسسات آنها نمی آید. «میز روحانی» آنها، منبری که نور آسمان باید از آن سرچشمه بگیرد، برای آنها «پیوند» شد، زیرا از آنجاست که راهنمایان روحانی آنها تمام تلاش خود را می‌کنند تا حقایق مربوط به عادل شمرده شدن را در تناقض قرار دهند. اطاعت و پرستش کامل از خدای یگانه، پدر و پسرش عیسی مسیح، منبر آنها تبدیل به ظرفی شده است که در خدمت فریبکاری است که آنها را از مسیری که به بهشت منتهی می شود منحرف می کند، همان دامی که آنها را به جهنم می برد. تأثیر مخرب مردم، چشمان روحانی مردم به سمت بالا، به سوی نور بهشت که از مکاشفه ناب کتاب مقدس می آید، باز ایستاد و در اثر فلسفه های انسان تاریک شد، با هدایت معلمان خود که از تعصب خود کور شده بودند و مست از آموزه ها بودند. از مردان، پشت خم کردند و نگاه خود را به سوی این دنیای تاریک و آداب و رسوم آن معطوف کردند و بیش از پیش با اعمال پلید آن تطابق یافتند و تا زمانی که این اعتماد کورکورانه را به رهبران خود حفظ کنند، پیوسته به تعظیم ادامه خواهند داد. پشت خود را پایین تر نگاه می کنند و از تفکر مسیح در کلام او دور می شوند تا به مردان ناقص نگاه کنند.

"بنابراین می گویم آیا آنها لغزش کردند تا سقوط کنند؟ نه، بلکه با سقوط آنها نجات برای غیریهودیان آمد تا آنها را به تقلید برانگیزد. و اگر سقوط آنها ثروت جهان و کاهش آنها باشد. ثروت غیریهودیان چقدر بیشتر خواهد بود زیرا من با شما صحبت می کنم

ای غیریهودیان، که در حالی که من برای غیریهودیان رسول هستم، خدمت خود را ستایش می‌کنم. تا ببینم آیا به هر طریقی می‌توانم کسانی را که از بدن خود تشکیل می‌دهند به تقلید و نجات برخی از آنها برانگیزم یا نه. زیرا اگر رد آن آشتی دنیا باشد، پذیرش آن جز حیات از مردگان چیست؟ و اگر اولین میوه‌ها مقدس باشد، خمیر نیز مقدس است. اگر ریشه مقدس باشد، شاخه‌ها نیز مقدس هستند.»

رومیان 11:11-16

ما تکرار می‌کنیم: "خدا می‌خواهد که همه نجات یابند" 1 تیم. 2:4 این بدان معناست که او همه چیز را برای این منظور هدایت می‌کند. حتی اعمالی که در نتیجه رد انجیل فیض توسط برخی انجام می‌شود، برای دیگران برکت دارد. اخراج مسیحیان از اورشلیم توسط یهودیان منجر به موعظه انجیل به غیریهودیان در جاهای دیگر شد (اعمال رسولان 1-4: 8 همچنین، در عصر مدرن، حذف واعظان حقیقت از عضویت کلیساهای ادونتیست منجر به انتشار حقیقت به هر قوم، قبیله، زبان و مردم شد (مکاشفه 7: 14 در هر دو مورد، سقوط و کاهش این هیئت‌های مذهبی به نفع خداوند منجر به غنی‌سازی روحانی جهان با حقیقت یا همان طور که در رومیان گفته می‌شود «ثروت جهان» شد. یک «شبهه‌کننده» یا عامل انگیزشی برای تشویق افراد افتاده به جستجوی تجربه واقعی. در عمل، این اتفاق زمانی می‌افتد که فردی متعلق به این بدن‌ها حقیقت را می‌بیند که توسط دیگران موعظه می‌شود و فریاد می‌زند: «اما این حقیقت ما بودیم که باید موعظه کن، پس چگونه با آنها هستی؟» و در نتیجه این تأمل او این فرصت را دارد که به عشق حقیقت تصمیم بگیرد جایی که هست را ترک کند و به قوم مدرن خدا بپیوندد. واعظان حقیقت، در حال حاضر، به عنوان ابزار خدا برای برانگیختن بنی اسرائیل و ادونتیست‌ها به جستجوی حقیقت عمل می‌کنند. طرد آنها، به عنوان یک قوم، منجر به موعظه انجیل صلح به جهان و آشتی همه ایمانداران شد. با خدا (دوم قرن 19: 5 و ورود به صف قوم خدا، این ارواح، بین این دو بدن، بازگشتی به زندگی معنوی برای آنها خواهد بود.

آنها، به عنوان اولین کسانی که نامیده می‌شدند (اسرائیلی‌ها در گذشته و ادونتیست‌ها در قرون اخیر)، اولین میوه‌ها یا اولین میوه‌ها در نظر گرفته می‌شدند. اولین میوه‌ها اولین میوه‌های برداشت شده یا اولین فرزندی بود (تثنیه 18:4 مزمور 105:26) اگر اولی‌ها با بازگشت به حق و پیوند خود با خلق حقیقی خدا به زندگی معنوی بازگردند، نشانه این است که افرادی که با آنها متحد می‌شوند از نظر معنوی نیز زنده هستند. یا به عبارت دیگر، اگر بعد از گرویدن به دنبال پیوستن به قومی باشند، قطعاً به دنبال قومی هستند که قبلاً مسلمان شده‌اند. زیرا کتاب مقدس می‌گوید: «آیا دو نفر می‌توانند با هم راه بروند، اگر موافق نباشند؟» عاموس 3:3 و این قوم فقط می‌توانند کسانی باشند که از جانب خداوند به عنوان متشکل از اولیای الهی منصوب شده‌اند: «این است صبر اولیاء. اینجا کسانی هستند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگه می‌دارند.» 12:14 Apoc. به طوری که همه در میان این قوم مقدس هستند. هم آنهایی که قبلاً در میان او بودند و هم آنهایی که

در میان بنی‌اسرائیل و ادونتیست‌ها به مشیت الهی به حقیقت بازگردانده شدند و با او متحد شدند. کسانی که دوباره منصوب می‌شوند اولین میوه یا ریشه را تشکیل می‌دهند. و بقیه توده یا شاخه‌ها را تشکیل می‌دهند که در آیه روم آمده است. حقیقت اصلی استخراج شده از متن این است که صرف نظر از منشأ، همه کسانی که سرانجام دعوت فیض را پذیرفتند و به صف خلق خدا پیوستند، در همین شرایط هستند: «اولیاء». مانند؟ با ایمان به مسیح و عمل روح القدس خدا از دستورات اطاعت شد. زیرا فرمانی که اطاعت می‌کنند «مقدس» است (رومیان 7:12) و به همین دلیل از نظر روحانی زنده هستند، زیرا عیسی گفت: «می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است» یوحنا: 12:50.

«و اگر بعضی از شاخه‌ها قطع شد و تو که درخت زیتون هستی، به آنها پیوند زدی و در ریشه و شیره درخت زیتون شریک شدی، بر شاخه‌ها مباحثات مکن، و اگر فخر می‌کنی. در برابر آنها، آیا شما پشتیبان ریشه نیستید، بلکه ریشه از آن شماست.» رومیان 18، 17:11

در اینجا پولس به غیریهودیان خطاب می‌کند. به یاد داشته باشیم که این نامه به رومیان است. بنابراین، ضمیر «شما» به آنها اشاره دارد و در دوران معاصر، با توجه به تشابهی که قبلاً بین «اهل شریعت» (اسرائیلیان و ادونتیست‌ها) ایجاد شده است، می‌توان گفت که این قطعه با قوت بیشتری خطاب به کسانی است که به هیچ یک از این قوم‌ها تعلق ندارند. پولس با اشاره به قوم‌های شریعت می‌گوید که آنها "شکسته" شده‌اند، یعنی با رد خود مسیح و انجیل او از برکات فیض محروم شده‌اند. ما پیام را پذیرفته ایم، از نظر روحانی "پیوند" شده ایم، یعنی بخشی از کلیسای روحانی خدا شده ایم. اما نباید به آنها مباحثات کنیم، بلکه به یاد داشته باشیم که آموزه انجیل ما را امروز ایستاده نگه می‌دارد. برای اولین بار به آنها تحویل داده شد و تنها تأثیری بر آنها نداشت زیرا آنها آن را رد کردند. آیات قصد دارند ما را در فروتنی نگه دارند که زمانی به ما دسترسی به ملکوت خدا را می‌داد. عیسی گفت: «خوشا به حال فقیران در روح. زیرا ملکوت آسمان از آن آنهاست.» متی 5:3 با تواضع عمیق، با درک اینکه گناهکاریم و لایق هیچ چیز نیستیم، فیض بخشش و تقدیس را می‌پذیریم. و تنها با ماندن در آن برکتی را که دریافت کرده ایم با خود نگه خواهیم داشت. این ایده ای است که در آیات بعدی بیان می‌شود:

«و بگو: شاخه‌ها شکسته شد تا مرا پیوند بزنند. خوب است، به خاطر بی‌ایمانی ایشان شکسته شد، و تو به ایمان ایستاده‌ای، پس تکبر مباحث، بلکه بترس.»

زیرا اگر خداوند به شاخه‌های طبیعی رحم نکرد، بترسید که او نیز به شما رحم نکند. پس نیکی و سختی خدا را در نظر بگیرید: نسبت به کسانی که افتادند، شدت؛ اما برای تو

مهربانی، اگر در مهربانی او بمانید. وگرنه تو هم قطع خواهی شد.»

رومیان 11:19-22

خدا منصف است. با همه یکسان رفتار کنید. او به عنوان پدر عشق با کسانی که به بیراهه کشیده می شوند به شدت برخورد می کند. به سرکشان و نافرمانان مصیبت ها وارد می شود تا از طریق آن، پیشاپیش ویرانی را ببینند که مسیر عملشان آنها را به آن سو می برد و به موقع عقب نشینی کنند. بنابراین، شدت او جلوه ای از مهربانی او است، زیرا "مهربانی خدا شما را به توبه می کشاند" روم. 2:4 از سوی دیگر، او مهربانی خود را به کسانی که تحت تأثیر عشق او قرار می گیرند و تسلیم مسیح می شوند عطا می کند و راه آنها را هدایت می کند و آنها را برای اطاعت از احکام او تقویت می کند. عیسی: «و گوش‌هایت این کلمه را خواهد شنید که از پشت سرت می‌گوید: این راه است، در آن قدم بردارید، نه به راست و نه به چپ بپیچید». 30:21 از این مشاهده نتیجه می‌گیریم که خدا همیشه مهربانی خود را به کار می‌گیرد تا همه را در راه نجات هدایت کند: چه متعلق به "اهل شریعت" باشند و چه غیریهودیان. تنها کسانی نجات خواهند یافت که برای تسلیم شدن در برابر تأثیر نیکوی او دائماً مقاومت کنند.

«و آنها نیز اگر در کفر نمانند پیوند زده می‌شوند، زیرا خداوند قادر است دوباره آنها را پیوند بزند. زیرا اگر از درخت زیتون منقطع می‌شوید و بر خلاف طبیعت به زیتون نیکو پیوند می‌زنید. درخت، چه بیشتر اینها که طبیعی هستند، به درخت زیتون خودشان پیوند زده می‌شوند، زیرا برادران نمی‌خواهم که از این راز غافل باشید (مباداً خودتان را گمان کنید) که سخت شدن در آمده است. بر اسرائیل بخشید تا زمانی که تمام امتها وارد شود. و بدین ترتیب تمامی اسرائیل نجات خواهند یافت، چنانکه مکتوب است، نجات دهنده ای از صهیون خواهد آمد و بی‌خدایی را از یعقوب دور خواهد کرد. و این خواهد بود عهد من با وقتی گناهانشان را بردارم.» رومیان 11:19-27

از آنجایی که خدا می‌خواهد همه را نجات دهد و پیوسته برای این هدف تلاش می‌کند، اگر عقب‌نشینی نتوانند در مقابل تأثیر عشق او مقاومت کنند و به انجیل ایمان بیاورند، آنها را می‌پذیرد. "روح (خدا) و همسر (کلیسای او) بگو: بیا و هر که می‌شنود بگوید بیا و هر که تشنه است بیاید و هر که می‌خواهد از آب حیات ببرد." مکاشفه 22:17 خداوند از سخت شدن «اسرائیل» استفاده کرد. "یعنی از اهل شریعت قدیم و جدید تا انجیل به دیگران برسد و هر که مایل باشد دعوت فیض را بپذیرد، باقیمانده آن قوم (اسرائیل و ادونتیست) به خیل کثیر خواهند پیوست. مؤمنانی از هر قوم، قبیله، زبان و قوم، که کلیت نجات یافتگان، اسرائیل خدا را تشکیل می‌دهند.

بیاد داشته باشیم که اسرائیل به معنای "برنده" است. و نوشته شده است: "به هر که پیروز می شود، از درخت حیات که در میان بهشت خداست، می خورم." مکاشفه 7: 2 بنابراین، همه کسانی که انجیل خدا را می پذیرند، خواهند خورد. فیض، صرف نظر از پیشینه مذهبی یا ملیت اصلی آنها، و از طریق آن بر گناه فائق آید. مسیح خود را نشان داد تا «گناهان را بزاید» (اول یوحنا 5: 3 سپس، همه آنها مقدس خواهند بود و مطیع خواهند بود. ده فرمان با عمل روح مقدس، به این معنا، همه آنها یک بدن خواهند بود، کلیسای خدا.

«پس از نظر انجیل به خاطر شما دشمنند، اما از نظر انتخاب، به خاطر پدران محبوب هستند، زیرا هدایا و دعوت خدا بدون توبه است.»

رومیان

11:28,29

این بیانیه مفهوم خدا به عنوان پدر همه ما را تقویت می کند. از زمانی که در گذشته، بنی اسرائیل و چند قرن پیش، ادونتیست ها را نامید، هدف خود را در رابطه با آنها تغییر نداده است. به عنوان یک ملت و فرقه، رهبران آن دعوت او را رد کردند. اما خداوند وعده‌هایی را که به پیشگامان خود - ابراهیم، اسحاق و یعقوب - در مورد اول و بنیانگذاران پیشگام فرقه ادونتیست - در مورد دوم داده بود، فراموش نکرد. تمام اعضای فعلی این دو بدن توسط پدر آسمانی به عنوان فرزندان گمشده اما همچنان دوست داشتنی دیده می شوند. زیرا اگر مادری به عشق پسرش ادامه دهد و حتی برای ملاقات با او به زندان برود، خدایش خیلی بیشتر. می فرماید: «آیا زن می تواند فرزند خود را آنقدر فراموش کند که تربیت کند که به او رحم نکند، بر فرزند شکمش؟ اما حتی اگر او را فراموش کرد، من شما را فراموش نمی کنم.» هست یک. 49:15 به این معناست که پولس بیان می‌کند که هدایا و دعوت‌ها بدون توبه هستند.

وقتی پدری به پسرش هدیه می دهد، ممکن است آن را تحقیر کند، اما پدر آن را پس نمی گیرد. خدا هدایا و مسلک را داد. هدایا هدایایی است که داده می شود. در مورد متن، آنها وعده های خداوند هستند. مسلک به معنای دعوت است، خداوند پیشگامان هر دو قوم را در گذشته فراخوانده و به آنها وعده داده است، اینها همیشه مشروط به اطاعت است، معلوم می شود که بی ایمانی بسیاری مانع از تحقق وعده ها در زندگی آنها می شود. وعده ها بدون توجه به رفتار شما نسبت به آنها همچنان داده می شود. حتی بدون توبه هم داده می شود. اما در این صورت نمی توان به آنها عمل کرد زیرا مشروط به اطاعت است. خداوند به اسرائیل گفت: "اینک دست خداوند کوتاه نمی شود، که نمی تواند نجات دهد. و گوش او غمگین نشده است که نشنود. اما گناهانت بین تو و خدایت جدا شده است. و گناهان شما چهره او را از شما پنهان می کند تا شما را نشنود." هست یک. 59 و به ستمکاران بگو: قطعاً

تو میمیری؛ اگر از گناه خود برگردد و به قضاوت و عدالت بپردازد، عهدش را به شیرین بازگرداند، آنچه را که دزدیده است جبران کند، بر اساس قوانین زندگی گام بردارد، و گناهی انجام ندهد، قطعاً زنده خواهد ماند، نه خواهد مرد. تمام گناهی که مرتکب شد، در حق او به یاد نمی‌آیند. داوری و عدالتی که انجام داده است، قطعاً زنده خواهد ماند.» ایزی. 16-13:33

«زیرا همان‌طور که شما قبلاً خدا را نافرمانی می‌کردید، اما اکنون با نافرمانی آنها رحمت به دست می‌آورید، اینها نیز اکنون نافرمان شده‌اند، تا از طریق رحمتی که به شما نشان داده شده، رحمت پیدا کنند. زیرا خدا همه آنها را در زیر نافرمانی محبوس کرده است تا همه آنها را از رحمت استفاده کنم. ای عمق ثروت، هم حکمت و هم معرفت خدا، چه قضاوت‌های او ناشناخته است، و چه راههای او ناشناخته است، زیرا چه کسی فکر خداوند را درک کرده است، یا چه کسی بوده است. مشاور او ابتدا به او بخشید تا پاداش یابد؟ زیرا همه چیز از او و بوسیله او و برای اوست، پس جلال او تا ابدالابد، آمین. رومیان

11:30-36

سخت شدن اسرائیل به این معنی بود که انجیل در آن دوره اول «به هر موجود زیر آسمان موعظه شد» کول. 1:23. همین‌طور در زمان حال. سخت شدن ادونتیست‌ها موعظه انجیل ابدی را برای هر قوم، قبیله، زبان و مردم ممکن ساخت (Apoc. 14:7). این واقعیت که شما اکنون در حال خواندن این کتاب هستید، گواه این است که این اتفاق می‌افتد. "و این انجیل ملکوت در سراسر جهان موعظه خواهد شد تا برای جمیع امتها شهادت دهد. آنگاه پایان خواهد آمد... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و تمامی مردمان زمین خواهند آمد. ماتم گرفته و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال بسیار بر ابرهای آسمان می‌آید و فرشتگان خود را با صدای بلند شیپور خواهد فرستاد و برگزیدگان او را از چهار باد جمع خواهند کرد. یک سر بهشت تا سر دیگر.»

متی. 31، 30، 24:14" زیرا خود خداوند، با کلام فرمان خود، با شنیدن صدای فرشته بزرگ، و با شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد و مردگان در مسیح ابتدا برخیزانند.؛ پس از آن، ما که زنده‌ایم باقی می‌مانیم، با آنها در ابرها گرفته می‌شویم تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، و بدین ترتیب تا ابد با خداوند خواهیم بود.» اول تسالونیک. 17، 4:16

جلال خدایی را که همه چیز را مطابق میل خود برای خیر و نجات همه هدایت می‌کند! او همه وقایع را هدایت خواهد کرد تا همه مردم این فرصت را داشته باشند که عشق او را بشناسند و در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند. «و آنگاه پایان خواهد آمد» متی 24:14.

با دانستن انجیل واقعی، می بینیم که چگونه او همه چیز را به نفع ما انجام داد.
اجازه دادن به او که ما را رهبری و راهنمایی کند، راه آسان رستگاری است. عیسی گفت: «گوسفندان من صدای مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و از من پیروی می کنند. و من به آنها زندگی جاودانی می دهم و هرگز هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدر من که آن را به من داد، از همه بزرگتر است. و هیچ کس نمی تواند آنها را از دست پدر من ربود.» یوحنا 10:27-29.
وظیفه نجات روح او را به مسیح بسپارید. بگذارید او شما را از طریق آموزه های کلام، صدای وجدان و مشیت او در تمام جزئیات زندگی راهنمایی کند! بنابراین، هیچ اشتباهی در مسیر وجود ندارد - زندگی ابدی میراث شما و بهشت خانه شما خواهد بود!

خدا تو را حفظ کند.